



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

کتابخانه ملی ایران - تهران - آذرماه ۱۳۹۸



آموزشی نماز به کودکان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کتابخانه ملی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آموزش نماز به کودکان (ویژه والدین و مربیان تربیتی)

نویسنده:

کاظم کاظمی یزدی

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	آموزش نماز به کودکان (ویژه والدین و مربیان تربیتی)
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۵	تقدیم به
۲۰	فهرست
۲۵	درآمد
۲۵	اشاره
۲۵	۱. مفهوم شناسی
۲۵	۱.۱. مفهوم تربیت
۲۵	۲.۱. مفهوم مربی
۲۵	۳.۱. مفهوم آموزش
۲۹	۴.۱. مفهوم مبانی آموزش
۲۹	۵.۱. مفهوم روش
۳۱	۶.۱. مفهوم شیوه
۳۱	۲. توضیح و تشکر
۳۵	پیشگفتار
۳۵	اشاره
۳۶	۱. ساختار دین اسلام
۳۶	اشاره
۳۶	۱.۱. اعتقادات
۳۶	۲.۱. اخلاقیات
۳۶	۳.۱. احکام
۳۸	۲. تربیت عبادی

۳۸	اشاره
۴۰	۱.۲. تعریف عبادت
۴۲	۳. آموزش نماز در سیره معصومان
۴۲	اشاره
۴۳	۱.۳. روش آموزش نماز
۴۴	۳.۲. موظف کردن والدین به آموزش نماز به فرزندان
۴۴	۳.۳. سن شروع آموزش نماز به کودکان
۴۴	۴.۳. سهل گیری در آموزش نماز به کودکان
۴۷	فصل اول: زمینه سازی
۴۷	اشاره
۴۸	۱.۱. چشاندن محبت خدا به کودک
۵۰	۲.۱. ایجاد علاقه به اولیای الهی
۵۲	۳.۱. ضرورت اصلاح نیت در مربی و متربی
۵۶	۴.۱. ارتباط کلامی مناسب و به کاربردن روش گفت و گو
۵۶	۵.۱. وضعیت ظاهری مناسب
۵۸	۶.۱. خوش خلقی
۶۰	۷.۱. صبر و حوصله
۶۳	فصل دوم: فرهنگ سازی
۶۳	اشاره
۶۴	۱.۲. تداوم مربیان
۶۶	۲.۲. تهیه امکانات
۶۶	۳.۲. تمرین
۶۶	۴.۲. پاسخ دادن به کنجکاوی های کودک
۶۸	۵.۲. حضور در نمازهای جمعه و جماعت
۶۸	۶.۲. طولانی نکردن نمازهای جماعت یا مراسم مذهبی
۶۸	اشاره

۷۰ ۱.۶.۲. درک کودکان و نوجوانان از مفهوم مسجد و نمازجماعت
۷۰ اشاره
۷۲ نمونه اول
۷۳ نمونه دوم
۷۴ چندنمونه تمرین
۷۵ ۷.۲. ارتباط خانه و مدرسه
۷۶ ۸.۲. ارتباط با خانواده های مذهبی
۷۶ ۹.۲. هم نشینی با دوستان نمازخوان
۷۸ ۱۰.۲. معرفی کردن نماز به عنوان دارویی آرام بخش و درمانی مؤثر
۸۴ ۱۱.۲. تشویق و تحسین
۸۴ اشاره
۸۴ ۱.۱۱.۲. نوع پاداش ها
۸۶ ۲.۱۱.۲. طبقه بندی پاداش ها
۸۶ ۱.۲.۱۱.۲. پاداش های مادی
۸۶ ۲.۲.۱۱.۲. پاداش های غیرمادی
۸۶ اشاره
۸۶ ۱. حرمت گذاری
۸۸ ۲. اظهار محبت
۹۲ ۳. نشان دادن اعتماد
۹۲ ۴. تمجید از رفتار او
۹۲ ۵. نزدیک کردن به خود
۹۲ ۶. دامنه دار کردن آزادی
۹۴ ۷. اغماض از خطای او
۹۴ ۸. دیگر پاداش ها
۹۴ ۱۲.۲. تیشیر
۹۷ فصل سوم: روش شناسی

۹۷ اشاره
۹۷ ۱.۳. شیوه تداعی معانی در آموزش نماز
۹۷ ۱.۱.۳. اصول تداعی معانی
۹۷ اشاره
۹۸ ۱. اصل مجاورت
۹۸ ۲. اصل مشابهت
۹۸ ۳. اصل تضاد
۱۱۳ ۲.۱.۳. استفاده از بهترین زمان و مناسب ترین مکان برای القای آموزه های دینی
۱۱۵ ۳.۱.۳. توأم کردن نماز با تجربه های متنوع و خوشایند برای کودکان و نوجوانان
۱۱۵ ۴.۱.۳. استفاده بهینه و مناسب از فضای مسجد و نمازخانه برای القای آموزه های دینی
۱۱۸ ۲.۳. روش القای غیرمستقیم
۱۱۸ اشاره
۱۱۸ ۱.۲.۳. آموزش غیرمستقیم
۱۲۰ ۲.۲.۳. روش گفت وگو، روش استفهامی (غیرمستقیم)
۱۲۸ ۳.۲.۳. راهکارهای القای غیرمستقیم
۱۲۸ ۱.۳.۲.۳. داستان
۱۲۸ اشاره
۱۳۰ ۱.۱.۳.۲.۳. شیوه آموزش داستان های دینی
۱۳۰ ۲.۱.۳.۲.۳. ویژگی های داستان خوب
۱۳۲ ۳.۱.۳.۲.۳. نکاتی مهم در آموزش داستان های دینی
۱۳۵ ۲.۳.۲.۳. شعر
۱۳۷ ۳.۳.۲.۳. شرح حال بزرگان
۱۳۷ ۴.۳.۲.۳. فیلم و کارتون و نمایشنامه
۱۳۹ ۳.۳. روش الگویی: الگوسازی و الگوپذیری
۱۳۹ اشاره
۱۳۹ ۱.۳.۳. تثبیت فرهنگ نماز

۱۳۹ اشاره
۱۴۸ ۱.۱.۳.۳. پیامدهای تضاد در گفتار و رفتار مربی
۱۴۸ اشاره
۱۵۰ ۱. ایجاد تنفر در مرتبی
۱۵۲ ۲. ایجاد تزلزل و بی اعتمادی در مرتبیان
۱۵۴ ۳. تعلیم ریا و نفاق
۱۵۶ ۴. آبروریزی و ازدست دادن اعتبار
۱۵۶ ۵. جرئت پیدا کردن بر گناه
۱۵۶ ۶. سایر پیامدها
۱۵۸ ۲.۳.۳. مؤثر بودن صفای دل در تربیت کودک
۱۵۸ ۳.۳.۳. جمع بندی
۱۵۸ ۱.۳.۳.۳. الگوهای نماز در هفت سال اول زندگی کودک
۱۵۸ ۲.۳.۳.۳. الگوهای نماز در هفت سال دوم زندگی کودک
۱۶۰ ۴.۳. روش دعا و نماز برای نمازخوان شدن فرزندان
۱۶۰ اشاره
۱۶۲ نماز اول
۱۶۴ نماز دوم
۱۶۶ فصل چهارم: برنامه شناسی
۱۶۶ اشاره
۱۶۶ ۱.۴. بررسی روایات
۱۶۶ اشاره
۱۶۷ دسته اول
۱۶۷ دسته دوم
۱۷۱ دسته سوم
۱۷۵ جمع بندی
۱۷۵ اشاره

۱۷۵ ۱. مرحله ابتدایی
۱۷۵ ۲. مرحله متوسطه
۱۷۵ ۳. مرحله نهایی
۱۷۷ ۲.۴. مراحل آموزش نماز و اهداف و محتوای آن
۱۷۷ اشاره
۱۷۷ ۱.۲.۴. مرحله زمینه سازی
۱۷۷ ۲.۲.۴. مرحله ابتدایی
۱۷۷ ۳.۲.۴. مرحله میانی
۱۷۹ ۴.۲.۴. مرحله پایانی
۱۷۹ ۳.۴. ویژگی های برنامه آموزش نماز در سیره معصومان □
۱۸۳ ۴.۴. جمع بندی
۱۸۳ اشاره
۱۸۵ توصیه دکتر علی قائمی
۱۸۵ ۵.۴. تمرین نماز قضا
۱۸۸ پیوست ها
۱۸۸ پیوست ۱
۱۸۸ پاسخ به چند پرسش
۱۸۸ پاسخ:
۱۸۹ پاسخ: در پاسخ باید به دو نکته مهم توجه کنیم:
۱۹۵ پیوست ۲
۱۹۵ استفتانات شرعی
۲۰۱ پیوست ۳
۲۰۱ اشاره
۲۰۱ ۱.۳. مَثَل
۲۰۲ ۲.۳. داستان
۲۰۲ ۱.۲.۳. داستان سبب

۲۰۲ اشاره
۲۱۲ ۱.۱.۲.۳. شروط ایجاد ارتباط درست با پروردگار از طریق نماز
۲۱۲ ۲.۱.۲.۳. ارزش نماز جماعت
۲۱۴ ۲.۲.۳. داستان ذی القرنین و سرزمین ظلمات
۲۱۷ ۳.۳. طرح درس
۲۱۷ ۱.۳.۳. طرح درس نور
۲۲۷ ۲.۳.۳. طرح درس شکر
۲۳۴ ۳.۳.۳. طرح درس نماز
۲۴۲ کتابنامه
۲۵۰ درباره مرکز

آموزش نماز به کودکان (ویژه والدین و مربیان تربیتی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : کاظمی یزدی، سید کاظم، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدید آور : آموزش نماز به کودکان (ویژه والدین و مربیان تربیتی) / نویسنده سید کاظم کاظمی یزدی.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۲۵۶ص.

شابک : ۸۲۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷۰-۴۳-۳

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه : ص. ۲۵۰ - ۲۵۶؛ همچنین به صورت زیرنویس .

موضوع : نماز

موضوع : تعلیمات دینی برای کودکان

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/ک ۸۲۳۳۷ ۸۲۳۳۷ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۸۸۴۱۰

ص: ۱

اشاره

همهٔ کودکان شهید، به ویژه آنان که در روز عاشورا در کنار حضرت سیدالشهدا(ع) شربت شهادت نوشیدند.

امام خمینی:

نماز یک کارخانه انسان سازی است. (۱)

امام خامنه ای:

از کودک دبستانی تا پژوهشگر دوره های عالی، هر یک فراخور ذهن و معرفت خود، می توانند در راه شناختن نماز قدم هایی بردارند و با ناشناخته هایی آشنا شوند. حتی عرفای بزرگ نیز برای سالکان وادی معرفت، اسرار الصلاه نوشته و آموخته اند؛ یعنی اعماق این اقیانوس همچ-نان ناشناخته و پیمودنی است (۲)

ص: ۵

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۲- بخشی از پیام معظم له به اولین اجلاس سراسری نماز: ۱۶ مهر ۱۳۷۰.

امام سجاده (ع) می فرمایند:

حَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَتُهُ فِي تَعْلِيمِهِ وَ الْعَفْوُ عَنْهُ وَ السِّرُّ عَلَيْهِ وَ الرَّفْقُ بِهِ وَ الْمَعُونَةُ لَهُ... وَ الصَّغَارُ بِمَنْزِلِهِ أَوْلَادِكَ؛ (۱)

حق خردسال، مهربانی در آموزش او، بخشیدن او و پوشاندن [اشتباهات] او، مدارا کردن او و یاری کردن اوست... و حق هم کیشان تو این است که... خردسال [آن ها] به جای فرزندان تو باشند.

دعای شهید ثانی □ برای توفیق در تربیت و آموزش شاگردانش:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضِلَّ أَوْ أَزِلَّ أَوْ أَزَلَّ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ أَنْفَعِنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ عَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي وَ زِدْنِي عِلْمًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ (۲)

خدایا به تو پناه می برم که مبادا گمراه کنم یا گمراه شوم؛ بلغزانم یا بلغزم؛ ستم کنم یا ستم بینم؛ دیگران را به نادانی کشانم یا خود دچار آن شوم. بار خدایا، مرا با علمی که به من آموختی، سودمند گردان و مرا به علمی رهنمون ساز که مرا سودمند افتد. خدایا، بر مراتب علم و آگاهی من بیفز. سپاس حقیقی در تمام حالات از آن خداوند متعال است.

ص: ۶

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۵، حدیث ۳۲۱۴..

۲- سید محمد باقر حجتی، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص ۲۶۸، به نقل از منیه المرید، ص ۸۲ و بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۳.

موفقیت های این اثر در جشنواره ها و همایش های علمی پژوهشی

کسب رتبه برتر در همایش آثار پژوهشی حوزه علمیه خراسان (۱۳۸۸)

کسب رتبه برتر در همایش تبلیغ دینی (۱۳۸۹)

کسب رتبه اول در جشنواره تبلیغ مطهر (۱۳۸۹)

کسب رتبه اول در جشنواره روانشناسی و مشاور (۱۳۸۹)

کسب رتبه شایسته تقدیر در جشنواره کشوری علامه حلی (۱۳۸۹)

ص: ۷

فهرست

درآمد ۱۷

۱. مفهوم شناسی ۱۷
- ۱.۱. مفهوم تربیت ۱۷
- ۲.۱. مفهوم مربی ۱۸
- ۳.۱. مفهوم آموزش ۱۸
- ۴.۱. مفهوم مبانی آموزش ۲۰
- ۵.۱. مفهوم روش ۲۱
- ۶.۱. مفهوم شیوه ۲۲
۲. توضیح و تشکر ۲۲

پیشگفتار ۲۵

۱. ساختار دین اسلام ۲۶
- ۱.۱. اعتقادات ۲۶
- ۲.۱. اخلاقیات ۲۷
- ۳.۱. احکام ۲۷
۲. تربیت عبادی ۲۸
- ۱.۲. تعریف عبادت ۳۰
۳. آموزش نماز در سیره معصومان ۳۲ □

۱.۳. روش آموزش نماز ۳۲

۲.۳. موظف کردن والدین به آموزش نماز به فرزندان ۳۲

۳.۳ سن شروع آموزش نماز به کودکان ۳۳

۴.۳ سهل گیری در آموزش نماز به کودکان ۳۳

فصل اول: زمینه سازی ۳۵

۱.۱. چشاندن محبت خدا به کودک ۳۸

۲.۱. ایجاد علاقه به اولیای الهی ۴۰

۳.۱. ضرورت اصلاح نیت در مربی و متربی ۴۲

۴.۱. ارتباط کلامی مناسب و بهکاربردن روش گفت و گو ۴۴

۵.۱. وضعیت ظاهری مناسب ۴۵

۶.۱. خوش خلقی ۴۶

۷.۱. صبر و حوصله ۴۷

فصل دوم: فرهنگ سازی ۵۱

۱.۲. تداوم مربیان ۵۴

۲.۲. تهیه امکانات ۵۵

۳.۲. تمرین ۵۵

۴.۲. پاسخ دادن به کنجکاوی های کودک ۵۶

۵.۲. حضور در نمازهای جمعه و جماعت ۵۶

۶.۲. طولانی نکردن نمازهای جماعت یا مراسم مذهبی ۵۷

۱.۶.۲. درک کودکان و نوجوانان از مفهوم مسجد و نماز جماعت ۵۸

۷.۲. ارتباط خانه و مدرسه ۶۲

۸.۲. ارتباط با خانواده های مذهبی ۶۳

۹.۲. همنشینی با دوستان نمازخوان ۶۴

۱۰.۲. معرفی کردن نماز به عنوان دارویی آرامبخش و درمانی مؤثر ۶۴

۱۱.۲. تشویق و تحسین ۷۰

۲.۱۱.۱. نوع پاداش ها ۷۱

۲.۱۱.۲. طبقه بندی پاداش ها ۷۲

۱۲.۲. تیشیر ۷۸

فصل سوم: روش شناسی ۸۱

۱.۳. شیوه تداعی معانی در آموزش نماز ۸۳

۱.۱.۳. اصول تداعی معانی ۸۳

۲.۱.۳. استفاده از بهترین زمان و مناسب ترین مکان برای القای آموزه های دینی ۹۵

۳.۱.۳. توأم کردن نماز با تجربه های متنوع و خوشایند برای کودکان و نوجوانان ۹۷

۴.۱.۳. استفاده بهینه و مناسب از فضای مسجد و نمازخانه برای القای آموزه های دینی ۹۸

۲.۳. روش القای غیرمستقیم ۱۰۰

۱.۲.۳. آموزش غیرمستقیم ۱۰۱

ص: ۹

۲.۲.۳. روش گفت و گو، روش استفهامی (غیر مستقیم) ۱۰۲

۳.۲.۳. راهکارهای القای غیر مستقیم ۱۰۸

۳.۳. روش الگویی: الگوسازی و الگوپذیری ۱۱۷

۱.۳.۳. تثبیت فرهنگ نماز ۱۱۸

۲.۳.۳. مؤثر بودن صفای دل در تربیت کودک ۱۳۲

۳.۳.۳. جمع بندی ۱۳۲

۴.۳. روش دعا و نماز برای نمازخوان شدن فرزندان ۱۳۴

نماز اول ۱۳۵

نماز دوم ۱۳۷

فصل چهارم: برنامه شناسی ۱۳۹

۱.۴. بررسی روایات ۱۴۱

دسته اول ۱۴۲

دسته دوم ۱۴۳

دسته سوم ۱۴۶

جمع بندی ۱۴۸

۲.۴. مراحل آموزش نماز و اهداف و محتوای آن ۱۵۰

۱.۲.۴. مرحله زمینه سازی ۱۵۰

۲.۲.۴. مرحله ابتدایی ۱۵۰

۳.۲.۴. مرحله میانی ۱۵۰

۴.۲.۴. مرحله پایانی ۱۵۱

۳.۴. ویژگیهای برنامه آموزش نماز در سیره معصومان ۱۵۲ □

۴.۴. جمع بندی ۱۵۴

۵.۴. تمرین نماز قضا ۱۵۶

پیوست ها ۱۵۹

۱. پاسخ به چند پرسش ۱۶۱

۲. استفتائات شرعی ۱۶۷

۳. نمونه چند طرح درس ۱۷۱

۱.۳. مَثَل ۱۷۱

۲.۳. داستان ۱۷۳

کتابنامه ۲۰۵

ص: ۱۰

کتابی که پیش رو دارید، شما را با روش‌ها و برنامه‌های آموزش نماز به کودکان آشنا ساخته، زمینه‌های لازم را برای آموزشی موفق فراهم می‌سازد. درابتدا، به تعریف و تبیین مفاهیم اساسی مطرح شده در این کتاب می‌پردازم.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. مفهوم تربیت

تربیت از ماده «رَبَّوْ» به معنای افزودن و رشد و نمو کردن است و در اصطلاح، تعاریف متعددی برای آن بیان کرده اند (۱) علت این است که هرکس از زاویه‌ای به آن نگریسته است و تعریفی خاص از آن ارائه داده است: یکی براساس هدف، دیگری براساس روش و سومی براساس تلفیقی از روش و هدف.

در این بحث، نه مجال ورود به تعریف تربیت است و نه ضرورتی دارد.

فقط تعریفی کلی که تا حدّ زیادی، پذیرفتنی است، به عنوان مبنا و محور بحث ذکر می‌کنم: «تربیت عبارت است از هرگونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخص دیگری به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار یک فرد دیگر، بر اساس اهداف ازپیش معین شده انجام می‌دهد» (۲)

البته اهداف و محتوای تربیت برای هر فرد و گروه و مکتبی متفاوت است. همچنین طبق این تعریف، «مربی» تنها به معلم و استاد دانشگاه اطلاق نمی‌شود و «متربی» به دانش آموز. همچنین محیط تربیت نیز اعم از مدرسه و دانشگاه و محیط‌های آموزشی است و شامل مدرسه، دانشگاه، خانه، محل کار و حتی کوچه و خیابان می‌شود.

۲.۱. مفهوم مربی

با توجه به مفهوم واژه «تربیت»، مربی این گونه تعریف می‌شود: «هر فردی که بر اساس برنامه‌ای سنجیده و به عمد، اعمالی انجام دهد تا در شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات و عواطف یا رفتار دیگری تأثیر بگذارد، مربی است» (۳)

۳.۱. مفهوم آموزش

آموزش در کتاب‌های لغت فارسی، به معنای یاد دادن و تعلیم و

ص: ۱۱

۱- نک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، بخش ۲، فصل ۱.

۲- سیدعلی حسینی زاده، تربیت فرزند، ص ۱۲.

آموختن آمده است (۱) البته آموختن در معنای متعدی آن، بدین معناست. آموختن در معنای لازم، به معنای یاد گرفتن و تعلّم است. در اصطلاح، تعاریف متعددی برای آموزش بیان کرده اند. راغب در مفردات می نویسد: «التَّعْلِيمُ اخْتِصَّ بِمَا يَكُونُ بَتَكْرِيرٍ وَ تَكْثِيرٍ حَتَّى يَحْضُرَ لَ مِنْهُ أَثَرٌ فِي نَفْسِ الْمُتَعَلِّمِ (۲) (= آموزش آن است که با تمرین و تکرار زیاد، اثری از آن در ذهن و نفس دانش آموز پدید می آید).

کلمه «آموزش» معادل واژه انگلیسی Instruction یا Teaching است. این دو واژه در انگلیسی به معنای آموزش و تعلیم و تدریس آمده است. تدریس و آموزش در اصطلاح، باهم متفاوت اند. آموزش، در اصطلاح به چند معنا آمده است:

۱. تحریک و راهنمای یادگیری؛

۲. هنر کمک کردن به یادگیری توسط دیگری؛ (۳)

۳. فراهم آوردن اوضاع و احوالی که یادگیری را برای دانش آموزان و دانشجویان، در داخل و خارج مدرسه، آسان می سازد (۴)

می توانیم آموزش را این چنین تعریف کنیم: «هر گونه فعالیتی که

از سوی یاد دهنده به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده، صورت پذیرد (۵)

باید به این نکته توجه کنیم که «آموزش» غیر از «یادگیری» است. یادگیری، هدف آموزش است. آموزش، کار مربی است و یادگیری کار متربی. از تعامل مربی و متربی، «یادگیری» حاصل می شود. البته نه هر آموزشی، همواره یادگیری را به دنبال دارد و نه هر یادگیری، به ضرورت، نیازمند آموزش است؛ بلکه برخی از انواع آموزش، به یادگیری می انجامد. این نوع از آموزش را «آموزش مؤثر» می نامند.

از سوی دیگر، برخی از انواع یادگیری بر آموزش استوار نیست؛ بلکه خود یادگیرنده به آموختن اقدام کرده، یادگیری را در خود ایجاد می کند. این نوع یادگیری را می توان یادگیری «خودآموز» یا «خودآموزی» نامید. با وجود این، «آموزش» در اصطلاح، به آموزشی گفته می شود که به نوعی یادگیری در یادگیرنده منتهی می شود، هر چند به صورت ضعیف. آموزشی که به یادگیری نینجامد، آموزش نیست. بنابراین، نه آموزش با یادگیری مساوی بوده و نه یادگیری با آموزش بی ارتباط است و نسبت بین این دو، عموم و خصوص من وجه است که گاه، ملازم یکدیگرند.

با توجه به تعاریف بالا می توانیم بگوییم: منظور از تربیت، رشد و

ص: ۱۲

۱- فرهنگ معین؛ لغت نامه دهخدا، ماده آموزش

۲- حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، به تحقیق صفوان عدنان داوودی، چ ۱، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۶،

ص ۵۸۰.

۳- در این سه تعریف، دو ویژگی «عمدی بودن» و «از پیش برنامه ریزی شدن» برای آموزش لحاظ شده است.

۴- نک: فرهنگ علوم رفتاری، ماده Teaching.

۵- سیدعلی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، نگرشی بر آموزش، ج ۴، ص ۲۴.

شکوفاسازی همه ابعاد انسانی است؛ ولی آموزش، بیشتر در بُعد شناختی و عقلانی مطرح است. مراد از آموزش در اینجا، وسیله و زمینه ساز پرورش است.

۴.۱. مفهوم مبانی آموزش

مبانی، عبارت از آن قواعد و اصولی است که با آن، برهان تشکیل می شود. به این مقدمات و مبادی، عنوان مبانی بحث اطلاق می شود. مِدرک این مقدمات و مبادی را منابع بحث می گویند (۱). مبحث مبانی، محوری ترین بخش مباحث نظری است؛ چراکه ازسویی، تعریف تربیت، برخاسته از بحث مبانی، به ویژه مبانی انسان شناسی تربیت است و ازسوی دیگر، اهداف و اصول و روش های تربیتی، مجموعه ای از بایدهاست که از هست ها و توانایی های انسان متأثر هستند.

در بحث از مبانی تربیت، ویژگی های انسان و موقعیت او در ارتباط با حیات و رفتارهای او به شکل غیرمستقیم مد نظر است.

یکی از مبانی تربیت دینی، نیایش و نماز است. قرآن مجید در آیه ۵۶ سوره ذاریات، (۲) هدف خلقت انسان را عبادت بیان کرده است. در قرآن، ۱۱۴ مرتبه کلمه صلات و مشتقات آن استفاده شده است و در ۴۵ سوره قرآن، به نماز اشاره شده است. علاوه بر بیان اهمیت نماز و تبیین آن براساس مبانی فلسفی و ادبی و فقهی، تبیین نماز براساس یافته های روان شناسی جدید نیز مؤثر است. این یافته ها بر مبنای روش شناسی تجربی و به پشتوانه مکاتب و نظریه های روان شناسی از جمله تئوری رفتارگرایی، شناخت گرایی، پدیدار شناسی و... شکل گرفته است. در این نوشتار، تلاش کرده ام از این یافته های روان شناسی نیز به درستی استفاده کنم. (۳)

مبانی آموزشی همان واقعیت خارجی موجود در طبیعت و انسان است که ممکن است در علوم دیگر، به اثبات رسیده باشد؛ نظیر واقعیت های روان شناسی، جامعه شناسی، انسان شناسی و حتی فیزیکی، زیستی و... .

۵.۱. مفهوم روش

روش در کتاب های لغت فارسی معانی مختلفی دارد: طرز، طریقه، شیوه، اسلوب، سبک، سیره، (۴) طریق و... (۵) در عربی، روش معادل کلمات «المنهج و المنهاج» یا «الطریق الواضح» آمده است که به همان معنای راه روشن است. (۶) معادل انگلیسی روش، Method است که در

ص: ۱۳

۱- عبدالله جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص ۶۹.

۲- وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.

۳- مجید مهرمحمدی، «نیایش و نماز براساس رویکرد رفتاری نگر»، مطالعات اسلام و روان شناسی، ص ۹۶.

۴- عرب می گوید: «فلان حسن السیره ای حسن السلوک بین الناس» و به همین معناست این جمله شریفه: «من طلبت سریره حسن سیره ای من طابت نیته حسن سلوکه»، کسی که نیت پاکی داشته باشد، رفتار نیکو خواهد داشت (علی محمدی، شرح

اصول فقه مرحوم مظفر، ج ٣، ص ٣٢٧).

٥- . لغت نامه دهخدا، ماده روش.

٦- . لسان العرب، ماده نهج؛ اقرب الموارد، ماده نهج.

لغت به معانی متعدد آمده است، از جمله: قاعده، قانون، شیوه، اسلوب، سبک، منوال.

روش، در اصطلاح نیز به چند معنا، از جمله معانی زیر آمده است:

۱. راه منظم و سیستماتیک بررسی حقایق و مفاهیم؛ (۱)

۲. تعیین طریق انجام دادن فعالیت یا امر؛ (۲)

۳. راهی که به منظور دستیابی به حقیقت در علوم باید پیمود؛ (۳)

روش به سه چیز اطلاق می شود:

۱. مجموعه راه هایی که انسان را به کشف مجهولات و حل مشکلات هدایت می کند؛

۲. مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیات، باید به کار برد؛

۳. مجموعه ابزار یا فنی که آدمی را در این مسیر، از مجهولات به معلومات راهبری می کند. (۴)

بنابراین می توانیم بگوییم: روش عبارت است از راه به کارگیری قواعد و شیوه ها و فنون آموزشی که مرئی برای رسیدن به هدف آموزشی خود، از آن ها بهره می گیرد. در این صورت، شیوه ها و فنون و گاه برخی از اصول، از اجزای روش به حساب می آید. گاهی از این اصول به «اصول» یا «قواعد روشی» تعبیر می کنند. ممکن است پرسند: مگر روش با شیوه چه تفاوتی دارد که آن را جزئی از روش می دانید؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا لازم است معنای شیوه را روشن سازیم؛ سپس به مقایسه آن با روش پردازیم.

۶.۱. مفهوم شیوه

شیوه، در لغت به معنای روش و طرز و طریقه آمده است؛ ولی در اصطلاح، گاه معنایی متفاوت با آن دارد. روش مجموعه ای از اموری است که انسان برای رسیدن به هدف و انجام دادن کار مدنظر، به صورت روشمند و بسامان پی می نهد؛ اما شیوه، نمونه های رفتاری است که عمل به آن ها موجب تحقق طرح های راهبری آموزشی (روش ها) می شود. (۵)

۲. توضیح و تشکر

۱.۲. آنچه در این کتاب از تعاریف، مراحل، روش ها، شیوه ها، زمینه ها و فرهنگ ها ارائه کرده ام، یافته هایی است که پس از مطالعه و بررسی منابع در دسترس درباره موضوع، به دست آورده ام. امیدوارم با دقت صاحب نظران، بتوانم این آموزه ها را اصلاح و تکمیل کنم.

۲.۲. در این مجموعه تلاش کرده ام برنامه آموزشی نماز را متناسب با نیازهای والدین و مربیان ارائه دهم. امیدوارم صاحب

نظراتی که با دید نافذ خود، تاریکی های اجمال را در مفاهیم و حفره های نامحسوس را در

ص: ۱۴

-
- ۱- نک: روان شناسی تربیتی، ص ۵۹۴؛ روش ها و فنون تدریس، ص ۳۰؛ آرای دانشمندان مسلمان در تربیت و مبانی آن، ج ۳، ص ۲۷۰؛ ماده Method.
 - ۲- فرهنگ تعلیم و تربیت، ص ۴۹۷.
 - ۳- دایره المعارف علوم اجتماعی، ص ۴۴۶.
 - ۴- همان.
 - ۵- نک: آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، ص ۲۶۶.

روابط گزاره‌ها تشخیص می‌دهند، این نوشته را به شاگردی بپذیرند و نقاط کور این قلم را یادآورد شوند و تصحیح فرمایند.

۳.۲. در فرهنگ اسلام، به رهبر آسمانی و معلم و مربی و پدرِ همسر نیز پدر می‌گویند. (۱) از آنجایی که تعلیم و تربیت کودکان در مراکز آموزشی و تربیتی به مربیان تربیتی سپرده شده است، همت مربیان این کودکان باید بر این باشد که برای آنان، هم مربی باشند و هم نقش پدر و مادری دلسوز را ایفا کنند. براین اساس، مربی می‌تواند خود را مخاطب آیات و روایات معصومان □ و سخنان بزرگان بداند. (۲)

در ادامه، هنگام نقل سخنان و مطالب اولیای الهی و بزرگان دین، تا آنجا که امکان داشته است، از تغییر واژه‌های والدین، مادر، پدر و معلم به مربی، پرهیز کرده‌ام. البته در برخی از بخش‌ها به جهت ارتباط جامعه هدف این تحقیق، یعنی مربیان، با نوشتار حاضر، این عبارت‌ها را در کنار هم آورده‌ام.

۴.۲. شروط و شاخصه‌های متعددی در منابع دین، برای فردی ذکر شده است که می‌خواهد به نام اسلام اظهار نظر کند. با توجه به منطبق نبودن این قلم با حتی برخی از آن شروط، آنچه در این مکتوب ارائه می‌کنم، تنها تلاشی خام برای ایجاد زمینه توجه والدین و مربیان تربیتی به این موضوع است.

۵.۲. در تألیف این کتاب تلاش کرده‌ام از منابع و اطلاعات منتشر شده درباره آموزش و تربیت و نماز استفاده کنم. امیدوارم با نقد و اصلاح شما بتوانم به نظامی مطلوب در تربیت دینی کودکان و به خصوص آموزش نماز نزدیک شوم.

۶.۲. از استاد بزرگوار، حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد ضرابی که امکان این تحقیق را برای حقیر فراهم آوردند، کمال تشکر و قدردانی را می‌کنم.

امیدوارم خداوند ما را از کسانی قرار دهد که مصداق این آیه شریفه هستند:

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ (۳)

سعادت موعود را که عظمت آن را توصیف کرده‌ایم، برای کسانی قرار می‌دهیم که به دنبال ریاست و برتری در زمین و تغییر طرح و برنامه خداوند در زندگی نیستند. البته که این سرانجام، به اهل تقوا اختصاص دارد.

سید کاظم کاظمی یزدی

مشهد مقدس، جوار عالم آل محمد □ علی بن موسی الرضا □

زمستان ۱۳۸۹

ص: ۱۵

۱- محسن قرائتی، پرتوی از نور، گزیده تفسیر نور، ص ۲۴۵.

۲- نک: ص ۱۷، مفهوم شناسی.

۳- قصص، ۸۳.

«تربیت» بدون آموزش و آگاهی بخشی ممکن نیست و اگر ممکن باشد، نمی توان آن را «تربیت» نامید. مهم ترین وظیفه مربی، آموزش و آگاهی بخشی به موقع است و بقیه کار برعهده مربی است: استفاده از این آگاهی. آنچه در این باره مهم به نظر می رسد، در اختیار گذاشتن آگاهی های لازم، به روش مطلوب و به موقع، از سوی مربی است.

محتوای آموزش در بخش های گوناگون تربیت، اعم از تربیت اعتقادی، تربیت اخلاقی، تربیت عبادی، تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی و... متفاوت است. این محتوا بخش مهمی از آموزش را تشکیل می دهد. از آن مهم تر، چگونگی ارائه این محتوا توسط مربی و اصول و روش هایی است که او با استفاده از آن ها، محتوای آموزشی را به مربی آموزش می دهد. نیز چگونگی برخورد مربی با مربی در هنگام آموزش، مهم است. محتوا هرچه خوب و مهم باشد، اگر با اصول و روش های صحیح آموزش داده نشود، ممکن است تلاش های مربی و وقت ارزشمند مربی را بر باد دهد.

از سوی دیگر، از مسائل مهم تربیت اسلامی، کشف اصول، فنون، روش ها، زمینه ها و بسترهای آموزش در سیره معصومان^ع است. آیا آنان اصول و روش ها و زمینه های ویژه ای را در آموزش احکام و معارف دینی به کار می برده اند؟ اگر به کار برده اند، این ها کدام اند؟

معصومان^ع اسوه های کاملی برای بشر هستند. ما انسان ها می توانیم با پیروی از راه و روش آنان، دنیا و آخرت خویش را تأمین کنیم. معصومان(ع) با شناختی که از خدا و انسان و هستی دارند، حقیقت را دریافته اند و بر اساس آن عمل می کنند. گرچه آنان بیشترین هم خویش را صرف تعالی روح و آباد سازی آخرت می کنند، از دیدگاه آنان، زندگی این جهانی نیز بخشی از حقیقت است که باید در راستای آخرت از آن بهره جست. امام صادق(ع) می فرماید:

لیس منّا من ترک دنیا لآخرته و لا آخرته لدنياه؛^(۱)

کسی که دنیایش را به خاطر آخرتش و آخرتش را به خاطر دنیایش ترک کند، از ما نیست.

همه علوم آنان، الهی یا فراگرفته از پیامبر خدا^ص است. این باعث شده است زمینه ها و علت هایی که آنان به عنوان علت های ناقصه و تامه در امر آموزش معارف دین، به آن توجه کرده اند و نیز شیوه های آموزشی آنان و اصول و فنونی که در آموزش به کار برده اند، به گونه ای باشد که بیشترین و بهترین تأثیر را در مخاطب بگذارد؛ چون برخاسته

۱. ساختار دین اسلام

اشاره

معارف اسلام یا همان گزاره های معتبر اسلام، عمدتاً در سه مقوله کلی قرار می گیرند: اعتقادات، اخلاقیات، احکام. (۲)

۱.۱. اعتقادات

اعتقادات گزاره هایی هستند که وضعیت کلی جهان و وضعیت انسان را در جهان مشخص می کنند و هر مسلمانی باید از آن گزاره ها شناخت کافی داشته، به آن ها معتقد باشد: آیا جهان را آفریدگاری هست؟ آفریدگار جهان کیست؟ آیا آفرینش انسان عبث بوده یا آفریدگار انسان از آفرینش او هدفی را تعقیب می کرده است؟ سرانجام انسان چیست؟ انسان درمقابل خدا و دیگران چگونه باید رفتار کند؟ وظیفه ای دارد؟

پاسخ بسیاری از این پرسش ها در اعتقادات اسلامی مطرح می شود. درین اعتقادات اسلامی، پنج اعتقاد از بقیه مهم تر بوده، به «اصول عقاید» معروف هستند: توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد.

۲.۱. اخلاقیات

اخلاقیات اسلامی مجموعه گزاره هایی است که شیوه تعامل مسلمان را با دیگران در زندگی مشخص می کند. صفاتی مانند صداقت، پشتکار، اخلاص، خیرخواهی، محبت و... معیارهایی هستند که هر مسلمانی باید آن ها را در رابطه با دیگران، مراعات کند. اخلاقیات گاه به دسته های کوچک تری تقسیم می شوند، مانند اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی؛ گاه نیز با توجه به حیطة عمل، به اخلاق خانوادگی، اخلاق تحصیلی، اخلاق سیاسی و... تقسیم می شوند.

۳.۱. احکام

احکام بخشی از معارف اسلامی است که در قالب واجب، مستحب، مباح، مکروه، حرام، یا صحیح و باطل بیان می شود. برای نمونه، بر هر مسلمانی واجب است که در شبانه روز پنج نماز بخواند؛ واجب است نماز صبح را دو رکعت بخواند؛ دفاع از کشور اسلامی بر هر مسلمانی واجب است. این گزاره ها بخشی از احکام هستند؛ زیرا در آن ها حکم (=واجب و حرام و...) به کار رفته است.

احکام اسلامی به دو دسته عبادات و معاملات تقسیم می شود. عبادات بخشی از احکام است که انواع عبادات اسلامی و کیفیت آن ها را بیان می کند. عبادات مهم در اسلام عبارت اند از نماز، روزه، خمس، زکات و صدقه (انفاق های مالی)، حج، ذکر خدا، دعا و تلاوت قرآن. معاملات

-
- ۱- سید علی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت(ع)، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، ج ۴، ص ۱۳.
 - ۲- مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ص ۵۴.

بخشی از احکام است که به امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تجاری و احوالات شخصی مردم ناظر است؛ مانند ازدواج، طلاق، خرید و فروش، رهن و اجاره، آبیاری و... با توجه به گستره اسلام، تربیت اسلامی نیز سه بخش خواهد داشت: تربیت اعتقادی، تربیت اخلاقی، تربیت احکامی (تربیت عبادی و تربیت معاملی). در این کتاب، به بخشی از تربیت اسلامی یعنی تربیت عبادی می پردازیم.

۲. تربیت عبادی

اشاره

مراجعه به متون اسلامی نشان می دهد که نهال ایمان، نهال مبارکی است که رشد می کند و به بار می نشیند و مؤمن و جامعه اسلامی از میوه آن بهره مند می شوند. براساس روایات، ثمره ایمان، عمل صالح است:

بِالْإِيمَانِ يَسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ؛ (۱)

ایمان انسان را به کارهای نیکو هدایت می کند.

در روایات متعددی، به این مطلب اشاره کرده اند که ایمان باید با عمل همراه باشد و ایمان بدون عمل معنا ندارد:

لَيْسَ الْإِيمَانُ بِالتَّحَلِّيِّ وَ لَكِنَّ الْإِيمَانَ مَا خَلَصَ فِي الْقَلْبِ وَ صَدَّقْتَهُ الْأَعْمَالُ؛ (۲)

ایمان به ادعا و آرزو نیست، بلکه ایمان چیزی است که کاملاً در قلب جایگزین می شود و اعمال و رفتار، آن را تصدیق می کنند.

بنابراین، ایمانی که در رفتار و گفتار فرد تأثیر نگذارد و موجب صدور عمل صالح از او نشود، یا آن قدر ضعیف است که نمی تواند منشأ اثر شود، یا اصلاً وجود ندارد. به همین سبب، پیامبر (ص) می فرماید:

لَا يَقْبَلُ الْإِيمَانَ بِلَا عَمَلٍ؛ (۳)

ایمان بدون عمل پذیرفته نیست. (۴)

عمل بدون ایمان نیز پذیرفته نیست. امام علی علیه السلام می فرماید:

اگر ایمان تنها کلام بود، (خداوند) روزه و نماز و حلال و حرام مقرر نمی کرد. (۵)

و امام صادق علیه السلام هم در این باره می فرماید:

ملعون کسی است که بگوید: «ایمان تنها گفتار است و عمل در آن نیست.» (۶)

ایمان واقعی چنان که از این روایات برمی آید، خودبه خود در رفتار فرد تأثیر می گذارد و او را به سوی عمل نیکو هدایت می کند. اما این رابطه، یک جانبه نیست: در همان حال که ایمان، عمل صالح را به دنبال دارد،

ص: ۱۸

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۹، حدیث ۱۲۵۱.

۲- همان، ص ۳۰۱، حدیث ۱۲۶۱.

۳- همان، ص ۳۰۶، حدیث ۱۲۹۰.

۴- همان

۵- همان، ص ۳۰۶، حدیث ۱۲۹۲.

۶- همان، حدیث ۱۲۹۳.

عمل صالح نیز مستلزم ایمان و تقویت کننده آن است. امیرمؤمنان(ع) می فرماید:

بِالْإِيمَانِ يَسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَبِالصَّالِحَاتِ يَسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ؛ (۱)

ایمان به اعمال نیکو رهنمون است و اعمال صالح به ایمان.

خداوند نیز در قرآن می فرماید:

وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا؛ (۲)

هرگاه آیات قرآن بر آنان تلاوت می شود، بر ایمانشان می افزاید.

اکنون باید ببینیم مراد از «عمل صالح» چیست. مراجعه به روایات نشان می دهد که مراد از عمل صالح، پیروی از دستورهای خداوند است. در روایتی از امام صادق □ آمده است:

وَمَنْ عَمِلَ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَهُوَ مُؤْمِنٌ؛ (۳)

هر که به دستورهای خدا عمل کند، مؤمن است.

در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(۴) نیز عمل صالح را به انجام دادن واجبات و دوری از محرمات تفسیر کرده اند. پیروی از دستورهای خدا و عمل کردن به واجبات و دست برداشتن از محرمات، چیزی جز عبادت و بندگی خداوند نیست؛ البته عبادت و بندگی در مقام عمل. در تربیت دینی نیز آنچه مطلوب است، همین است که فرد در مقام عمل، چنان رفتار کند که شایسته عبد و بنده خداست.

از آنچه گفتیم معلوم می شود:

۱. ثمره درخت ایمان، عمل صالح است و ایمانی که میوه آن عمل صالح نباشد، ارزشی ندارد؛

۲. رابطه ایمان و عمل صالح، دو جانبه است. عمل صالح ثمره ایمان است؛ ایمان نیز با عمل صالح رشد می کند و قوی می شود؛

۳. عمل صالح، اطاعت از دستورهای خداست و اطاعت از دستور خدا، همان عبادت اوست.

۱.۲. تعریف عبادت

«عبادت» از «عَبَدَ» مشتق شده و به معنای اطاعت خاضعانه است. بنابراین، هر نوع اطاعت و پیروی کردنی عبادت نیست، بلکه تنها اطاعت و پیروی همراه با خضوع و تسلیم، عبادت است. (۵) برای این اساس، هر کاری که به قصد اطاعت و پیروی خاضعانه از دستورهای خداوند انجام شود، عبادت است. اگر کسی به انگیزه کسب رضای الهی و انجام دادن دستور او، به تحصیل علم

بپردازد، کار کند، غذا بخورد، مسافرت کند یا هر کار دیگری انجام دهد، همه آن‌ها عبادت است؛ زیرا اطاعت و پیروی از خداوند محسوب می‌شود.

اما عبادت در معنای دیگری نیز به کار می‌رود. در این معنا، عبادت به هر نوع کاری اطلاق نمی‌شود که به قصد اطاعت و پیروی از خدا انجام

ص: ۱۹

۱- همان، ص ۲۹۹، حدیث ۱۲۵۱.

۲- انفال، ۲.

۳- همان، ص ۳۰۱، حدیث ۱۲۵۸.

۴- امام حسن عسکری علیه السلام، تفسیر، ص ۲۰۲.

۵- المعجم الوسیط، ماده عَبَد؛ زبیدی، تاج العروس، ماده عَبَد.

شود؛ بلکه تنها به کارهایی اطلاق می شود که به خودی خود بیانگر عبودیت و بندگی است. به عبارت دیگر، عبادت به معنای دوم به کارهایی اطلاق می شود که انسان از آن جهت که بنده خداست، آن ها را انجام می دهد. در واقع، این افعال «به منظور اظهار عبودیت و بندگی و نهایت خضوع و تسلیم در برابر خداوند و به قصد تقرب به او انجام می شود.» (۱) بدین ترتیب، عبادت طیف وسیعی از اعمال و رفتار را شامل می شود: از خوردن و آشامیدن گرفته، تا نماز و دعا و ذکر. هر کدام از این اعمال اگر به قصد اطاعت از خدا انجام شوند، عبادت هستند. از این رو، در روایات آمده است:

نوم المؤمن عباده؛ (۲)

خواب مؤمن عبادت است.

عبادت در معنای دوم، با ایمان ارتباط قوی تری دارد؛ تأثیر بیشتری نیز در تقرب انسان به خدا و تقویت ایمان می گذارد و زمینه را برای تحقق عبادت به معنای وسیع کلمه، یعنی انجام دادن همه کارها به قصد تحصیل رضای خدا، فراهم می آورد.

در این کتاب، مراد از «عبادت»، همین معنای دوم است و مراد از «تربیت عبادی»، آموزش عبادات به معنای دوم، به متربیان و متعهد کردن آنان به انجام دادن آن هاست. هدف این است که بنیم در سیره معصومان(ع):

۱. آموزش نماز چه جایگاهی دارد؟

۲. برنامه شناسی: چگونه نماز را آموزش می دادند؟

۳. زمینه سازی: به چه عواملی به عنوان تسهیل کننده و زمینه ساز آموزش نماز توجه می کردند؟

۴. فرهنگ سازی: چه عواملی را سبب تثبیت و درونی سازی فرهنگ نماز می دانستند؟

۵. برنامه شناسی: از چه سنی آموزش نماز را شروع می کردند؟

۶. روش شناسی: روش آنان در آموزش نماز چه بود؟

۷. برنامه شناسی: چگونه دیگران را به ادای نماز، متعهد و پایبند می کردند؟

۳. آموزش نماز در سیره معصومان

اشاره

نماز یکی از ارکان اسلام است که بر آن بسیار تأکید کرده اند؛ تاجایی که آن را ستون دین و رأس اسلام به حساب آورده اند. (۳) از این رو، در سیره معصومان(ع) نیز به آموزش آن توجه فراوان کرده اند. حضرت امام خمینی^{۱۱} در این باره می فرماید: «در اسلام، از نماز، هیچ فریضه ای بالاتر نیست.» (۴)

نماز عبادتی با ابعاد گوناگون است. در نماز، هم ذکر وجود دارد، هم

ص: ۲۰

۱- احمد قدسی، انوار الاصول، تقریرات درس آیت الله مکارم، ج ۱، ص ۲۸۰

۲- هادی نجعی، الف حدیث فی المؤمن، ص ۳۲۹.

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۹۶، حدیث ۱۰۲۴۶.

۴- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

قرائت و هم عمل. از این رو، آموزش آن نیازمند روشی خاص است. معصومان [روشی اصلی و اساسی برای آموزش نماز به کار گرفته اند: روش عملی. آنان به جای توضیح و بیان شفاهی درباره شیوه نماز خواندن، آن را در برابر مخاطبان انجام می دادند و از آنان می خواستند تا به همان شکلی نماز بخوانند که در برابرشان انجام داده اند. از پیامبر [روایت شده است که ایشان در مقام آموزش نماز، می فرمودند:

صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي؛ (۱)

چنان که دیدید من نماز می خوانم، نماز بخوانید.

به نظر می رسد این روش در مقایسه با روش بیان شفاهی، مؤثرتر و کم هزینه تر است؛ زیرا در توضیح شفاهی، ممکن است مخاطب مراد گوینده را به درستی دریابد یا مربی نتواند مراد خود را به درستی بیان کند؛ اما در آموزش عملی، نارسایی به کمترین مقدار می رسد. به علاوه، در این روش، مخاطب دچار خستگی نیز نمی شود.

۳.۲. آموزش والدین به آموزش نماز به فرزندان

از آنجا که معصومان (ع) فرصت آموزش نماز به همه مسلمانان را نداشتند، از ابزارهای دیگری نیز برای آموزش نماز و سایر عبادات استفاده می کردند. یکی از این ابزارها، استفاده از سرپرستان خانواده ها برای آموزش نماز به خانواده ها بود. به این سیره توجه کنید. مالک بن حویرث می گوید:

ما که چند جوان همسال بودیم، نزد پیامبر [رفتیم و بیست شب نزد پیامبر [ماندیم. پیامبر [مهربان و نرم خو بود. هنگامی که فهمید قصد داریم به سوی خانواده مان برگردیم، از خانواده مان پرسید و جواب دادیم. آن گاه فرمود: «به سوی خانواده خود برگردید و در خانواده هایتان نماز را بر پا دارید و به آنان بیاموزید و آنان را به [نماز] امر کنید.» (۲)

۳.۳. سن شروع آموزش نماز به کودکان

در سیره معصومان (ع)، به آموزش نماز به کودکان توجه بسیاری کرده اند. براساس سیره معصومان (ع)، سن شروع آموزش نماز به کودکان، هفت سالگی است. در روایتی آمده است که امام صادق (ع) به یکی از یاران خود فرمودند:

ما فرزندان خود را از پنج سالگی به نماز امر می کنیم. شما فرزندانان را از هفت سالگی به نماز امر کنید. (۳)

۴.۳. سهل گیری در آموزش نماز به کودکان

احکام و آموزه های دینی به لحاظ میزان تأکیدی که بر آن ها شده است، به پنج دسته تقسیم می شود: واجب، حرام، مستحب، مکروه و

١- ابن ابى جمهور احسائى، عوالى اللئالى، ج ١، ص ١٩٨، روايت ٨.

٢- صحيح بخارى، ج ٨، ص ١٣٢.

٣- وسائل الشيعه، ج ٤، ص ١٩، حديث ٥.

مباح. واجبات و محرمات لازم الاتباع هستند و مخالفت با آن‌ها جایز نیست؛ مستحبات و مکروهات بهتر است رعایت شوند، باین حال مخالفت با آن‌ها عقابی به دنبال ندارد؛ مباحات نیز در اختیار خود فرد است و می‌تواند دربارهٔ انجام دادن یا انجام ندادن آن‌ها تصمیم بگیرد.

سیرهٔ تربیتی معصومان(ع) نشان می‌دهد که در محدودهٔ مستحبات و مکروهات و مباحات، باید مدارا کرد. معصومان[□] در آموزش نماز به کودکان، توانایی کودکان را در نظر می‌گرفتند؛ از این رو در آموزش نماز و عادت دادن کودکان به نماز، بر آنان سخت نمی‌گرفتند و رعایت کردن بسیاری از آداب و مستحبات نماز را از آنان نمی‌خواستند. سهل‌گیری آنان در تربیت عبادی کودکان، سهل‌گیری در نمازجماعت و مانند آن، نشان می‌دهد که رعایت مستحبات برای کودکان لازم نیست. ^(۱) این موضوع در روایات متعددی آمده است که ائمه[□] به کودکان دستور می‌دادند نماز ظهر و عصر را باهم و نماز مغرب و عشا را نیز باهم بخوانند؛ ^(۲) در حالی که بزرگ سالان این چهار نماز را در چهار وقت جداگانه می‌خواندند.

ص: ۲۲

-
- ۱- اما در مورد واجبات و محرمات نمی‌توان جواب قطعی و قاعده‌ای کلی به دست داد؛ بلکه باید با توجه به مؤلفه‌هایی که در بالا به آن‌ها اشاره کردیم، تصمیم گرفت (محمد داوودی، تربیت دینی، ص ۲۵۸).
 - ۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۰، حدیث ۲، عن علی بن الحسین[□].

فراهم بودن زمینه اثربخشی، در هر امری ضروری است. حالات و اعمال آدمی در بستر موقعیت ها به وجود می آید و از آن ها اثر می پذیرد. از این رو، موقعیت های مختلف، حامل نیروهای متفاوتی در شکل دهی حالات و اعمال انسان هستند.

انتخاب و تنظیم مناسب زمینه ها و موقعیت ها، به مثابه عامل تسهیل کننده ای است که امکان شکل گیری ها و پیشگیری و شکل دهی های مطلوب را افزایش می دهد. در این روش تربیتی، (۱) به همین امکانات بالقوه نظر داریم. طبق این روش باید از پیش، وضعیتی را که تسهیل کننده حالات و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب هستند، به طور مقتضی دگرگون کنیم.

پس زمینه سازی دو وجه دارد: یکی ناظر به فراهم آوردن موقعیت های اولیه ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را افزایش می دهد و دیگری ناظر به جلوگیری از موقعیت های اولیه ای است که

ص: ۲۳

۱- این روش بر اصل تأثیر وضعیت بر انسان مبتنی است. این اصل بیانگر آن است که برای زدودن پاره ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان، باید به دست کاری در وضعیت محیطی او پرداخت.

احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش می دهد.

نظام تربیتی اسلام، با حساسیت بسیار به هر دو وجه توجه کرده است. روش زمینه سازی با دو وجهی که دارد، از روش های مبنایی و اساسی محسوب می شود. طبق این روش، مربی باید با نگاهی بلند، پیشاپیش، موقعیت هایی را در نظر آورد که متربی در آن قرار خواهد گرفت و آثار موقعیت های مزبور را بر او، ارزیابی کند و براساس این ارزیابی، به طور مقتضی، در موقعیت های اولیه دست ببرد. (۱)

از این رو با توجه به همین حقیقت، باید بگوییم: مهم ترین عامل برای بی توجهی کودکان به آموزش نماز، زمینه سازی نکردن مربیان است. همان گونه که نقاشی بدون رنگ زمینه و کشاورزی بدون شخم زمین، مطلوب نیست، آموزش نماز نیز بدون زمینه سازی، بازده ندارد. بنابراین مربی باید در این باره «زمینه شناس و زمینه ساز» باشد.

برای فراهم ساختن زمینه آموزش نماز، توجه به نکاتی لازم است:

۱.۱. چشاندن محبت خدا به کودک

باید کاری کنیم که کودک، خدا را دوست داشته باشد. (۲) در این صورت، او خواهد توانست به احکام و دستورات خداوند، از جمله نماز، عمل کند. برای رسیدن به این هدف، ضروری است خدا را دوست داشتنی و مهربان و بخشنده و صمیمی تر از پدر و مادر معرفی کنیم.

مهربان تر از مادر، مهربان تر از بابا

مهربان تر از آبی، با تمام ماهی ها

مهربان تر از گل ها، با دو بال پروانه

مهربان تر از باران، با درخت و با دانه

مهربان تر از خورشید، با گل و زمینی تو

تو خدای ما هستی، مهربان ترینی تو (۳)

همچنین ضروری است این تصویر در ذهن کودک مستقر شود که خدا او را دوست دارد و می خواهد او فردی بزرگ، ارزنده، خوشبخت و سعادتمند شود. با کودکان، دست کم تا شش سالگی باید دائماً از مهر و عنایت خدا، از لطف و کرامت او سخن گفت، نه از خشم و غضب و جهنم و عذاب او.

به نام خدای بزرگ که پ-روانه را آف-رید

به روی دو تا بال او، خط و خالِ زیبا کشید

خدایی که با یاد او لبِ غنچه ها باز شد

نوک زرد بلبل از او، پُر از شعر و آواز شد

خدایی که پرواز را به گنجشک آموخته

لباسی هم از جنس پَر، برای تنش دوخته (۴)

برای چشاندن محبت خدا، از هر وسیله حقی می توانیم استفاده کنیم

ص: ۲۴

۱- خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۲- اینکه اسلام همیشه سعی می کند خدا را در دل ها بزرگ کرده و حَبّ او را در جان و روانش مستقر کند [وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ (بقره، ۱۶۵)]. بدین دلیل است که کودک در همه احوال، خدا را در نظر داشته باشد و خدا را شاهد بر اعمال و رفتار خویش بشناسد. در چنین صورتی، قادر به کنترل بیشتر خود خواهد بود.

۳- شعر از: افسانه شعبان نژاد

۴- شعر از: ناصر کشاورز.

و می توانیم داستان‌ها و قصه‌هایی در این باره بسازیم. همچنین باید در نظر داشته باشیم که تصور و سخن والدین و مربیان درباره خدا در کودک مؤثر است. اینکه خدا را فردی خشمگین معرفی کنیم یا رحیم، در برداشت کودک مؤثر خواهد بود.

(۱)

۲.۱. ایجاد علاقه به اولیای الهی

کودک باید به اولیای دین، به رسول خدا(ص) و معصومان(ع) و دیگر پاسداران مذهب علاقه مند باشد، تا امر و نهی آن‌ها و راه و روش آن‌ها در طفل اثر گذارد و شیوه زندگی آنان را سرمشق قرار دهد. برای دستیابی به این هدف، می‌توان از شیوه‌های گوناگونی استفاده کرد که یک نمونه آن، ذکر داستان زندگی و شرح فداکاری و خدمات آن‌هاست. امام رضا(ع) می‌فرماید:

إِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛(۲)

مردم اگر خوبی‌های حرف‌ها و تعالیم ما را بشناسند، از ما پیروی می‌کنند.

امام صادق(ع) به یکی از اصحاب خویش به نام مُدرِک بن هزهاز می‌فرماید:

رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا، فَحَدَّثْتَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ؛(۳)

ای مُدرِک، به یاران ما سلام برسان و بگو: «رحمت خدا بر کسی که مودت مردم را به سوی ما بکشد: به آنان سخنانی از ما بگوید که آن‌ها را می‌شناسند و می‌پذیرند و آنچه را حالت انکار دارند و نمی‌پذیرند، نگوید.»

کودکان و نوجوانان، باید شیرینی کلام اهل بیت(ع) و عمق حکمت‌های آنان را دریابند تا از طریق سخنانشان، شیفته شخصیت ایشان شوند. اصولاً- کودکان به کسانی علاقه‌مندند که اعجاب و تحسین آن‌ها را برمی‌انگیزند و راه و روش قهرمانان را دارند. اگر بتوانیم پیشوایان مذهب را به همان گونه‌ای که بودند، بزرگ و عظیم معرفی کنیم، شرح ایثارگری‌های آنان را به زبان ساده و فهمیدنی برای کودک بیان کنیم، در طفل علاقه‌ای قلبی به آن‌ها پدید می‌آید و دوستدار آن‌ها خواهد شد. همچنین جنبه همانندی در کودک، وادارش می‌سازد که عملاً- از راه و روش ایشان تبعیت کند.(۴) رسول خدا(ص) می‌فرماید:

أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّي وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي وَ الْقُرْآنِ؛(۵)

فرزندانتان را با محبت من و محبت خاندان من و محبت قرآن تربیت و تأدیب کنید.

ص: ۲۵

۱- برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نوع ارتباط کودک با خداوند، تحت تأثیر شیوه ارتباط والدین با کودک است. پیش

از آنکه کودک با مفهوم خدا آشنا شود، والدین، به خصوص پدر، را رب و صاحب اختیار خود می‌داند و به تعبیری، نقش خداوندی برای وی قائل است. به همین دلیل، والدین خود را بی‌عیب و نقص و دارای همه کمالات و فضایل می‌داند و حتی تصور هم نمی‌کند که آنان، عیب و نقصی داشته باشند. در این حدیث شریف نیز تعلیلی آمده است که به این حقیقت اشاره می‌کند: قال رسول الله (ص): «...فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ.» (=آنان، باوری جز این ندارند که شما روزی آن‌ها را می‌دهید.) (محمدی ری شهری، حکمت نامه کودک، ص ۲۴۴، حدیث ۳۷۶؛ به نقل از: اصول کافی، ج ۶، ص ۴۹، حدیث ۳).

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۳.

۳- بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۸.

۴- علی قائمی، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، ص ۶۵ و ۶۴.

۵- احقاق الحق، ج ۱۸، ص ۴۹۸.

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی

عشق محمد بس است و آل محمد (۱)

ایجاد محبت و عشق را باید از مراحل ساده و بسیط و عاطفی شروع کرد و در مراحل بعدی، با بصیرت و شناخت بیشتر، آن را تعمیق کرد؛ تا آنجا که حب، جزء سرشت انسان شود و محبت اهل بیت، جزء دین مسلمان و شیعه درآید. امام صادق (ع) می فرماید:

هَلْ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟ (۲)

آیا دین جز محبت است؟

و امام باقر می فرماید:

الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَ الْحُبُّ هُوَ الدِّينُ؛ (۳)

دین همان محبت است و محبت همان دین است.

روشن است که محبت راستین، به عمل و تبعیت هم می انجامد و فرد را از عُصیان و تخلف دور می سازد. (۴) یکی از راه های ایجاد محبت اهل بیت در افراد و به خصوص کودکان، زمینه سازی برای زیارت قبور آن هاست. زیارت، علاوه بر اینکه تکلیف ما در برابر امامان است، نقش محبت آفرینی هم دارد. (۵) رسول خدا (ص) می فرماید:

الزِّيَارَةُ تُنْبِتُ الْمَوَدَّةَ؛ (۶)

زیارت و دیدار، مودت و دوستی به بار می آورد.

اگر محبت و معرفت باشد، شوق زیارت هم در پی آن است و اگر به زیارت رویم، خود زیارت، محبت آور است: زیارت و محبت در یکدیگر تأثیر متقابل می گذارند. نزدیکی مادی و فیزیکی، قرابت روحی را هم به دنبال می آورد. برعکس، گریز و دوری از چنین مراکز و مکان هایی، روح را هم بیگانه و نا آشنا و گریزان می سازد. گاهی که نگاه به حرم و مزار بیفتد، چشمه محبت می جوشد. پس، از تأثیر «تلاقی نگاه و حرم» نباید غافل شویم. (۷)

۳.۱. ضرورت اصلاح نیت در مربی و مربی

در فرهنگ قرآن و مکتب اهل بیت (ع)، به انگیزه و نیت عمل، بهای اصلی را داده اند؛ تا آنجا که نیت مؤمن برای انجام دادن کار خیر، با ارزش تر از عمل او شمرده شده است:

نَيْتُهُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ. (۸)

از بسیاری از کارهای انجام نشده، به دلیل انگیزه های مثبت ستایش کرده و از بسیاری از کارهای انجام گرفته، به دلیل انگیزه های منفی انتقاد کرده اند.^(۹) والدین و مربیان مؤمن و متعهد برای رسیدن به هدف بزرگ و ارزنده خویش، یعنی تربیت اولاد صالح و شایسته، به توفیق و عنایات خداوند متعال، بسیار نیاز دارند. البته عنایت و کمک خداوند، به میزان خلوص نیت آنان بستگی دارد. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

إِنَّمَا قَدَرَ اللَّهُ عَوْنَ الْعِبَادِ عَلَى قَدْرِ تَيَاتِهِمْ، فَمَنْ صَحَّحَتْ نِيَّتُهُ تَمَّ عَوْنُ اللَّهِ لَهُ وَ مَنْ قَصُرَتْ نِيَّتُهُ، قَصُرَ عَنْهُ الْعَوْنُ بِقَدْرِ الَّذِي قَصُرَ؛ ^(۱۰)

خداوند به اندازه نیت

ص: ۲۶

-
- ۱- کلیات سعدی، تهران: امیرکبیر، ص ۷۱۵.
 - ۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۱۵.
 - ۳- بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۳۸.
 - ۴- به احادیث حب و بغض در راه خدا مراجعه کنید؛ نک: بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۳۶ تا ۲۵۳.
 - ۵- جواد محدثی، عشق برتر، راه های ایجاد محبت اهل بیت در کودکان و نوجوانان، ص ۲۲ و ۲۳.
 - ۶- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۵.
 - ۷- جواد محدثی، عشق برتر، راه های ایجاد محبت اهل بیت در کودکان و نوجوانان، ص ۷۲ و ۷۳.
 - ۸- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۴.
 - ۹- محسن قرائتی، پرتویی از قرآن، گزیده تفسیر نور، ص ۲۷۵.
 - ۱۰- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۱.

مردم، کمک به آنان را مقدر می فرماید: هرکسی که از نیت صحیح و کامل برخوردار باشد، کمک خداوند به او به صورت کامل انجام می گیرد و هرکس در نیتش قصور داشته باشد، به همان مقدار کمک به او کاهش می یابد.

ملا احمد نراقی □ درباره خصوصیات معلم و مربی می گوید:

معلم [و مربی] باید قصدش از آموختن، قرب به خدا و ارشاد و رسیدن به ثواب باشد، نه جاه و ریاست و شهرت. (۱)

پس برای دعوت کودکان و نوجوانان به نماز، در درجه اول باید به نیت خود توجه کنیم:

۱. ببینیم که آیا فرزند خود را برای خاطر خدا به نماز فرا می خوانیم یا برای خاطر چیزهای دیگر؟

۲. آیا در دعوت فرزند خود به نماز، بیشتر نگران آبروی خود هستیم؟

۳. آیا با خود فکر می کنیم که اگر فرزند من نماز نخواند، دیگران درباره من چه خواهند گفت؟

۴. آیا در دعوت مرتبی خود به نماز، خودمان مطرح هستیم و احساس می کنیم اگر فرزند ما، نماز نخواند نشانه بی عرضگی ما یا بی حرمتی به خواست ماست؟

در چنین وضعیتی، نمی توانیم دعوت کننده خوبی برای نماز باشیم. از سویی، عمل ما به سطح متعالی انگیزش ها متعلق نبوده و نمی تواند قربه الی الله باشد. از سوی دیگر، این احساس به مرتبی ما دست می دهد که ما او را برای خاطر خودمان به نماز دعوت می کنیم، نه برای خاطر خدا و خود نماز و خود فرزند. ما به عنوان مربی، باید پیوسته به گونه ای عمل کنیم که او را در سطوح پایین انگیزشی نگه نداریم. باید او را متوجه خدا کنیم و بگوییم نماز را باید به گونه ای به جا بیاورد که خدا آن را بپذیرد.

برای نمونه، اگر می بینیم فرزندمان در وضو گرفتن سهل انگاری می کند، می توانیم به شکل ظاهری او را از خواندن نماز باز داریم و به او بگوییم:

خدا باید نماز تو را بپذیرد و یکی از شروط آن، صحت وضو است. اگر وضو را به درستی به جا نیاوری، خداوند نماز تو را نخواهد پذیرفت.

با چنین عبارتی، مرتبی خود را متوجه هدف اصلی عمل عبادی خواهیم کرد. چنین توصیه هایی اگر با آرامش و خیرخواهی انجام گیرد، به مرتبی القا خواهد کرد که نماز را برای کسی غیر از خدا نمی خواند. (۲)

آیت الله حائری شیرازی (۳) در توصیه به والدین و مربیان تربیتی می فرمایند:

بچه ها را وقتی تربیت می کنی، حرف تو را گوش می کنند؛ اما باید مواظب باشی که این بچه بنده تو نیست. بالاخره باید کاری بکنی که این

- ۱- عیسی صدیق، تاریخ فرهنگ ایران، ص ۳۱۰.
- ۲- علی اصغر احمدی، «تحول انگیزشی انسان و ارتباط آن با نماز»، خانواده و نماز، گروه نویسندگان، ص ۲۲ و ۲۳.
- ۳- حائری شیرازی، مثل ها و پندها، ج ۲، ص ۷۱ و ۷۲.

کار را برای تو انجام ندهد، برای خدا انجام بدهد. بچه را از خودت به خدا منتقل کنی.

اما پدر باید بداند معبود این بچه نیست و اگر بچه فقط به نیت رضایت پدر این کار را بکند، عادت بکند، کوچک بار می آید. باید بنشیند با بچه اش صحبت کند که «پسر، [دخترم]، نماز خواندی؛ برای چه خواندی؟» بعد یادش بدهد که آن کسی که به تو چشم داد، دست داد، پا داد، زبان داد، به ما علاقه دارد. خوشش می آید صدای ما را بشنود و ما را مورد نوازش و لطف قرار بدهد. به ما گفته: «بیایید با من حرف بزنید.»

ماهم در این ساعت معین می آییم با او صحبت می کنیم، روبه او می کنیم. این نیت لله باشد.

شما باید قصد قربت را در بچه ها ایجاد کنید که وقتی دارند کاری می کنند، واقعا رضای خدا در نظرشان باشد.

۴.۱. ارتباط کلامی مناسب و به کار بردن روش گفت و گو

یکی از راه های آموزش نماز، استفاده از سخن و کلام مناسب است. حتماً باید از سخنی نرم و زیبا و بیانی شیوا استفاده کنیم. مقام معظم رهبری (حفظه الله) در این باره می فرمایند:

سخن زیبا نشانه ای از خداوند جمیل است. (۱)

صدای بلند، به ویژه اگر با خشونت همراه شود، سبب بی توجهی کودک به آموزش نماز خواهد شد. (۲) توصیه های دینی و توصیه به نماز را باید به گونه ای به فرزندمان بگوییم که نشان دهیم همیشه در محضر خالق عالم هستیم. به همین جهت، باید از تند گویی، پر خاشگری، عصبانیت و بی ادبی پرهیز کنیم. انسان وقتی در محضر بزرگی است، اگر از چیزی ناراحت شود، سعی می کند ناراحتی خود را بروز ندهد. (۳)

۵.۱. وضعیت ظاهری مناسب

مربی در برقرار کردن ارتباط تربیتی، باید به آراستگی ظاهر پردازد تا از عوامل ظاهری نفرت و گریز نیز تهی باشد. آراستگی لزوماً به معنای اشراف منشی نیست، بلکه با سادگی نیز می توان آراسته بود. پیامبر (ص) در مقام مربی، بر حفظ آراستگی ظاهر، آشکارا اصرار می کرده است. از همان آغاز که فرمان بعثت به او ابلاغ شد، دستور پاکیزگی نیز به وی داده شد:

يا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ وَ رَبِّكَ فَكْبَرٌ وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ؛ (۴)

ای به جامه در پیچیده، برخیز و به انداز مردم همت گمار و خدایت را به بزرگی یاد کن و جامه ات را از هر عیب و آلایش پاکیزه دار.

پیامبر (ص) به نظیف بودن و خوش بویی شهره بود. در روایت است که روزی کسی از یاران آن حضرت، برای دیدار به سوی خانه وی آمد؛ در

- ۱- هنر از دیدگاه سیدعلی خامنه ای، ص ۵۰.
- ۲- حسین دهنوی، نسیم مهر، پرسش و پاسخ تربیت کودک و نوجوان (گفت و گوی رادیویی)، ج ۱، ص ۷۶ و ۷۷.
- ۳- علی اصغر احمدی، «تحول انگیزشی انسان و ارتباط آن با نماز»، خانواده و نماز، گروه نویسندگان، ص ۲۳.
- ۴- مدثر، ا تا ۴.

کوفت و منتظر ماند. حضرت با تأخیر در را گشود و در بیان علت تأخیر، فرمود که به آراستن سر و موی پرداخته است.

در توصیه به مسلمانان نیز همواره با اصرار گفته اند که مستحب است در دیدار با برادران و هم کیشان، بهترین و نظیف ترین لباس ها را به تن کنند و با آراستگی، ظاهر شوند. این توصیه ها عمومی است، اما مربیان را به طور مضاعف خطاب می کند. ظاهر آراسته، لباس مناسب، موی شانه زده، دندان های تمیز، بوی خوش و... که تصویرگر چهره ای دوست داشتنی از مربی برای متربی است، زمینه ساز آموزش نماز است. (۱)

۱.۶. خوش خلقی

خوش رویی و نگاه محبت آمیز، فضای ارتباط را فراهم می سازد و بد اخلاقی و ترش رویی، زمینه آموزش نماز را از بین می برد. امام علی علیه السلام می فرمایند:

البشاشه جباله الموده؛ (۲)

خوش رویی، ریسمان محبت است.

به حسن خلق توان کرد صید اهل نظر

به آب و دانه بگیرند مرغ دانا را

راز محبوبیت، خوش خلقی است و رمز یگانگی، خوش رویی. آنکه در رفتارش با دیگران خوش برخورد است، همچون آهن ربایی است که فلز وجود انسان ها را به سوی خود می کشاند و پراکنده ها را به هم متصل می سازد.

من حسنت خلقه کثر محبوه و انست النفوس به؛ (۳)

آن که خوش خلق باشد، دوستان فراوانی خواهد داشت و دیگران نیز با او انس می گیرند.

به شیرین زبانی و لطف خوشی

توانی که پیلی به مویی کشی

از بررسی زندگی پیامبران، به ویژه پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) نیز چنین استفاده و استنباط می شود که آن بزرگواران، برای رسیدن به هدف های تربیتی خود، از اخلاق اجتماعی و اصول انسانی و حسن خلق بهره می گرفته اند. شیوه رفتار آنان با مردم و به ویژه کودکان، چنان بوده است که در ژرفای جان آنان نفوذ می یافتند و به سرعت، آنان را به سوی هدف های خود جلب و جذب می کردند. قرآن به روشنی می فرماید:

فیما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک؛ (۴)

به سبب رحمت الهی است که با مردم نرمخو شده ای که اگر خشن و سنگ دل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند.

فراموش نکنیم کودکان و نوجوانان در یادگیری و کسب عادات مطلوب از جمله نماز، بیش از آنکه از زبان منطق و استدلال متأثر باشند، وجودشان آکنده از عواطف و احساسات بوده، مستعد پذیرش از طریق مهر و محبت اند.

ص: ۲۹

۱- اصل آراستگی ظاهر، برای خود متربی نیز صادق است. ظاهر آراسته آدمی، صفا و آراستگی باطنی را در پی می آورد.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۶.

۳- آمدی، غرر الحکم، به تحقیق محدث ارموی، ج ۷، ص ۹۴.

۴- آل عمران، ۱۵۸.

۷.۱. صبر و حوصله

برای آموزش نماز و ایجاد رغبت و علاقه در کودکان، حلم و بردباری ضرورت دارد. با توجه به ضعف تمرکز کودکان، گاهی لازم است آموزه ای بارها تکرار شود. این، صبر و حوصلهٔ مربیان را می طلبد.

باغبانی، خدمت گل می کنی

زخم خارش را تحمل می کنی

زخم دست باغبان را کس ندید

خونِ دل خورد و چنین گل پرورید (۱)

آنگاه که حضرت موسی (ع) رسالت خویش را آغاز کرد و برای هدایت (۲) مردم برخواست، نخستین چیزی که از خداوند خواست، حلم و شرح صدر بود:

ربِّ اشرح لی صدري و یسر لی امری؛ (۳)

پروردگارا، بر حوصله ام بیفزا و کارم را آسان کن.

روشن است که به کار بستن بردباری، تا آنجا ارزش است و سفارش شدهٔ اسلام که به کوچک شدن شخصیت مربی نینجامد و هیبت و متانت را از وی نگیرد و باعث جسارت و جرئت متریبی نشود. در این صورت، نه تنها ارزش و فضیلت نخواهد بود، بلکه بار منفی و ضداارزشی خواهد داشت.

خشم بیش از حد گرفتن وحشت آرد و لطف بی وقت هیبت ببرد. (۴) نه چندان درشتی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند. (۵)

به گواهی تاریخ اسلام، بیشترین گروندگان به اسلام، با همین روش به اسلام جذب شده اند. مولوی داستان حلم علی را در برخورد با عمرو بن عبدود در شعری زیبا سروده است:

او به تیغ حلم چندین خلق را

واخرید از تیغ، چندین خلق را

تیغ حلم از تیغ آهن تیزتر

بل ز صد لشکر ظفرانگیزتر (۶)

نوه امام خمینی □، خانم مریم پسندیده، می گوید:

تازه به تکلیف رسیده بودم و به حضرت امام خمینی (ره) در نماز اقتدا کردم. پس از اتمام نماز، مادرم گفت: «دخترم، به شکل صحیحی اقتدا نکردی.» از امام پرسیدم. آن بزرگوار پانزده دقیقه برایم توضیح داد. (۷)

بسیاری از والدین و مربیان می گویند: «از بس بچه ها را به نماز سفارش کردیم، خسته شدیم.» در پاسخ آن ها باید بگوییم: مسائل حیاتی و سرنوشت ساز را باید مستمراً و با زبان های گوناگون و متنوع و شیوه های مختلف مطرح کنیم. چطور ما از توصیه درباره غذا و هوا هیچ گاه خسته نمی شویم و حیات بچه ها را با غذا و هوا مرتبط می دانیم؟ باید باور کنیم که غذای بچه ها و اکسیژن جان آنان و خوشبختی دنیا و آخرتشان، به رابطه آن ها با آفریدگار مهربان بستگی دارد. باید با دلسوزی، به دنبال

ص: ۳۰

۱- شعر از: علی اصغر حکمت.

۲- جهل ذاتی کودک ایجاب می کند که ما نیز به هدایت کودک پردازیم. کودک پذیرای هدایت است، به شرطی که در دنیای ذهنیت او این باور پدید آید که والدین و مربیان به واقع خیرخواه اویند و اگر پند و نصیحتی به او می دهند، صرفاً برای سعادت اوست (علی قائمی امیری، حدود آزادی در تربیت، ص ۱۴۸).

۳- طه، ۲۶.

۴- مولا علی (ع) می فرماید: «إِيَّاكَ وَ كُلَّ عَمَلٍ يَنْفَعُ عَنكَ حُرًّا، أَوْ يَذِلُّ لَكَ قَدْرًا...» (=پرهیز از هر کاری که آزاده ای را از تو براند، یا قدر و منزلت تو را بکاهد...) (میزان الحکمه، ح ۱۴۳۵۹).

۵- کلیات سعدی، ص ۱۷۵.

۶- جلال الدین رومی، مثنوی معنوی

۷- امام در سنگر نماز، ص ۶۰.

راه های جدید و بیان های جذاب و ابتکار در طرح مسئله باشیم. خداوند به پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

و أمر اهلك بالصلاه واصطبر عليها لا نسئلك رزقاً نحن نرزقك والعاقبة للمتقوی؛ (۱)

ای پیامبر، خانواده ات را به نماز سفارش کن و بر انجام دادن آن شکیبا باش. ما از تو روزی نمی خواهیم؛ بلکه ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک با تقواست.

خداوند در آیات قبل، به نماز خواندن شخص پیامبر ﷺ فرمان داده است و این آیه به نماز همسر و فرزندان و اهل خانه فرمان می دهد. از این آیه می آموزیم:

۱. والدین بیش از آنکه نگران وضع مادی خانواده باشند، باید به فکر معنویت و نماز آنان باشند؛

۲. پرورش نسل نمازگزار نیازمند برنامه ای مستمر است؛

۳. خداوند به نماز ما نیازی ندارد. ما به او نیازمندیم؛

۴. والدین و مریبان، بهترین الگوی فرزندان در آداب دینی هستند.

ابوسعید خدری می گوید:

پس از نزول این آیه، پیامبر اکرم (ص) تا نه ماه، وقت نماز که می رسید، در خانه زهرا ﷺ و علی (ع) را می زد و می فرمود:

«نماز، نماز، رحمت خدا بر شما باد.» (۲)

ص: ۳۱

۱- طه، ۱۳۲.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰۱.

آدمی در جهان هستی، تنها موجودی است که به واسطه نفیحت فیه من روحی اشرف مخلوقات گشته است و به وسیله بازتاب عینی همان روح در حیات مادی، یعنی عقل، راه تکامل خویش را باز یافته است. او با پذیرش تعالیم انبیا و مربیان الهی، سیره را از ناسره و حق را از باطل باز می شناسد و رفتاری منطبق با اصول وحی الهی، در زندگی دنیوی خویش انجام می دهد تا خوشبختی دنیا و آخرت را به دست آورد.

در چنین نگرشی، کار اصلی و ویژه فرهنگ، باید ساختن انسان باشد؛ چراکه فرهنگ اگر انسان را ساخت، همه چیز را ساخته است و اگر انسان را خراب کرد، همه چیز را تباه کرده است. به همین دلیل، حضرت امام خمینی (ره) می فرمایند:

فرهنگ کارخانه آدم سازی است؛^(۱) چنانچه انبیا هم برای همین معنا آمده اند... یک انسان ساخته شده ممکن است یک عالم را تربیت بکند. یک انسان غیر سالم و فاسد عالم را به فساد می کشد.^(۲)

ص: ۳۲

۱- حضرت امام □ در جایی دیگر می فرمایند: «نماز کارخانه آدم سازی است.»

۲- مهدی مطهرنیا، «مبانی دفاع فرهنگی»، سیری در اندیشه های دفاعی امام خمینی (ره)، دبیرخانه گردهمایی اندیشه های دفاعی امام خمینی، ج ۲، ص ۱۳۷، به نقل از: صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

به همین دلیل، «انسان» به عنوان موضوع اصلی فرهنگ، بیشترین اهمیت را دارد. هنر مریبانی که می‌خواهند فرهنگ سازی کنند، این است که زیباترین شکل و شیوه آموزش نماز را متناسب با رغبت‌های فراگیران خود جست‌وجو کرده، براساس آن اقدام کنند. در چنین صورتی، نماز نماد باشکوه نیایش و فرهنگ غالب تمامی کودکان و نوجوانان ما خواهد شد و تمامی مردم، داوطلبانه و از سر عشق و علاقه، این فرهنگ را برخواهند گزید.

امروزه بزهکاری و به ویژه بزهکاری نوجوانان، ذهن اندیشه‌وران را در سراسر جهان به خود معطوف کرده است. اگر فرهنگ نمازخواندن را گسترش دهیم، می‌توانیم مانع بروز بزهکاری شویم یا آن را به میزان بسیاری کاهش دهیم. (۱)

برای اینکه کودکان از ابتداء، مؤمن و خداپرست تربیت شوند، لازم است بین جسم و جان آن‌ها نیز از نظر ایمانی، هماهنگی برقرار باشد. به همین جهت، اسلام از طرفی پدران و مادران و مریبان را مکلف کرده است که فرزندان را به خدا متوجه کنند و خداپرستی و تعالیم دینی را به آنان بیاموزند و از طرف دیگر، دستور داده است اطفال را به نماز و عبادات تمرینی وادارند. (۲)

در اینجا به برخی عواملی اشاره می‌کنیم که در فرهنگ سازی نماز در کودکان نقش عمده ای دارد:

۱.۲. تداوم مریبان

مداومت مریبی در اقامه نماز به موقع و باکیفیت، عامل مؤثری در تثبیت فرهنگ نماز در کودک است. اقامه نماز اول وقت با حفظ آراستگی و استعمال بوی خوش توسط مریبی، یادآور خوبی برای کودک است. رسول خدا(ص) می‌فرماید:

...فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ أَدْوَمُهُ...؛ (۳)

...محبوب‌ترین عمل در پیشگاه خدا، مداوم‌ترین آن‌هاست...

بی‌توجهی مریبی به نماز در ایام عید شرعی، مانعی در راه تثبیت آموزه‌هاست؛ زیرا کودک قدرت تجزیه و تحلیل این گونه مسائل را ندارد و ممکن است آن را بر بی‌توجهی و بی‌قیدی مریبی خود حمل کند (۴).

ص: ۳۳

۱- محسن ایمانی، «نقش نماز در آرامش روانی خانواده»، خانواده و نماز، گروه نویسندگان، ص ۴۰؛ نویسنده این مقاله در ادامه این سطور می‌نویسد: «تجارب نگارنده در کانون اصلاح و تربیت تهران نیز حاکی از آن است که در میان بزهکارانی که در کانون حضور می‌یافتند، نوجوانان نمازگزار کمتر بودند.»

۲- نک: ص ۱۳۹، فصل چهارم.

۳- میزان الحکمه، حدیث ۱۴۳۰۹.

۴- برای برطرف شدن این برداشت منفی از سوی کودک، خانم‌ها می‌توانند در ایام عذر شرعی و هنگام وقت نماز، وضویاتیمم کنند و در سجاده نماز رو به قبله بنشینند و مشغول ذکر، دعا و صلوات شوند. ای عمل در رساله مراجع شیعه از جمله مستحبات

برای خانم‌ها محسوب میشود (ن.ک. موسوی خمینی ، سیدروح الله ، توضیح المسائل، محشی امام خمینی ، ج ۱ ، ص ۲۶۹ ،
محقق/سید محمدحسین بنی هاشمی خمینی)

۲.۲. تهیه امکانات

۱. سجاده ای زیبا با طرح و رنگ های آرام بخش؛

۲. تسبیح؛

۳. عطر؛

۴. چادر نمازهای رنگی و مقنعه ای تمیز و زیبا (برای دختران)؛

۵. قبله نما (برای پسران)؛

۶. امکان وضوی راحت با آب گرم در زمستان؛

۷. دست شویی تمیز با نور کافی و بدون وسایل اضافی؛

۸. اختصاص دادن مکان تمیز و خاصی از اتاق های خانه برای اقامه نماز؛

۹. معطر کردن محل برگزاری نماز در خانه.

۳.۲. تمرین

امروزه، تمرین در حرفه، فن، صنعت، هنر، ورزش و... جایگاه بسیار مهمی دارد. نماز هم از این گفته مستثنا نیست. اساساً تعلیم و تربیت با اقدامات قطعی و گسسته از هم، محقق نمی شود. خداوند آدمی را طوری آفریده است که باید اقدامات تربیتی را به طور مرتب و مستمر بر او اعمال کرد تا در او نهادینه شود. علت تکرار دستورات دینی در طول روزها و ماه ها نیز در این ویژگی آدمی ریشه دارد. برای تربیت دینی و تقویت روحیه نمازخوانی در فرزند نیز باید برنامه داشته باشیم و این برنامه را به طور مداوم اجرا کنیم. امام باقر(ع) می فرمایند:

ما مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَمَلٍ يُدَاوَمُ عَلَيْهِ وَإِنْ قَلَّ؛ (۱)

هیچ چیز نزد خداوند عزوجل، محبوب تر از عملی نیست که بر آن مداومت شود؛ هرچند اندک باشد.

البته معنای مداومت این نیست که با تکرار ملال آور خواسته های خود، روح متربی را آزرده کرده و شیرینی عبادت و نماز را در کام او تلخ کنیم. بسیاری از جنبه های مداومت می تواند نامرئی و غیر مستقیم باشد. برای نمونه، تشویق کودکان خردسال زیر هفت سال برای اقامه نماز در کنار مریبان و سایر فرزندان، گرچه به شکل تقلید، یکی از راه های تمرین اقامه نماز است.

۴.۲. پاسخ دادن به کنجکاوای های کودک

باید از کنجکاوی های کودک که ویژگی طبیعی اوست، برای ایجاد رفتارهای مناسب و مطلوب، بهترین استفاده ها را ببریم. وقتی فرزندان درباره مسائل اعتقادی و نماز می پرسند، فرصت مناسبی است تا بتوانیم با پاسخ های درست یا طرح سؤالات مؤثر و مناسب، در او اثر تربیتی بگذاریم. برای نمونه، وقتی سؤال می کند:

این ماهی چگونه در آب زندگی می کند و نمی میرد؟ این آسمان و ستاره های زیبا را چه کسی آفریده است؟ ...

می توانیم او را به سازنده و خالق رهنمون شویم. باید به او بیاموزیم که چگونه می توان در برابر همه این داده ها و نعمت ها تشکر و قدردانی کرد. باید به نماز به عنوان یکی از شیوه های تشکر کردن اشاره کنیم.

ص: ۳۴

۱- میزان الحکمه، حدیث ۱۴۲۹۶.

۵.۲. حضور در نمازهای جمعه و جماعت

برگزاری نمازجماعت، شرکت در نمازهای جماعت مسجد محله و نیز نمازهای جمعه به همراه کودک، تربیت گروه های سرود مذهبی با موضوع نماز و مشارکت دادن کودک در آن، از مسائل دلخواه کودک است. به طور کلی، دکلمه و نمایش ها و عبادت های جمعی و آوازهای مذهبی به صورت گروهی، اگرچه برای خوشایند دیگران صورت گیرد، علاوه بر اینکه در اقلع عاطفه مذهبی کودکان بسیار مؤثر است، موجب تثبیت فرهنگ نماز در آنان می شود.

۶.۲. طولانی نکردن نمازهای جماعت یا مراسم مذهبی

اشاره

والدین و مربیان باید مراقب باشند وضعیتی به وجود نیارند که کودکان و نوجوانان در نمازهای جماعت یا مراسم دینی و فعالیت های مذهبی، احساس خستگی کنند و زده شوند. باید سعی کنیم زمان دعاها و برنامه های بین دو نماز یا بعد از نمازها را کاهش دهیم. همچنین در نمازهای جماعت، بهتر است امام جماعت نماز را طولانی نکند. نمازجماعت باید کامل و کوتاه باشد. انس بن مالک روایت کرده است نماز پیامبر اسلام ﷺ از همه کوتاه تر و کامل تر بود. (۱) ابومسعود انصاری می گوید:

شخصی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و عرض کرد: «فلاّن امام جماعت، از بس نماز صبح را طول می دهد، نمی توانم در جماعت شرکت کنم.» آن حضرت درحالی که بسیار ناراحت به نظر می رسید، خطاب به اصحاب فرمود: «برخی از شما، مردم را از دین فرار می دهید. هرکس امام جماعت می شود، باید نماز را کوتاه کند؛ زیرا در میان نمازگزاران، ناتوان و بیمار و گرفتار وجود دارد.» (۲)

امام علی (ع) ضمن بخش نامه ای به فرمانداران شهرها درباره نماز، طولانی نماز گزاردن امام جماعت را راهزنی و فتنه انگیزی می نامند! و از آن ها می خواهند:

صَلُّوا بِهِمْ صَلَاةَ أضعفهم و لا تکنوا فتّانین؛ (۳)

نمازتان با مردم همچون نماز ناتوان ترین آنان باشد و در طول دادن نماز، عاملی به فتنه افتادن مردم نباشید.

ایشان در عهدنامه مبسوط خود برای مالک اشتر، درباره چگونگی امام جماعت و نماز گزاردن با مردم، چنین می فرماید:

در امامت جماعت با مردم چنان نماز گزار که نه با طولانی کردن نماز، آن ها را پرمانی و نه با کاستن از آن، نماز را ضایع کنی؛ زیرا در میان نماز گزاران، کسانی یافت می شوند که بیمارند یا کار دارند. هنگامی که رسول خدا (ص) خواست مرا روانه یمن کند، از او پرسیدم که چگونه با آنان نماز گزارم؟ فرمود: «مانند ناتوان ترین شان با آنان

- ۱- سنن ابی داود، ج ۱، بیروت: داراحیاء السنه النبویه، ص ۲۸۹، حدیث ۱۱۰۶؛ السنن الکبری، ج ۳، بیروت: دارالمعرفه، ص ۲۰۸.
- ۲- صحیح بخاری، ج ۱، بیروت: عالم الکتب، ص ۵۶، حدیث ۳۲؛ در روایت دیگری به جای «ضعیف»، «پیرمرد» آمده است (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، مدینه: المکتبه السلفیه، ص ۱۸۲).
- ۳- نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، نامه ۵۲.

براساس این روایات، آن کس که امام جماعت کودکان می شود یا در بین مأمومان، کودکی یا نوجوانی به او اقتدا کرده است، به طریق اولی باید مراعات آنان را بکند و از طولانی کردن نماز جماعت بپرهیزد.

۱.۶.۲. درک کودکان و نوجوانان از مفهوم مسجد و نماز جماعت

اشاره

خردسالان و کودکان در سال های نخست دوره ابتدایی تا حدود ده سالگی، در مقایسه با کودکان سنین بالاتر، از چنین مکان هایی کمتر لذت می برند. یکی از علل بی علافگی خردسالان این است که آنان از خستگی های بدنی ناشی از نشستن یا ایستادن های طولانی رنج می برند. این بی علافگی در هشت سالگی به اوج خود می رسد و بسیاری از آنان از گوش دادن به سخنرانی ها و دعاها و مراسم عبادی طولانی، اظهار ملال و ناراحتی می کنند.

اگر می خواهیم این خردسالان به فعالیت ها و مراسم مذهبی به ویژه در مساجد علاقه مند باقی بمانند، باید از مجبور کردن آنان برای شرکت در این گونه مراسم طولانی دوری کنیم. در مدارس و در مراسمی که مختص به آنان برگزار می شود نیز باید اختصار در برنامه ها را رعایت کنیم.

کودکان مکان هایی مانند مساجد و حسینیه ها را ساختمان هایی مقدس با ویژگی های فیزیکی خاص خود می بینند و برخی جنبه های مهم آن ها را درک نمی کنند. اگرچه کودکان مسجد را خانه خدا خطاب می کنند، این خطاب، یا فقط جنبه لفظی دارد و درک صحیحی از این واژه وجود ندارد، یا آن را محل زندگی خدا می دانند. کودکان مایل هستند علت شرکت بزرگ سالان را در چنین محیط هایی بدانند: آیا این امر، عادت و مایه لذت بردن از اوقات است یا انجام وظیفه؟ در مجموع، کودکان در این سنین، اهمیت های دینی این مکان های مقدس را درک نمی کنند.

این ویژگی ها تا حدود ده سالگی ادامه می یابد. از این به بعد، کودکان مقاصد معنوی مکان های مقدس عبادی را به دنبال فهم بیشتر مسئله عبادت، از نمای فیزیکی آن تا حدودی تمیز می دهند. مسئله عبادت و وظیفه است که باعث رفتن بزرگ سالان به این مکان های مقدس می شود. کودکان معتقدند این کار باید ادامه یابد؛ زیرا آموختن معارفی از دین، در زندگی به بزرگ سالان کمک خواهد کرد. در این دوره، کودکان احساس می کنند رفتن آنان به این مکان ها عاملی خواهد شد که شخصیت اخلاقی و معنوی بهتری پیدا کنند؛ پس جنبه های اخلاقی این مسئله در نظر آنان اهمیت بیشتری می یابد.

دانش آموزان در این محدوده سنی که تا سیزده سالگی ادامه می یابد، از رفتن به مساجد برای عبادت لذت می برند. از حدود نه سالگی به بعد، لذت های عقلانی از داستان ها و مراسم دینی فزونی می یابد. همچنین آنان متوجه لذت اجتماعی می شوند که از دیدار دوستانشان و نیز روابط دوستانه با برخی بزرگ ترها در چنین محیط هایی حاصل می شود. آنان در این سنین، شروع می کنند به انتقاد از مراسم مذهبی و عبادی طولانی و خسته کننده و نامناسب.

از حدود سیزده سالگی به بعد، این مفهوم پیشرفت بسیاری می کند. از نظر آنان، عامل اعتقاد و ایمان، بزرگ سالان را به این مراکز می کشاند. آنان به این محیط ها بیشتر به عنوان محل اجتماع مؤمنان و معتقدان به دین نظر می کنند تا ساختمان یا مؤسسه. به اعتقاد این گروه سنی، مشارکت در مراسم عبادی محیط های مقدس، همچون مساجد، باعث تقویت ایمان و نزدیک تر شدن آنان به حالت معنوی و ارزش های اخلاقی می شود.

آنچه در توضیح این سه دوره درباره مفهوم مکان های خاص مراسم عبادی مطرح کردم، با ویژگی های کودکان و نوجوانان مطابقت دارد. (۱)

در اینجا، به دو نمونه از مطالبی اشاره می کنم که با استفاده از آن ها، می توان به طور مقدماتی، آموزش های ساده ای را به کودکان کم سن و سال تر درباره مسجد و وظایف روحانیان داد. شایان توجه است که تمرین های پس از درس، این مطالب را تکمیل می کند. (۲)

نمونه اول

غروب است.

بسیاری از مردم همراه یکدیگر می آیند.

احمد آقا نجار است. او با همسر و فرزندانش می آید.

معصومه خانم می آید. او خدمتگزار مدرسه است.

خانم احمدی می آید. او معلم آن مدرسه است.

آقای قاسمی می آید. او ثروتمند است و فروشگاه بزرگ دارد.

آقای دکتر صادقی می آید. او پزشک بیمارستان است.

آقای صفر هم می آید. او کارگر شهرداری است.

حمید و امیر هم می آیند. آن ها دوستان من هستند.

همه باهم می آیند و بسیاری از مردم دیگر.

آن ها در خانه بزرگی جمع می شوند؛ این خانه مسجد نام دارد.

اما چرا دور هم جمع می شوند؛ چه پیر و چه جوان و چه کودک، با هر شغلی که دارند؛ مانند برادر و خواهر؟

چه کسی آن‌ها را گرد هم می‌آورد؟

چه کسی است که همه آن‌ها را هدایت می‌کند؟

نمونه دوم

آن‌طور نیست که تنها در محله ما، مسجد وجود داشته باشد.

در همه جای دنیا، در روستاهای کوچک و در شهرهای بزرگ، بر روی کوه‌ها و در کنار دریاها، در هر کجا که مسلمانان هستند، مسجد هم هست.

شکل مسجدها باهم تفاوت دارد، هم داخل و هم بیرون آن.

بعضی مسجدها بزرگ و زیبا و بعضی کوچک و ساده، بعضی قدیمی و بعضی جدید هستند.

به مسجد که وارد می‌شویم، یک حوض یا چند شیر آب می‌بینیم.

ص: ۳۷

۱- ناصر باهنر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۲- این نمونه‌ها با توجه به درس‌های کتاب درسی دینی دوم ابتدایی کشور آلمان تهیه شده است. این کتاب‌ها در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ترجمه شده است.

اول با دقت و تمیز وضو می گیریم؛ سپس کفش هایمان را در می آوریم و با نام خدا، داخل مسجد می شویم. مواظب هستیم تا مسجد آلوده نشود.

اینجا خانه خداست؛ چون در آن به یاد خدا نماز می خوانیم و دعا می کنیم.

گوشه ای از مسجد، جامه‌ری است. از آنجا مَهْر بر می داریم.

همه مردمی که مسلمان هستند، در صف های مرتب و منظم نشسته اند. کنار آن ها می نشینیم.

مثل اینکه همه منتظر کسی هستند؟ او کیست؟

بله او آمد. لباس بلند و مخصوصی پوشیده است. او روحانی محل است.

جلوی همه در جای مخصوصی، خیلی مؤدب می نشیند. اسم آن جای مخصوص، محراب است. سپس برمی خیزد و به دنبال او، همه برمی خیزند.

نماز را شروع می کند و همه نیز با او نماز می خوانند.

راستی، روحانیان چه کسانی هستند؟ چگونه روحانی می شوند؟

آن ها چه می کنند؟

آن ها چه وظایفی دارند؟

چند نمونه تمرین

نام مسجد محل شما چیست؟ کجا قرار دارد؟

مساجد مسلمانان مختلف است. تصاویری از مساجد مختلف جمع کرده، مقایسه کنید و به همدیگر نشان دهید.

به طور دسته جمعی، از مسجد نزدیک مدرسه یا خانه تان دیدن کنید. همه چیز را به دقت ببینید و پرسید که چه نام دارند و برای چه هستند؟

حالا مسجد محله خودتان را نقاشی کنید.

چه چیزهایی در همه مسجدها وجود دارد؟

روحانی مسجد شما چه نام دارد؟

یکی از روحانیان را دعوت کنید تا دربارهٔ خودش برای شما توضیحاتی بدهد.

از او بخواهید که بگوید وظایف شما در داخل مسجد چیست؟

آیا می‌دانید جایی که روحانیان درس می‌خوانند و روحانی می‌شوند، چه نام دارد؟

آیا می‌دانید به روحانی که در مسجد، جلوی همه نماز می‌خواند، چه می‌گویند؟

۷.۲. ارتباط خانه و مدرسه

ارتباط خانه و مدرسه (۱) یکی از لوازمی در تربیت دینی است که

ص: ۳۸

۱- مدرسه در سازندگی و ویرانی بنای خانواده نقش اساسی و مؤثر دارد و دروس، گفتار، رفتار و حتی افکار و اندیشه‌های معلمان و مدیران، در کودکان اثری فوق العاده می‌گذارد. علت این است که کودکان، معلمان را دارای مقامی بزرگ و فوق العاده می‌دانند و فرمانشان را مطاع به حساب می‌آورند. براساس تجارب، کودکان، معلم را از پدر و مادر تحصیل کردهٔ خود نیز برتر می‌دانند. از پ-در، گ-ر-ق-الب-ت-ن-ی-اف-ت-ی-م-از-م-عل-م، ج-ان-روش-ن-ی-اف-ت-یم-یک-پدر، بخشندهٔ آب و گِل استیک پدر، روشنگر جان و دل است لیک اگر پرسی ک-دامین ب-رت-رینآن که دی-ن-آم-وزد و عل-م و یق-ین (شهریار)

نمی توان از آن چشم پوشی کرد. تربیت به طور ذاتی به یکپارچگی همه نهادهای تربیتی و به خصوص دو نهاد خانه و مدرسه محتاج است. به همین دلیل، آموزش و پرورش باید برنامه های آموزش نماز در خانواده را حمایت کند. از سوی دیگر، چگونه ممکن است کودک در مدرسه از راه های مختلف، پیام های مربوط به نماز را دریافت کند، ولی در خانواده چنین فضایی فراهم نباشد و او نمازخوان پرورش یابد؟

والدین و مربیان می توانند از طریق مدرسه، در جریان کامل محتوای آموزشی کتاب های درسی نماز قرار گیرند و در منزل نیز در راستای آن محتواها، به تقویت رفتار فرزندان خود بپردازند. در محیط خانه و مدرسه، عوامل تأثیرگذار در القای ارزشی معنوی و رساندن پیام و بیان روح نماز، اگر عملاً یکدیگر را نفی کنند یا در برنامه ها و اظهار مطالب، هر کدام راه و هدفی متفاوت و مغایر با یکدیگر ببینند، در ذهن کودک و نوجوان تناقض به وجود می آورند و پیام منجر به ایجاد انگیزه، شوق، اراده و عمل نمی شود.

در مدرسه، هنگامی که کودک و نوجوان، هنگام شنیدن اذان، مشاهده کنند معلمان و مربیان بدون هیچ تکلفی، مشتاقانه به سوی نماز می شتابند، بر اثر احساس همانندسازی، به شوق و رغبت درمی آیند و به اقامه نماز، گرایش فزون تری پیدا می کنند. بهتر است در مدرسه قبل از شروع نماز یا حتی قبل از رفتن به نماز هفتگی جمعه، برنامه هایی تدارک شود که زمینه احساس خوشایند برای دانش آموزان باشد، تا عزم و اراده و رغبت و انگیزه لازم برای انجام دادن این فریضه با آرامش خاطر، در آنان پدید آید. (۱)

۸.۲. ارتباط با خانواده های مذهبی

چنانچه دوستان خانوادگی خود را از بین خانواده های متدین و خوب انتخاب کنیم، می توانیم با هدایت و راهنمایی، سبب تأثیرپذیری کودکان از آنان و فرزندان همسالشان شویم. مولا علی ع خطاب به مالک اشتر نخعی می فرماید:

ای مالک، با خانواده های خوب و شریف و با سابقه های درخشان و نیز جنگ آوران و بخشندگان ارتباط داشته باش. (۲)

۹.۲. هم نشینی با دوستان نماز خوان

نقش دوستان را در شکل دهی شخصیت انسان ها به ویژه در سنین کودکی و نوجوانی نباید نادیده بگیریم. دوستان شایسته و خوب در سوق دادن انسان به سوی سعادت و کمال مؤثرند. بنابراین سعی کنیم فرزندانمان با دوستانی رفاقت کند که به نماز گرایش دارند. مولوی می گوید:

می رود از سینه ها در سینه ها

از ره پنهان، صلاح و کینه ها

صحبت صالح تو را صالح کند

-
- ۱- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دوفصلنامه تربیت اسلامی، به نقل از: سیدحمیدرضا علوی، «عوامل مرتبط با اقامه نماز در دانش آموزان دبیرستان ها و دانشجویان دانشگاه های شهر کرمان»، ص ۱۴۳.
 - ۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
 - ۳- مثنوی معنوی

تأثیر دوستان و اطرافیان در ذهن و روان یعنی در بینش و گرایش انسان ها، به استدلال و استناد به دلیل و برهان، نیازی ندارد. تأثیر و تأثر انسان ها، پدیده ای بدیهی است و همه اندیشمندان و هنرمندان و شعرا در این مسئله متفق اند. از این رو، بر گزینش دوست و همراه تأکیدهای فراوان می کنند؛ چراکه اثرگذاری مزبور بسیار ناپیدا و مرموز است.

از قرین بی قول و گفت و گوی او

خو بدزد دل، نهان از خوی او

چون که او افکند بر تو سایه را

دُزد آن بی مایه از تو مایه را (۱)

۱۰۲. معرفی کردن نماز به عنوان دارویی آرام بخش و درمانی مؤثر

انسان در هنگام احساس ناراحتی در جسم یا روح، به فکر درمان و تسکین درد می افتد و به پزشک متخصص رجوع می کند و از او یاری می طلبد. ما انسان ها در زندگی با مشکلاتی مواجه می شویم که بیشتر از قدرت تحمل ما هستند. طرح قرآن برای غلبه بر مشکلات و تحمل آن ها، یاری جستن از توانایی های درونی و خدادادی، یعنی صبر و عزم، و استمداد از اقیانوس بیکران و قدرتمند الهی یعنی نماز است. امام صادق (ع) می فرماید:

هرگاه با غمی از غم های دنیا روبه رو می شوید، وضو بگیرید و به مسجد بروید و نماز بخوانید و دعا کنید؛ زیرا خداوند می فرماید:

استعینوا بالصبر و الصّلاه؛ (۲)

و از خداوند با صبر و نماز کمک بگیرید (و یاری بجوید). (۳)

پرواضح است کودکی که با نماز و عبادات انس نگرفته و کام روحش با شیرینی نماز برداشته نشده است و به این منبع یاری رسان در زندگی متصل نشده، هرگز نخواهد توانست مسیر پُرفرازونشیب زندگی را به سلامت طی کند و شمیم خوش سعادت را استشمام کند. وظیفه ما به عنوان والدین و مربیان تربیتی است که زمینه های این احساس و تجربه دینی خوشایند را در دوران کودکی فرزندانمان، برای آنان آماده کنیم: قدرت صبر بر ناملايمات و ناکامی ها و حل مشکلات با نماز و نیز بهره مندی از توفیقات و کسب موفقیت ها با نماز.

برای این منظور:

۱. برای آنان از سیره پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ و بزرگان علم و دین بگوئید که هر وقت برایشان مشکلی روحی یا اجتماعی یا اقتصادی و حتی علمی پیش می آمد، وضو گرفته و از نماز کمک می گرفتند. در حدیث آمده است که وقتی مشکلی برای اعضای خانواده پیامبر ﷺ پیش می آمد، حضرت می فرمود:

برخیزید، نماز بخوانید. این دستور خدای من است(۴).

همچنین نقل کردن داستان زندگی بزرگان، بسیار مفید است:

ص: ۴۰

۱- مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بیت ۲۶۳۶ و ۲۶۳۷.

۲- بقره، ۴۵.

۳- طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰۰؛ جامع آیات و احادیث نماز، ج ۱، ص ۱۰۱ و ۱۰۳ و ۱۰۶.

۴- علی مشکینی اردبیلی، قصار الجمل فی العقائد و الاخلاق و العمل، ج ۱، ص ۳۸۶.

ابوعلی سینا بعد از پنج سالگی، به دلیل نبوغ فراوانش، به خواندن علم ادب، صرف، نحو و لغت و... مشغول شد و هم زمان به حفظ قرآن کریم روی آورد. او قبل از ده سالگی به این کار توفیق یافت و حافظ کل قرآن شد. سپس نزد اساتید دیگری به تحصیل ریاضیات پرداخت و حساب، جبر، هندسه و... را فرا گرفت و در نزد استادی دیگر، به تحصیل فقه پرداخت و آن را نیکو فرا گرفت. او نزد استاد ابوعلی ناتلی، شروع به خواندن فلسفه کرد و بعد از مدتی، همانند استادش و بالاتر از او شد، چنان که هنگام درس، از استاد اشکال می گرفت و استاد از جواب باز می ماند و او خود جواب را تشریح می کرد.

اساتید او را از شرکت در کلاس درس بی نیاز دانستند و گفتند: «خودت مطالعه کن.» ابوعلی سینا می گوید: «همین طور پیش می رفتم و هرگاه در مسئله ای حیران بودم یا نمی توانستم قضیه را بفهمم، به مسجد پناه می بردم و نماز می گزاردم و خالق کل هستی را ستایش می کردم و معمای من، حل شده، مشکل برطرف می شد.» (۱)

بوعلی سینا ماه ها و سال ها به دنبال کتابی می گشت و آن را پیدا نمی کرد. در این باره مسافرت ها کرد و به جست و جوی وسیعی دست زد؛ اما هرچه گشت، کمتر یافت. روزی بالاخره روانه مسجد شد و دو رکعت نماز خواند. پس از نماز، دست به درگاه بی نیاز بلند کرد و از خدا خواست تا این کتاب را به او برساند. از مسجد بیرون آمد و به سوی منزل حرکت کرد. در راه چشمش به پیرزنی افتاد که مقداری اشیای کهنه و قدیمی در روی زمین پهن کرده بود تا بفروشد. از جمله چند کتاب قدیمی در کنار بساط دیده می شد.

بوعلی آن کتاب ها را ورنه از کرد و ناگهان دید آن کتابی که ماه ها و سال ها به دنبالش می گشته است، در میان آن کتاب های کهنه است. آن را برداشت و از پیرزن پرسید: «آن را به چند می فروشی؟» پیرزن گفت: «این که قابلی ندارد. چند درهم بده.» بوعلی پول کتاب را داد و پرسید: «این اشیا را از کجا آورده ای؟» پیرزن گفت: «این کتاب ها از جدّ ما که ملا بود، در خانه مانده است و آورده ام که بفروشم.» به این ترتیب با توجه به خدا و کمک گرفتن از نماز، بوعلی سینا به راحتی به مرادش رسید. (۲)

۲. در این زمینه خودمان برای آن ها الگو باشیم و برای رفع برخی از مشکلات و کسب توفیقات اجتماعی و اقتصادی یا حتی معنوی، از نماز کمک بگیریم.

۳. خاطره ها و تجربه های خود را در این باره برای آنان بازگو کنیم.

۴. در فیلم ها و سریال هایی که اخیراً از صداوسیما پخش می شود، به نقش نماز در حل بحران های زندگی شخصیت های اصلی داستان توجه ویژه ای می کنند. (۳) در این گونه مواقع، باید فرصت را غنیمت بشمریم و از شیوه تداعی معانی (۴) استفاده کنیم و با طرح پرسش هایی (۵) در این زمینه،

ص: ۴۱

۲- داستان های صاحب دلان، ج ۲، ش ۱۰۹.

۳- صحنه هایی که شخصیت داستان برای رفع مشکل خود و خانواده اش، یا شفای مادر یا همسر و فرزند مریض و درخطرش، به خواندن نماز و راز و نیاز با خداوند اقدام می کند.

۴- نک: ص ۸۱، فصل سوم

۵- روش سقراطی. در این روش، شاگرد به وسیله پرسش و پاسخ و مجادله، حقایق را کشف می کند. در این روش، نقش معلم عمدتاً پرسیدن و نقش شاگرد، سازمان دهی و به کارگیری دانش و تجربه گذشته خود برای پاسخ به پرسش هاست. روش سقراط نه تنها روش جدلی (دیالکتیک)، بلکه استقرایی یعنی از کل به جزء نیز هست. بعضی معتقدند روش سقراط، روش تدریس نیست؛ بلکه روش اکتشاف است.

ذهن کودک را به اثر و نقش نماز در حل مشکلات معطوف کنیم.

البته در همه فیلم ها و سریال های ایرانی که با رویکرد اجتماعی و خانوادگی تولید می شود و متناسب سن کودک نیز هست، از استفاده درست از شخصیت های منفی داستان در این جهت نیز غفلت نورزید و تبعات محرومیت و بی توجهی آنان از این منبع یاری رسان، یعنی نماز، را در قالب جملاتی کوتاه در حین تماشای فیلم به او یادآوری کنید.

۵. هنگام مواجهه کودک با مشکل و مسائل خاص خود در دوران کودکی، در کنار آموزش سایر روش های مهارت حل مسئله، مانند فکر کردن و مشورت خواستن از بزرگ سالان و...، او را به کمک گرفتن از خداوند با نماز توصیه کنید. داستان زیر که تجربه یکی از مدیران مدارس راهنمایی است، به همین موضوع اشاره می کند:

سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۷ بود. آن سال من مدیر آموزشگاه راهنمایی حاجیه مریم اکبری روستای اسحاق آباد بخش زبرخان (نیشابور) بودم.

در کلاس اول راهنمایی، دانش آموزی داشتیم که فرزند شهید بود. با توجه به اینکه من بومی روستا بودم، کاملاً از وضعیت خانوادگی او خبر داشتم. پدر دخترک هنگامی که او دوران شیرخوارگی را می گذراند، به شهادت رسیده بود. بعد از مدتی، مادرش در یکی از روستاهای اطراف ازدواج می کند و دخترک را به پدر بزرگ و مادر بزرگ داغ دیده اش می سپارد. متأسفانه مدتی بعد، مادر به خاطر ازدواج ناموفق و اختلاف با همسر دوم خویش، خودکشی می کند. چند سال بعد عمه دخترک که معلول بود، فوت می کند و مدتی بعد هم مادر بزرگش را از دست می دهد. او می ماند و پدر بزرگ رنج دیده اش.

با اینکه ده یازده سال بیشتر نداشت، اما می شد در چشمان معصومش، دریای پرتلاطم غم و اندوه را مشاهده کرد. کودکی بود با کوله باری از رنج و غصه که زمانه تاکنون به او روی خوش نشان نداده بود. آخر او هم حق داشت. یک نوجوان با این همه مشکل چطور می تواند کنار بیاید؟! از اول سال که وارد مدرسه راهنمایی شد، به شدت دچار افسردگی بود و بسیار گوشه گیر و کم حرف. یادم نمی آید در آن مدت، لبخندی بر لب او دیده باشم.

با هیچ کس رابطه دوستی برقرار نمی کرد. همیشه با دخترعمویش، که هم کلاسی هم بودند، همراه بود. معلمان نیز از وضعیت درسی او راضی نبودند. وقتی با پدر بزرگش صحبت کردم، گفت: «در منزل هم همین گونه است. یکجا می نشیند و صحبتی نمی کند. فقط هنگامی که به منزل عمویش می رود، با دخترعموهایش بازی می کند. حق دارد. من که پدر بزرگ او هستم، طاقت این همه داغ را ندارم؛ او که بچه

است. نه مهر مادر را حس کرده و نه گرمای دست پدر را. حالا هم شما هر کاری صلاح بدانید، در خدمتیم.»

از ایشان خواستم سرگرمی های بیشتری برایش فراهم کنند؛ اجازه بدهند بیشتر به منزل عمویش برود و با دخترعموهایش ارتباط داشته باشد. از معلم راهنمایی محترم شاهد هم کمک خواستم. ایشان هم گفتند: «مسئله درسی فعلاً مهم نیست. سعی کنید اول از حالت گوشه گیری و انزوا در بیاید.» ایشان هم با دخترک صحبت کردند و گفتند: «اگر در مدرسه بیشتر فعالیت کنی و درس هایت بهتر بشود، جایزه داری.»

همان روز، جلسه شورای دبیران را تشکیل دادم و از همکاران خواستم سر کلاس بیشتر به او توجه کنند و او را وادار به صحبت و فعالیت نمایند. به خاطر ضعف درسی هم سرزنشش نکنند و هروقت کوچک ترین پیشرفتی داشت، به بهترین شکل تشویقش کنند.

روز بعد هم با خود دانش آموز صحبت کردم و گفتم: «من خودم اهل همین روستا هستم. می دانم مشکلات زیادی داری و می دانم پدرت شهید شده. اما مایه افتخار تو و همه ماست. او به خاطر سعادت جامعه و حفظ اسلام، جانش را از دست داده است. تو هم باید بکوشی تا نامش همیشه زنده بماند و به وجودش افتخار کنی. می دانم که دلت برای مادر، پدر، عمه و مادرزرت تنگ شده؛ ولی گریه و ناراحتی که فایده ندارد. از این به بعد هروقت یادشان افتادی و دلت برایشان تنگ شد، نماز بخوان؛ چون نماز واقعاً آرامش بخش است. از همین امروز این کار را امتحان کن. از فردا هم مسئول انتظامات سالن آموزشگاه هستی. دوست دارم اسم دانش آموزان شلوغ و بی انضباط را به من بدهی. ضمناً درس هایت را هم بیشتر بخوان؛ می دانم موفق می شوی.»

مدتی از این قضیه گذشت. دخترک وظایفش را به خوبی انجام می داد. ارتباطش با دانش آموزان بهتر و بیشتر شده بود. در درس هایش هم کمی پیشرفت کرده بود. مهم تر از همه این بود که از انزوا در آمده بود.

پدر بزرگش می گفت: «بیشتر وقت ها او را مشغول نماز می بینم. وقتی از او می پرسم چرا این قدر نماز می خوانی؟! می گوید: 'بابابزرگ، نماز آرامم می کند.' در خانه هم دوست دارد فعالیت کند و در کارها به من کمک نماید.»

از آن به بعد، مسئولیت هایش را افزایش دادم و بیشتر به او توجه کردم. همکاران هم با توجه به اینکه دخترک، فرزند شهید بود، بیشتر احساس مسئولیت می کردند و توجه زیادی به او داشتند و این باعث شد که روحیه اش روزبه روز بهتر شود. حالا از آن روزها چند سال می گذرد. دانش آموز خوب من بزرگ شده است. شنیده ام مدتی است با آقای محترم ازدواج کرده. امیدوارم همیشه خوشبخت باشد و هنوز هم اگر ناملايمات زندگي بر او چیره شد، خواندن نماز او را آرام کند. (۱)

ص: ۴۳

۱- پنجره ای رو به آفتاب، ویژه نامه تجربه ها و خاطره های آموزش و ترویج نماز بین دانش آموزان دوره راهنمایی، ص ۲۷۷ و ۲۷۵، خاطره زهرا حمزه ای.

۱۱.۲. تشویق (۱) و تحسین (۲) تشویق معجزه می کند. به طور کلی، اگر کودک در مسیر عبادت و اعمال مذهبی حرکتی کرد، باید او را تحسین کنیم. در تشویق و تحسین، مهم این است که بلافاصله بعد از رفتار مدنظر به کار رود، تا کودک بتواند بین رفتار مدنظر و تشویق ارتباط برقرار کند. (۳) البته باید توجه کنیم که تشویق در مسائل عبادی، حالت مزد و پاداش به خود نگیرد. بهتر است تشویق هایمان، هم مادی و هم معنوی باشد و تشویق های مادی، به صورت نامنظم صورت پذیرد. تشویق منظم مادی برای عبادت کودکان، سبب تاجرانه شدن عبادت آنان می شود؛ درحالی که مطلوب، عبادت آزادگان است. مولا علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتَلَكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ... وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا... شُكْرًا فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ؛ (۴)

همانا عبادت گروهی که خدا را به امید پاداش پرستیدند، عبادت تاجران است... و عبادت گروهی که برای سپاسگزاری پرستیدند، عبادت آزادگان است.

۱.۱۱.۲. نوع پاداش ها

۱.۱۱.۲. نوع پاداش ها (۵) یکی از شیوه های رفتارسازی در نماز در بین کودکان و نوجوانان، ایجاد تغییرات مطلوب رفتاری متناسب در آن هاست. برای این منظور، صاحب نظران یادگیری و روان شناسی، روش های متفاوتی را پیشنهاد می کنند. از میان این روش ها، شیوه ایجاد رفتارسازی روان شناسان

ص: ۴۴

۱- تشویق عبارت است از قول یا عملی که از فعل فاعل قدردانی می کند و [آن را] می ستاید؛ مانند آفرین، احسنت، بارک الله، متشکرم، خوشنود شدم و مانند تقدیم هدیه، خرید اسباب بازی، لباس و کفش نو، شکلات، شیرینی، کتاب داستان، مداد رنگی و مانند گردش، مسافرت و مانند لبخند زدن، درآغوش گرفتن، بوسیدن، برایش قصه گفتن و مانند اظهار رضایت کردن، تعریف و تمجید نمودن، نمره خوب دادن، مدال دادن، سر صف معرفی کردن، پول دادن و امثال این ها. تشویق، حس خودپسندی و حب ذات انسان را اقناع می کند و موجب قوت قلب و نشاط می شود. (ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۱۳۶ و ۱۳۷).

۲- تحسین به معنای نیکو شمردن عمل است و به هنگامی که درباره کودک و حتی فرد بزرگ تری اعمال شود، در او دل و جرئت و روحیه و امید پدید می آورد؛ به گونه ای که خواهد کوشید مجدداً زبان تحسین بزرگ تران را به روی خود بگشاید. تحسین مربی این اثر را دارد که شخصیت مرده کودکان را احیا کند و موجبات دلگرمی آنان را برای ادامه کارهای پسندیده فراهم سازد. گاهی تحسین ها می توانند متوجه عمل و رفتار کودک دیگری غیر از کودک ما باشند؛ به این معنا که آن کودک را بستاییم تا فرزند ما دریابد که ما از رفتار آن کودک راضی بوده ایم. به عبارت دیگر، ستایش از اعمال و رفتار

نیک دیگران وسیله ای است برای به راه آوردن فرزند خودمان. (علی قائمی امیری، حدود آزادی در تربیت، ص ۲۱۴ و ۲۱۵).

۳- جزوه تنبیه و تشویق کودک، بایدها و نبایدها، مرکز مشاوره حوزه علمیه خراسان.

۴- نهج البلاغه، کلمه قصار ۲۳۷.

۵- در اینجا بد نیست به ذکر و بیان یک نکته تربیتی پردازیم و آن تبیین تفاوت بین پاداش و جایزه است. معمولاً جایزه امری است از پیش تعیین شده که در برابر دید و منظر افراد است و افراد برای به دست آوردن آن سعی دارند کار و عمل مورد نظری را انجام دهند؛ در حالی که پاداش امری است که از قبل معین شده نیست. انسان ها در مسیر زندگی، کار و وظیفه ای را برعهده گرفته و به انجام آن می پردازند، بدون اینکه چشم داشت و توقعی از دیگران درمورد حسن انجام وظیفه داشته باشند. صاحب کار و سفارش، به عنوان نشانه اعلام رضایت خویش، به تناسب، پاداشی را اعطا می کند که مقدار و رقم آن از قبل برای افراد معین و اعلام شده نیست (علی قائمی، حدود آزادی در تربیت، ص ۲۱۹).

رفتارگرا که بر پاداش برای تقویت و ایجاد رفتارهای معین مبتنی است، برای کودکان پیش دبستانی و دبستانی و گاهی دوره راهنمایی تحصیلی، مفید و مؤثر است.

براساس این شیوه رفتارگرایی، با ایجاد محرک های پاداش، به تقویت رفتاری می پردازیم که می خواهیم ایجاد شود. مثلاً برای ایجاد رفتار نماز در کودکان و نوجوانان، باید محرک پاداش، به تقویت و ایجاد چنین رفتاری منجر شود و باید پاداش را بلافاصله بعد از انجام دادن رفتار ارائه کنیم. (۱) پاداش هایی که برای کودکان نمازخوان و نمازگزار در نظر می گیریم، باید متعدد و متنوع باشد. مریبان می توانند به تناسب، نوعی از آن را برای کودک استفاده کنند. پاداش ها می توانند صورت نقد یا نسیه، مادی یا غیر مادی داشته باشند. در هر حال، این مهم است که به نوعی، از نگاه کودک نیز پاداش به حساب آیند و آنان را به ادامه راه وادارند.

۲.۱۱.۲. طبقه بندی پاداش ها

۱.۲.۱۱.۲. پاداش های مادی

اگر پاداشی صورت مادی داشته باشد، باید از چیزی باشد که کودک بتواند از آن بهره مند شود. کودک خواستار لباسی زیبا، غذایی مناسب و وسایلی دارای زرق و برق و اسباب بازی های قشنگ است. (۲)

۲.۲.۱۱.۲. پاداش های غیرمادی

اشاره

نیازی نیست که مریبان همیشه از پاداش مادی سود جویند. صورت های بسیاری از پاداش دهی وجود دارد که بهایی ندارد، جز مایه گذاری از زبان و رفتار (۳) در این عرصه، نمونه هایی را ذکر می کنیم:

۱. حرمت گذاری

کودک بر حسب فطرت خود، دوستدار احترام است و می خواهد نزد دیگران از کرامت و ارزشی برخوردار باشد. روابط او با افرادی که شخصیت او را تکریم (۴) می کنند و برای او حرمتی بیشتر قائل هستند، خالص تر و صمیمانه تر است. امام صادق (ع) در این زمینه می فرمایند:

طبعت القلوب علی حبّ من أحسن الیها و بغض من أساء الیها؛ (۵)

قلب ها [ی انسان ها] بر دوستی با کسی که به آن ها نیکی کند و

- ۱- علی رضا عصاره، «شیوه های آشنایی با نماز در خانواده»، خانواده و نماز، گروه نویسندگان، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.
- ۲- در روان شناسی رفتارگرا، پاداش های مادی به «تقویت کننده های تعلیمی» شهرت دارند.
- ۳- در روان شناسی رفتارگرا، پاداش های غیرمادی به «تقویت کننده های شرطی یا ثانوی» مشهورند
- ۴- برخی از شیوه های تکریم و احترام کودک که در روایات به آن ها اشاره شده است، عبارت اند از: ۱. برخاستن و استقبال از فرزند هنگام ورود او به مجلس؛ ۲. سلام کردن به کودک؛ ۳. اجازه خواستن از کودکان برای گذشت از حقوقشان؛ ۴. پذیرش دعوت کودکان و دعوت از آن ها برای مهمانی؛ ۵. جای دادن کودک در صفوف جماعت؛ ۶. عیادت از کودک بیمار؛ ۷. با احترام صداکردن؛ ۸. شرکت در بازی کودکان؛ ۹. پرهیز از خشونت با کودکان؛ ۱۰. شرکت دادن کودکان در جلسه دعا برای آمین گفتن؛ ۱۱. شخصیت دادن به کودکان (نک: سیدعلی حسین زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، ج ۱ تربیت فرزند)، پژوهشکده حوزه و دانشگاه).
- ۵- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۴۵، ش ۴.

دشمنی با کسی که به آن‌ها بدی کند، سرشته شده است.

بدین سان، یکی از پاداش‌های ما در قبال نماز کودکان، این است که برای او حرمت بیشتری قائل شویم و به او تفهیم کنیم که این امر در عزای نماز خواندن اوست.

۲. اظهار محبت

۲. اظهار محبت (۱) مانند بوسیدن، نوازش کردن، بازی کردن با کودک، توجه، نگاه محبت آمیز و... (۲) خداوند در تربیت انسان، محبت را به عنوان پیوندی محوری به کار می‌گیرد:

...فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ... (۳)

...پس به زودی خداوند گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند...

در این آیه، **يُحِبُّهُمْ** قبل از **يُحِبُّونَهُ** آمده است؛ یعنی ابتدا از ابراز محبت خدا و سپس از ابراز محبت آدمی به خدا سخن می‌گوید. این نشان می‌دهد که ابراز محبت مربی، به دل بستگی تربیتی جهت می‌دهد و حاصل آن، ظهور شیفتگی عمیق در تربیتی به مربی است. هنگامی که این شیفتگی حاصل شد، می‌توان با ابراز محبت، فرد را به انجام دادن برخی اعمال و با منع محبت، او را به ترک اعمالی دیگر برانگیخت.

پس به زبان آوردن مهر و محبت، مایه تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند، لازمه و زمینه تأثیرگذاری مربی و تربیتی است. از این رو، در توصیه‌های اسلامی، بر به زبان آوردن محبت تأکید کرده‌اند (۴) کودک نیز انسانی کوچک است و بیش از دیگران به محبت احتیاج دارد. از این روست که خداوند محبت به کودکان را زمینه بهره‌مندی از رحمت خود دانسته است. امام صادق ع می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَا ذَلِكَ (۵)

خداوند بنده اش را به واسطه شدت محبتی که به فرزند خود دارد، مشمول رحمت خود قرار می‌دهد.

مربی با بیان محبت پیشی جوینده خویش به تربیتی، او را دل بسته

ص: ۴۶

۱- مشکلات ناشی از کمبود محبت عبارت‌اند از: پریدگی رنگ، ازدست دادن شادابی طبیعی، تنفس نامنظم و حتی ناراحتی‌های معده‌ای و روده‌ای که به اسهال و استفراغ در کودک منجر می‌شود (روان‌شناسی رشد، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ج ۱، ص ۲۳۱).

۲- یکی از نویسندگان دربارهٔ تأثیر محبت و توجه عاطفی به کودکان در تغذیه و سلامت جسمی آن‌ها، می‌نویسد: «مطالعات هانت، روان‌شناس معاصر آمریکایی، در پرورشگاه‌ها نشان داده است کودکانی که در موقع تغذیه در آغوش پرستاران قرار نمی‌گرفته و گرمی بدن آن‌ها را احساس نمی‌کرده‌اند، به تدریج نسبت به محیط غیرحساس شده و به تغذیه نیز علاقه‌ای نشان نمی‌داده‌اند. حتی در بعضی موارد، این بی‌علاقگی به غذا، سبب بی‌اشتهایی و نهایتاً مرگ آن‌ها شده است. گاه نیز بروز اختلالاتی مانند سوءهاضمه و کم‌خوابی که هیچ نشانهٔ جسمانی برای آن یافت نشده است، مربوط به محرومیت کودک از محبت مادر بوده است» (محمد رضا حاج شریفی، حقوق فرزند بر والدین از نگاه اسلام، ص ۱۱۵).

۳- مائده، ۵۴.

۴- اصول کافی، باب إخبارُ الرجل أخاهُ بحبِّه

۵- اصول کافی، ج ۶، ص ۵۰

خویش می کند. این دل بستگی، بسیار قدرتمند و کارساز است و می توان با تکیه بر آن، فرد را آماده و بلکه طالب به دوش گرفتن تکالیف ساخت. انسان ها به ویژه کودکان، در قبال شخصی که به آن ها محبت می کند، احساس احترام داشته و محبت کننده را دوست دارند و مطیع فرمان او هستند. امام علیؑ در این زمینه می فرماید:

قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ؛ (۱)

دل های مردم رمنده اند. هر کس به آن ها محبت کند، به او روی خواهند آورد.

مولایؑ در جایی دیگر نیز می فرماید:

بِالْبَرِّ يُسْتَعْبَدُ الْحُرُّ؛ (۲)

محبت و نیکی کردن (۳) به دیگران، آنان را به تسلیم وا می دارد.

و همچنین می فرماید:

أَحْسِنِ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ؛ (۴)

به هر که خواهی، نیکی کن تا امیرش باشی.

چون که آوازش خوش و مظلوم شد

زو، دلِ سنگین دلان چون موم شد

بوسیدن و بوسه زدن کودک نیز حتی به بهانه تشویق او، امری است که کودک را از محبت سیراب می کند و او را راضی می سازد. پیامبر اکرمؐ می فرماید:

اَكثَرُوا مِنْ قُبْلِهِ أَوْلَادِكُمْ، فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَةٍ خَمْسٌ مِائَةً عَامٌ؛ (۵)

فرزندان خود را زیاد ببوسید؛ زیرا با هر بوسه، مقام و مرتبه ای برای شما در بهشت فراهم می شود که فاصله میان هر مقام، پانصد سال است.

البته باید مراقب باشیم که محبت را هیچ گاه وجه معامله قرار ندهیم. این درست نیست که بعضی والدین و مربیان، محبت خود را وسیله نفوذ در فرزند قرار دهند. مثلاً به او بگویند: «این کار را بکن تا مامان [یا مربی] تو را دوست بدارد.» یا «اگر فلان کار را انجام دادی، بابا [یا مربی] تو را دوست ندارد.» یا «چون این عمل را انجام داده ای، تو را اصلاً دوست نداریم.»

این عمل چند عیب دارد:

۱. به اصل طبیعی ضرورت محبت والدین و مربیان به فرزند، لطمه وارد می‌سازد و امکان تردید و سلب را در آن به وجود می‌آورد. این نه به صلاح والدین و مربیان است و نه به صلاح فرزند. رشته محبت را نباید هیچ‌گاه برید یا در معرض بریدن قرار داد. اگر کودک رشته محبت والدین و مربیان خود را منقطع ببیند، امکان دارد در دام‌های فساد گرفتار شود.

۲. با چنین برنامه‌ای، کودک به تدریج عادت می‌کند که کارها را برای

ص: ۴۷

۱- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۱۰، ش ۳.

۲- ابن میثم، شرح علی مئه کلمه، ص ۱۴۱.

۳- نیکی کردن، از نتایج محبت و مهرورزی است (حسینی شاهرودی، کوی نیک نامان، ج ۱، ص ۲۴۳).

۴- عیون الحکم و المواعظ، حدیث ۸۳.

۵- ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۲، ص ۶۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۲.

جلب رضایت والدین و مربیان و دیگر انسان ها انجام دهد؛ نه بر طبق وظیفه و برای جلب مصالح واقعی خود و دیگران. معیار خوبی و بدی کارها را دوست داشتن یا دوست نداشتن دیگران می شناسند؛ در صورتی که معیار خوب و بد باید خیر و صلاح واقعی خود و اجتماع و نیز جلب رضای خدا باشد، نه خواست مردم و جلب رضای آنان.

۳. چنین برنامه ای ممکن است کودک را به تملق گویی و نفاق و فریبکاری وادارد. امکان دارد برای اینکه محبت والدین و مربیان را از دست ندهد، به فریب دادن آنان و دروغ متوسل شود. بنابراین، والدین و مربیان نباید هیچ گاه محبت خودشان را در گرو اطاعت فرزندانشان قرار دهند و در صورت نافرمانی، او را به سلب محبت تهدید کنند. (۱)

۳. نشان دادن اعتماد

گاهی نشان دادن اینکه به تو اعتماد داریم، برای قول و رأی تو حساب باز می کنیم، دست تو را در مصرف باز می گذاریم، درهای بسته را به روی تو می گشاییم، هر راز و سِخنی را با تو در میان می نهیم (۲) و... می تواند پاداشی برای او به حساب آید و او را در ادامه بیشتر این رفتارش مدد بخشد. در برابر رفتار معقول او، می توان از این شیوه سود جست.

۴. تمجید از رفتار او

اینکه مربی، رفتار او را در اقامه نماز و شرکت در نمازجماعت تمجید کند و به ستایش کارهای او پردازد، نوعی پاداش برای او به حساب می آید؛ به ویژه اگر آن را در حضور دیگران مطرح کند. به طور معمول، کودکان خواستار شاخص شدن در نزد بستگان و دوستان خویش اند. چه نیکوست که گاهی مربی در حضور جمع یا دوستان کودک، به ثناگویی از کار او پردازد و این توجه کودک به نماز را بستاید.

۵. نزدیک کردن به خود

مربیان در موقعیت های بسیار می توانند به عنوان پاداش نماز کودک، او را به خود نزدیک و مأنوس محفل اُنس خود سازند؛ در مجلسی او را کنار خود بنشانند؛ با او همراه و همراز شوند؛ برخی از مسائل را به او باز گویند؛ در خانه با او هم غذا شوند؛ با او هم بازی شوند و چنان وانمود کنند که به او بسیار نزدیک اند. این، سبب دلگرمی و افزایش رغبت و علاقه او به نماز خواهد شد.

۶. دامنه دار کردن آزادی

جلوه ای از پاداش دهی به کودکان این است که به تناسب اهتمام و تلاش کودکان در فراگیری احکام نماز و اقامه خوب و به موقع آن، بر دامنه و میزان آزادی شان بیفزاییم. این اقدام باید به گونه ای باشد که خود کودک آن را لمس و حس کند. برای

نمونه، اجازه آمدوشد بیشتری به او بدهیم و به او تفهیم کنیم که این امر از برکات لیاقت و جدیت او در نماز است و او باید پاسدار آن باشد.

ص: ۴۸

-
- ۱- بهترین والدین و مربیان کسانی هستند که حساب بچه دوستی را از حساب تربیت جدا می سازند. امام محمدباقر \square می فرمایند: «بدترین پدران کسانی هستند که در احسان به فرزندان از حد تجاوز می کنند...» (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰).
 - ۲- در میان گذاشتن برخی از رازها با کودکان، علاوه بر جنبه تشویقی و جلب اعتماد آنان، حس مسئولیت پذیری کودکان را نیز افزایش می دهد.

۷. اغماض از خطای او

فرض کنیم که کودک در فراگیری احکام نماز کوشیده است و خود را متعهد به خواندن نماز کرده است. او اکنون مرتکب خطایی شده است که مستحق عقوبت است یا در امری مسامحه و کوتاهی کرده است. در چنین صورتی، مریبان باید به او تذکر دهند که به دلیل جدیتی که در گذشته در نماز از خویش نشان داده است، فعلاً از خطای او صرف نظر می کنند و مثلاً آبروی او را از خطر حفظ می کنند.

۸. دیگر یاداش ها

۱. نشان دادن رشد و تعالی او و بیان این مسئله که دارای کمالی است و او را بدان می ستاییم؛
۲. حمایت از او در تنگناها و مشکلاتی که برای او در زندگی روزانه پدید می آید؛
۳. نوازش او هنگام بیماری و مرض و همدردی با او هنگام مصائب و دشواریهای زندگی؛
۴. نوسازی لباس و پوشش او به گونه ای که بتواند رابطه ای بین آن و عمل خویش (اهتمام به نماز) پیدا کند؛
۵. قائل شدن حق رأی و نظر برای او در کارهای مربوط به خانه یا مدرسه؛
۶. دادن حق انتخابی وسیع تر به او در امر لباس و اشیای دلخواه و...؛
۷. حفظ اسرار و آبروی او وقتی که از آن نگران و بیمناک است.

۱۲.۲. تبشیر

تربیت، مستلزم تن دادن به تکالیف است و این امر، به خودی خود، زایل کننده رغبت است. این تلخی را باید به طریقی کاست تا قبول تکالیف آسان تر شود. یکی از روش هایی که به این کار می آید، تبشیر است. تبشیر به معنای بشارت دادن به عطایایی است که پس از به دوش گرفتن تکالیف به فرد ارزانی خواهد شد. تبشیر مظهري از فضل و رحمت است. بشارت در وجود آدمی، امید می آفریند و با کشش این امید، او را آماده قبول زحمت می گرداند.

پیامبران در مقام مربی از این شیوه بسیار بهره گرفته اند، چنان که همه آنان را «مبشّر» نامیده اند و کوشش آنان همواره بر آن بوده است تا امید برخاسته از بشارت را در مخاطبان خود زنده کنند:

وَإِلَىٰ مَدِينٍ آخَاهُمْ شَعِيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ؛ (۱)

و برادران اهل مدین را به سوی آنان فرستادیم. پس به آنان گفت: «ای مردم، خدا را عبادت کنید و روز آخرت را امید برید...»

و هم تربیت یافتگان با این امید همراه و به آن زنده اند:

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا... وَ يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ؛ (۲)

آیا کسی که دل به خدا سپرده است و در لحظاتی از شب به سجود و قیام می پردازد... و رحمت خدای خویش را امید می برد، [چون کسی است که از آن بی خبر است]؟

ص: ۴۹

۱- عنكبوت، ۳۶.

۲- زمر، ۹.

بشارتی که پیامبران از آن بهره جسته اند، دامنه ای گسترده دارد و تنها درخور انسان های برجسته نیست، بلکه نفوس ضعیف را نیز مخاطب ساخته است. نفوس ضعیف کسانی اند که عبادتشان عبادت تجار نامیده شده است. بنابراین انبیا مردم را به بهشتی بشارت داده اند که در آن، هر چه میل داشته باشند و هر چه چشم ها را در آن، شیفتگی نگرستن باشد، مهیاست:

...و فیها ما تشتهی الانفس و ما تلذُّ الاعین. (۱)

این، نکته درخور تأملی است و نباید از آن غفلت کنیم. غالباً در جریان تربیت، ایدئال گرایی و بلندپروازی، ما را به خود مشغول می کند؛ اما طبق این بیان، باید بشارت ها را چنان گسترده به کار بگیریم که هرکسی را در هر مرتبه ای دربرگیرد. خداوند برای همه کس از «رضوان» سخن نمی گوید؛ برخی را نیز با وعده خوراکی های لذیذ (۲) و پوشیدنی های زیبا و خیره کننده (۳) و تفرجگاه های روح نواز (۴) و نظیر آن امیدوار می کند.

در پایان متذکر می شویم که تبشیر و تشویق، باوجود آنکه ظاهراً باهم شبیه هم اند، متفاوت اند. تبشیر پیش از عمل یا همراه عمل است و تشویق پس از عمل. از این رو تبشیر، ناظر به آینده و تشویق متوجه گذشته است. در مقایسه، تأثیر تشویق سریع تر از تبشیر است؛ اما از سوی دیگر، کسی که پذیرش تبشیر را دارد، از پختگی ویژه ای برخوردار است؛ زیرا حرکت دادن با تبشیر، مستلزم نوعی کفّ نفس و آینده بینی است.

از این رو، هرگاه فرد در سنین پایین باشد، باید دامنه تبشیر برای او کوتاه تر باشد. بهره گرفتن از بشارت ها و وعده های بلنددامنه برای کسانی ممکن است که دوران کودکی را پشت سر گذاشته و به میزان مطلوبی از کفّ نفس و آینده بینی دست یافته باشند.

ص: ۵۰

۱- زخرف، ۷۱.

۲- وَ فَاكِهِه مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَ لَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (=میوه هایی که دلخواه آن هاست و خوراک پرنده از آن نوع که میل داشته باشند، برایشان فراهم است) (واقعۀ، ۲۱ و ۲۲).

۳- وَ يَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَ اسْتَبْرَقٍ (كَهْف، ۳۱).

۴- وَ اِنَّ الْمَتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عِيُونٍ (=انسان های باتقوا در باغ ها و چشمه سارها مأوا دارند.) (حجر، ۴۵).

اشاره

بی تردید همه کودکان، بالفطره استعداد پذیرش و انجام دادن تکالیف مذهبی از جمله نماز را دارند؛ اما مهم، چگونگی روش های (۱) ارائه و آموزش و عرضه کردن این آیین الهی است. در ادامه به برخی از آن ها اشاره می کنم:

۱.۳. شیوه تداعی معانی در آموزش نماز

۱.۱.۳. اصول تداعی معانی

اشاره

اصول اساسی تداعی معانی (تجارب) براساس نظر ارسطو، سه اصل مجاورت و مشابهت و تضاد است: (۲)

ص: ۵۱

-
- ۱- روش، فعالیتی است که از مربی به منظور تأثیر در مربی سر می زند.
 - ۲- معمولاً قدیمی ترین مطالعات درباره حافظه را به ارسطو، فیلسوف مشهور یونانی، نسبت می دهند. ارسطو با بررسی حافظه و مطالعاتی که روی آن انجام داد، قوانین تداعی معانی را در مورد حافظه وضع کرد که هنوز هم اعتبار آن ها همچنان باقی است (یوسف کریمی، روان شناسی تربیتی، ص ۹۲).

۱. اصل مجاورت

اگر دو رویداد از نظر مکانی یا زمانی همیشه باهم تجربه شوند، بعدها یکی، دیگری را تداعی می کند. برای نمونه، مهر و سجاده نماز، مسجد و صدای اذان، هر کدام، برپاداشتن نماز را تداعی می کند و نیز پلیس، اتومبیل پلیس، لباس پلیس، اسلحه و باتون، همدیگر را تداعی می کنند. لباس روحانیان (عبا و عمامه)، دین و اقامه نماز و... را تداعی می کند.

پدری که برای بیدار کردن دختر خود برای ادای نماز صبح، دستی به گیسوان او می کشد و با نوازش و محبت، او را از خواب شیرین صبحگاهی بیدار می کند، انجام دادن این تکلیف دینی را با شیرینی محبت پدرانه خویش می آمیزد و عبادت را در کام فرزند خود شیرین می کند. (۱) با استفاده از اصل مجاورت، نماز تداعیگر محبت و عشق پدر به فرزند می شود.

نمونه اصل مجاورت در قرآن، در سوره یوسف آیات ۱۸ و ۲۸ و ۹۳ آمده است. در این سه آیه، مجاورت پیراهن یوسف □ با اموری، مطرح شده است. در آیه ۹۳ این سوره بیان می شود که پیراهن یوسف □ که بوی یوسف □ را می داد، تداعیگر یوسف □ شد. براساس اصل مجاورت، کلمه الله چون با ۹۹ صفت کمال و جمال مجاور شده است، تداعیگر تمامی آن صفات است. (۲)

۲. اصل مشابهت

۲. اصل مشابهت (۳) شباهت و اشتراک های دو شیء یا دو رویداد باعث می شود بعدها یکی، دیگری را تداعی کند؛ مانند اینکه عکس، صاحب عکس را تداعی می کند. گاهی فردی را مشاهده می کنیم و با دیدن او به یاد دایی یا پدر او می افتیم و می گوئیم: «شما چقدر شبیه دایی یا پدرتان هستید!» در اینجا با توجه به اصل مشابهت، با دیدن فرد به یاد دایی وی می افتیم.

۳. اصل تضاد

اشیاء و رویدادهای متضاد همدیگر را تداعی می کنند: بیماری، سلامتی را تداعی می کند. به همین دلیل وقتی فردی را مشاهده می کنیم که بسیار بیمار است، می گوئیم: «الحمد لله که ما سالم هستیم.» یا نور و ظلمت، کفر و ایمان، بهشت و جهنم، شب و روز، حلال و حرام، پیری و جوانی همدیگر را تداعی می کنند. از دیدگاه رفتارگرایی، گرایش به نماز، نمازگزاری یا نمازگریزی افراد، بر اثر یادگیری های آنان است. یادگیری یا شرطی شدن یعنی پیوند و رابطه برقرار کردن بین اشیاء یا افراد یا رفتارها؛ مانند برقرار کردن رابطه و پیوند بین اذان و نمازخواندن، نیکی کردن و بهشت رفتن، زکات دادن و نمازخواندن، نمازخواندن و شفایافتن، یاد خدا و آرامش یافتن.

طرف داران مکتب تداعی دو قانون مشابهت و تضاد را به قانون و اصل

ص: ۵۲

۲- عبدالکریم بی آزارشیرازی، رسالہ نوین فقہی

Similarity -۳

مجاورت تبدیل پذیر می دانند؛ زیرا در هر صورت، از راه مجاورت، تجارب مشابه و متضاد با یکدیگر پیوستگی پیدا می کنند. مثلاً دو امری که باهم تضاد داشته باشند، معمولاً در ذهن ما به صورت مجموعه ای در می آیند که همواره مجاور یکدیگرند. ما غالباً می گوئیم: «حلال و حرام، سفید و سیاه، پیری و جوانی، رذیلت و فضیلت.» (۱)

در بسیاری از آیات قرآن و احادیث ائمه علیهم السلام، با توجه به اصل مجاورت، نماز با طهارت و وضو، بهشت، مسواک زدن، استعمال عطر، لباس زیبا، زیبایی، میوه تازه، زینت، ایمان، چشمه آب گرم، تقرب به خدا، خوب حرف زدن و کار نیک همراه شده است. در برخی آیات و احادیث نیز با توجه به اصل تضاد، نماز با عذاب، بلا، گناه، آتش، جهنم و شیطان به کار رفته است. آیات و احادیث زیر نمونه هایی از بیان مطالب بر مبنای اصل مجاورت است. خداوند در قرآن می فرماید:

وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ؛ (۲)

انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز را به آن ها وحی کردیم.

یا می فرماید:

و قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ؛ (۳)

با مردم با خوش زبانی سخن گوئید و نماز را بر پا دارید.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْرٍ؛ (۴)

هیچ نمازی درست نیست؛ مگر با طهارت (وضو، غسل، تیمم).

امام حسن علیه السلام جامه های زیبای خود را موقع نماز بر تن می کرد. وقتی کسانی از آن حضرت، علت را جویا شدند، ایشان فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ جُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ (۵) فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِي؛ (۶)

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. به این جهت خود را در پیشگاه خدا زینت می کنم. خداوند امر فرموده است: «با زینت های خود در مساجد حاضر شوید.» پس دوست می دارم که بهترین لباسم را به تن کنم.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَعَطِّرٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيهِمَا غَيْرَ مُتَعَطِّرٍ؛ (۷)

دو رکعت نماز با عطر، بهتر است از هفتاد رکعت نماز کسی که عطر نزده است.

أَطْرَفُوا أَهَالِيكُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِّنَ الْفَاكِهِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ؛ (۸)

ص: ۵۳

-
- ۱- عبدالعلی قرائتی، منطق آموختن
 - ۲- انبیاء، ۷۳.
 - ۳- بقره، ۸۳؛ ترجمه از حسین انصاریان
 - ۴- عباس عزیزی، جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، ج ۱، ص ۱۵۱.
 - ۵- اعراف، ۳۱.
 - ۶- محمد محمدی ری شهری، الصَّلاةُ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، ص ۴۹؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴، حدیث ۲۹.
 - ۷- همان؛ ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۶۲، عن المفضَّل بن عمر.
 - ۸- عباس عزیزی، جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، ج ۲، ص ۱۱۶، به نقل از: مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۶۱.

روز جمعه برای خانواده خود میوه تازه بخرید، تا برای آمدن به نماز جمعه خرسند گردند.

پیامبر ﷺ می فرماید:

رَكَعَتَانِ بِسِوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سِوَاكِ؛ (۱)

دو رکعت نماز با دندان های مسواک زده، نزد خداوند از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک بهتر است.

امام کاظم ﷺ می فرماید:

الصَّلَاةُ الْمَفْرُوضَاتُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا إِذَا أُقِيمَ حُدُودُهَا أَطْيَبُ رِيحاً مِنْ قَضِيبِ الْآسِ حِينَ يُؤْخَذُ مِنْ شَجَرِهِ فِي طَيْبِهِ وَرِيحِهِ وَ طَرَاوَتِهِ، فَعَلَيْكُمْ بِالْوَقْتِ الْأَوَّلِ؛ (۲)

هنگامی که نمازهای واجب در اول وقت و با رعایت حدودشان، برپا داشته می شوند، از برگ شاخه بریده شده درخت آس (۳) با همه عطر و بو و تازگی اش، خوش بو ترند. پس بر [نماز] اول وقت مداومت ورزید.

پیامبر ﷺ می فرماید:

هروقت گرما و شدت آن بر شما سخت گرفت، به وسیله نماز آن را خنک کنید؛ زیرا گرما و حرارت از جوشش جهنم است. (۴)

پیامبر اکرم ﷺ تعلیم و تربیت کودکان را با خاطرت شیرین و فراموش نشدنی همراه می ساختند. برای نمونه، به آنان سلام می کردند؛ به آنان مهر و محبت می کردند یا در بازی آن ها شرکت می جستند. گاهی در نماز و در حال سجده، آن قدر سجده را ادامه می دادند تا کودکانی که بر پشت حضرت سوار شده بودند، به آرامی پایین بیایند؛ زیرا متوجه بودند که نباید خاطره بدی از نماز در ذهن آن ها باقی بماند. (۵)

به همین دلیل، برخورد الگوها، مانند پیامبر ﷺ و والدین، با کودکان و احترام گذاشتن به آن ها می تواند بر مبنای اصل مجاورت، سبب شکل گیری احساسات مثبت درباره الگوها و الگوپذیری کودکان شود. به عبارتی دیگر، با دیدن الگو یا شنیدن نام او، احساسات مثبت در او برانگیخته می شود که این خود می تواند زمینه ساز توجه به الگوهای رفتاری برای تقلید و الگوپذیری باشد.

خداوند در سوره اعراف آیه ۳۱ می فرماید: «به هنگام رفتن به مساجد، زینت های خود را برگیرید.» در رساله عملیه نیز می خوانیم: «به هنگام روی آوردن به مسجد، عطر زدن و پوشیدن لباس خوب، مستحب است.» این مسئله بر اساس اصل مجاورت است.

قرآن با توجه به اصول سه گانه بالا آیات بشارت را در کنار آیات انذار و آیات رحمت را در کنار آیات عذاب و صفات

-
- ۱- محمد محمدی ری شهری، الصَّیْلَاهُ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، ص ۴۹؛ المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۲، حدیث ۲۳۴۴، عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه. □.
 - ۲- محمد محمدی اشتهاردی، نماز از دیدگاه قرآن و عترت، ص ۶۲؛ محمد محمدی ری شهری، الصَّلاَةُ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، ص ۵۳؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۰، حدیث ۱۲۸.
 - ۳- درخت مُورد مثل درخت انار است؛ برگ هایش ضخیم و خوشبوست و همیشه سبز است
 - ۴- عباس عزیزی، جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، ج ۱، ص ۷۰۵.
 - ۵- عبدالکریم بی آزارشیرازی، رساله نوین فقهی

مؤمنان آورده است. (۱) به طور کلی، اقامه نماز، عالی ترین رفتار معنوی و مذهبی محسوب می شود و برای افزایش این رفتار با استفاده از قوانین شرطی شدن، نماز را با محرک های خوشایند و مطبوع همراه می کنند. این عمل دو تأثیر دارد:

۱. یاد نماز حالتی مطبوع را برای کودک یادآوری می کند؛

۲. اگر رفتارهای ابتدایی مربوط به اقامه نماز را با تشویق و پاداش های مطبوع همراه کنیم، مطمئناً پاسخی به نام اقامه نماز را در کودک افزایش می دهد. البته عکس این مسئله نیز صادق است: اگر اقامه نماز با محرک های ناخوشایند و نامطلوب همراه شود، احتمال دوباره نمازخواندن کاهش می یابد و از نظر عاطفی نیز کودک احساسی نامطبوع از نماز خواهد داشت. (۲)

به همین دلیل، اگر والدین بهترین و شادترین و خوش ترین روحيات و رفتارها را با کودکان داشته و آراسته ترین ظاهر را هنگام اقامه نماز داشته باشند و بهترین لباس ها را بر تن کنند و بهترین زینت ها را هنگام اقامه نماز، همراه بردارند و خود را معطر کنند، کودکان نیز به نماز، رغبت و علاقه پیدا می کنند. (۳) همراهی نماز با روحیه شاد والدین، آراستگی آن ها، زینت داشتن، عطرزدن، لباس تمیز و مسواک زدن باعث می شود نماز به عنوان محرکی شرطی، جانشین محرک های اصلی مانند مسواک زدن، عطرزدن و ... شود. ایجاد علاقه به نماز، براساس همراهی نماز با محرک های خوشایند ایجاد می شود و شکل می گیرد.

نقل و نمایش قصه ها و خاطرات زیبا و نیز همراهی نماز با تجارب خوشایند، در علاقه مند شدن کودک به نماز مؤثر است. (۴) حفظ و فراگیری اشعاری که به طور زیبا و لطیف، مضامین دینی مانند نماز را در برمی گیرد و خواندن آیات قرآن با صوت و آهنگ زیبا، زمینه علاقه مندی کودکان را به مسائل معنوی ایجاد می کند. (۵) امکانات رفاهی مساجد و نمازخانه ها مثل تهویه مطبوع در گرما و سرما، آب گرم و سرد سالم و تمیز و بهداشتی، در احساسات افراد درباره نماز تأثیر مثبت می گذارد. (۶)

خوشایند کردن مراسم مذهبی و نمازجماعت نیز باعث علاقه به نماز می شود. (۷) به همین دلیل، چقدر زیباست که روحانی، در جیش تعدادی شکلات داشته باشد و هر بچه ای که به مسجد می آید، دستی به سرش

ص: ۵۵

۱- همان.

۲- رضا پورحسین، «تقویت رفتار مذهبی نماز»، نشریه پیوند، ش ۲۳۱، ص ۴۶ و ۴۷.

۳- نرگس جمشیدی، «نقش والدین و مربیان در گرایش دینی کودکان و نوجوانان»، مجموعه مقالات هشتمین اجلاس سراسری نماز، ص ۶۷ تا ۸۴.

۴- غلام علی افروز، روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان.

۵- محمدعلی سادات، رفتار والدین با فرزندان.

۶- کبری سپهوند، «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانش آموزان به نماز از دیدگاه معلمان و دانش آموزان»، فصلنامه نیایش، ش ۱۲، ص ۷۳ تا ۸۶.

۷- معصومه زمانی بخش، «شیوه های آشناسازی و تقید کودکان به نماز»، نشریه تربیت، ش ۱۱۰ و ۱۱۱، ص ۱۸ تا ۲۳.

بکشد و پیشانی او را ببوسد و شکلاتی در دهانش بگذارد. (۱)

بر مبنای احادیث و سخنان ذکر شده، هر گاه عطر، گلاب، سجاده زیبا، بیسکویت، بوسه، صوت زیبا، نمایش، قصه، تهویه مطبوع و مسواک زدن، تمیزی و نظم، نیکی به دیگران و کلاً تجارب خوشایند با نماز همراه شود، بر اساس اصل مجاورت، نماز (محرک شرطی) محرک دیگر (پاکی، نظم، عطر، زیبایی) را تداعی می کند. مجاورت نام ها و واژه هایی مانند نماز و عمل نماز خواندن، با زیبایی ها و امور خوشایند باعث می شود کودکان درباره نام و عمل نماز خواندن شرطی شوند و احساسات و نگرش مثبت به عمل نماز خواندن پیدا کنند.

همچنین ناراحت کردن کودکان به هنگام نماز، ایجاد صداهای ترسناک قبل از نماز، نزاع های خانوادگی هنگام اقامه نماز، مجبور کردن فرزندان به نماز و استفاده از تنبیه بدنی و کلمات تند که بار عاطفی دارد، خشونت و تهدید، امر کردن کودکان به نماز موقع کسالت و خواب آلودگی، رفتارهای ناشایست در موقع اقامه نماز مانند آروغ زدن، بینی گرفتن، بازی با محاسن و ریش و اعضای بدن، فشار ادرار و مدفوع در حالت نماز، نماز خواندن با لباس مندرس و... باعث تداعی رفتارهای ناشایست با نماز و در نتیجه شکل گیری نگرش منفی درباره نماز می شود. احادیث و سخنان زیر نشان دهنده تأثیر منفی این عوامل در هنگام نماز خواندن است که می تواند باعث یادگیری و نگرش و احساس منفی درباره نماز شود. (۲) امام علی ع می فرماید:

لَا يَبْعَثُ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ بِلِحِيَّتِهِ وَلَا بِمَا يَشْغَلُهُ عَنْ صَلَاتِهِ؛ (۳)

مرد، در نماز با ریشش و آنچه او را از نماز به خودش مشغول می دارد، بازی نمی کند.

امام باقر ع می فرماید:

لَا تَقُمْ إِلَى الصَّلَاةِ مُتَكَاسِلًا وَلَا مُتَنَاعِسًا وَلَا مُتَنَاقِلًا فَإِنَّهَا مِنْ خِلَالِ النَّفَاقِ...؛ (۴)

با حال کسالت و خواب آلود و سنگین به نماز نایست که این ها از خوی منافقان است...

پیامبر خدا ص می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَشِدَّةَ التَّائِبِ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهُمَا عَوَّةُ الشَّيْطَانِ، وَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعُطَّاسَ وَيَكْرَهُ التَّائِبَ فِي الصَّلَاةِ؛ (۵)

مبادا در نماز زیاد خمیازه بکشید که صدای

ص: ۵۶

۱- علی قائمی، نماز در دوران کودکی، مجموعه سخنرانی های نماز و تربیت، ج ۲، ص ۱۰۱ تا ۱۱۷.

۲- این امر را می توان بر اساس نظریه شرطی سازی کلاسیک (رفتار پاسخگر)، توجیه کرد. دیدگاه شرطی سازی کلاسیک، برگرفته از آزمایش های پاولف روسی در آغاز قرن بیستم است. پاولف محرک هایی را با غذا همراه کرده، مشاهده کرد که

محرک ها به تنهایی همان پاسخ بزاق را ایجاد می کنند که غذا (محرک طبیعی) در حیوانات آزمایش شده ایجاد می کند.
۳- محمد محمدی ری شهری، الصَّیْلَاهُ فِي الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ، ص ۴۹؛ الخصال، ص ۶۲۰، حدیث ۱۰، عن ابی بصیر و محمد بن مسلم عن الامام الصادق عن آباءه □.

۴- محمد محمدی ری شهری، الصَّلاهِ فِي الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ، ص ۹۶؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۹۹، حدیث ۱.

۵- همان، ص ۹۷؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۴ عن الامام علی □؛ مولا علی □ درباره این فرمایش رسول خدا □ می فرمایند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ □ كَانَ إِذَا تَنَاءَبَ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ رَدَّهَا يَمِينِهِ» (=هرگاه پیامبر خدا □ در نماز دچار خمیازه می شد، با دست راستش جلوی آن را می گرفت) (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۵).

شیطان است. همانا خداوند عطسه را دوست و خمیازه را در نماز ناپسند دارد.

ایشان می فرمایند:

لَا يَأْتِ أَحَدُكُمْ الصَّلَاةَ وَهُوَ حَاقِنٌ؛ (۱)

کسی از شما درحالی به نماز نایستد که بول خود را نگه داشته است.

امام صادق ع درباره کسی که به پدر و مادر خود نگاه تند و خشم آلود کند، می فرمایند:

مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ نَظَرَ مَاقِتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً؛ (۲)

کسی که به پدر و مادرش کینه توزانه بنگرد، حتی اگر بر او ستمکار باشند، خداوند نمازی را از او نمی پذیرد.

پیامبر خدا (ص) می فرمایند:

خَمْسَةٌ لَيْسَ لَهُمْ صَلَاةٌ: إِمْرَأَةٌ سَخِطَ عَلَيْهَا زَوْجُهَا... وَ مُصَارِمٌ لَا يَتَكَلَّمُ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ...؛ (۳)

پنج نفر نمازی ندارند: زنی که شوهرش بر او خشمگین است... و شخصی که با برادرش قطع رابطه کرده است... .

آموزش و نکوهش کودکان در امر عبادت، به ویژه نماز، و سخت گیری بر آن ها و مقایسه آن ها با دیگران و به رخ کشیدن نماز دیگران، باعث نماز گریزی و شکل گیری احساس ناخوشایند درباره نماز و احساس تکلیف شاق و سخت درباره نماز می شود. (۴) صحبت کردن یک سویه درباره مجازات اعمال در جهان آخرت و خشم خدا، نگرش منفی درباره نماز ایجاد می کند. در روایات اسلامی آمده است:

به موسی ع وحی شد: «عشق و علاقه مرا در دل های بندگان من وارد کن.» پرسید: «چگونه؟» فرمود: «با یادآوری نعمت های من.» (۵)

برشمردن نعمت های الهی و سخن گفتن از نیکی و نیز بخشش و احساس به کودکان، مناسب ترین روش برای آشناساختن دل ها با پروردگار است. (۶) در روایات اسلامی آمده است که پیامبر ع آن قدر به احساسات کودکان اهمیت می دادند که مواظب بودند حتی در موقع بازی، آن ها ناراحت نشوند. روزی پیامبر ع در حال اقامه نماز و سجده بودند. نوه خردسال ایشان، امام حسین ع، بر پشت آن حضرت نشست تا از پیامبر ع سواری بگیرد. به همین دلیل، سجده حضرت طولانی شد. وقتی صحابه علت طولانی شدن سجده را از حضرت پرسیدند، پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

ص: ۵۷

۲- همان، ص ۱۳۷؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹، حدیث ۵.

۳- همان، ص ۱۳۶؛ عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۲۶۷، حدیث ۶۵.

۴- نرگس جمشیدی، «نقش والدین و مریبان در گرایش دینی کودکان و نوجوانان»، مجموعه مقالات هشتمین اجلاس سراسری نماز، ص ۸۴ تا ۶۷.

۵- اشاره می کند به این آیه شریفه: وَ اذْ قَالَتْ مَوْسٰی لِقَوْمِهٖ یٰ قَوْمِ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ اذْ جَعَلْ فِیْکُمْ اَنْبِیَآءَ وَ جَعَلْکُمْ مَلٰوِکًا . (=یاد آور زمانی که موسی به قوم خود چنین گفت: «نعمت های خدا را به یاد آورید که در میان شما، پیامبرانی برانگیخت و شما را پادشاهان زمین قرار داد») (مائده، ۲۰)

۶- محمدعلی سادات، رفتار والدین با فرزندان

فرزندم مرا سواری خود قرار داده بود. ناپسند شمردم قبل از آنکه نیازش رفع شود، او را با عجله پایین آورم. (۱)

روان شناسان معتقدند ارضانشدن نیاز باعث احساس ناکامی و ناکامی باعث پرخاشگری و احساسات منفی می شود. پیامبر اکرم ﷺ با ارضای نیاز کودک، مانع ایجاد ناکامی و شکل گیری نگرش منفی درباره نماز و نمازگزار شدند. پیامبر با مهربانی، به امام حسین ﷺ اجازه دادند پس از سواری گرفتن پیاده شود؛ زیرا ایشان می دانستند حرکات خشن و آمرانه و تند، نگرش کودکان را به نماز تغییر می دهد. به همین دلیل، زمانی که کودکان مشغول نماز، نقاشی، دیدن برنامه تلویزیون و انجام دادن تفریح هستند، نباید با اجبار و اصرار، آن ها را به نماز دعوت کنیم؛ زیرا سبب شکل گیری احساس ناکامی و نگرش منفی به نماز می شود.

گاهی در مراسم عزاداری و نیز در مساجد، صدای بلندگو را بسیار بلند می کنند که موجب آزار و اذیت دیگران می شود. این گونه رفتارها باعث خدشه دار شدن نگرش و دیدگاه جامعه، به خصوص کودکان، به مراسم دینی از جمله اقامه نماز می شود. حضرت لقمان ﷺ به فرزندش توصیه می کند که از فریاد ناهنجار بپرهیزد؛ زیرا تداعیگر صدای حمار است. (۲)

تداعی معانی، یعنی همراه شدن آموزش با خاطره ای. این خاطره می تواند خوشایند یا ناخوشایند باشد. ممکن است مربی آموزش نماز را با تنبیه و دادو فریاد (۳) همراه کند. در این صورت، هرگاه کودک تنبیه شود یا دادو فریاد بشنود، نماز در ذهنش تداعی خواهد شد و هرگاه کسی از نماز بگوید، تنبیه بدنی را به یاد خواهد آورد. بدین سبب خواهد کوشید هرگز به نماز نیندیشد. (۴)

مربی دیگر، هنگام هدیه دادن یا خاطره خوش دیگر، کودکش را به نماز فرامی خواند. از این پس، هرگاه کودک مزبور به نماز بیندیشد، خاطره های خوش برای او تداعی می شود و هرگاه خاطره های خوشی برایش پیش آید، نماز را به یاد می آورد. پس ناخود آگاه از شنیدن واژه نماز لذت می برد و به سوی نماز کشیده خواهد شد.

ص: ۵۸

۱- عبدالکریم بی آزار شیرازی، رساله نوین فقهی

۲- وَ اقْصِدْ فِي مَشِيكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (=و میانه روی کن و صدایت را آهسته بدار؛ چراکه ناخوش ترین آوازه ها، بانگ دراز گوشان است) (لقمان، ۱۹؛ ترجمه از خرمشاهی).

۳- تَنُّ صَدَايَ بِالَا نَشَانَةُ عَصَبَانِيَةٍ وَ هِيْجَانٌ اسْتَوْتُنُّ صَدَايَ بَسِيَارٍ پَايِيْن، غَمْگِيْنِي رَا نَشَانٌ مِي دَهْد. پِيَامْبَرِ گَرَامِي اسْلَام ﷺ مِي فَرْمَايَنْد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصَّوْتِ الْخَفِيضَ وَ يُبْغِضُ الصَّوْتِ الرَّفِيحَ» (=همانا خداوند، صدای آرام و آهسته را دوست دارد و از صدای بلند و ناهنجار بیزار است و آن را دشمن می دارد) (بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۳؛ منتخب الاحادیث، ص ۳۸۵، حدیث ۱۲۹۷).

۴- این همان شیوه ای است که غرب و سینمای هالیوود برای نشان دادن چهره مخوف از اسلام به کار می برند. برای نمونه، در فیلم هایی که سیاست اسلام هراسی را دنبال می کنند، صدای اذان را همراه با موسیقی دلهره آور خاصی پخش می کنند و در سکانس های بعد، فقط همان موسیقی خاص را پخش می کنند. مخاطب با این ترفند هنری، به اصطلاح شرطی می شود که

هرجا صدای موسیقی مرگ را در آن فیلم می شنود، به صدای اذان و نماز و مسلمان منتقل می شود. با این شیوه، ترس و نفرت و خشم از مسلمان و مسلمانی در او ایجاد می شود.

توصیه می‌کنم آموزش ارزش‌های دینی را با خاطره‌های خوش همراه کنیم. مریبان محترم نیز به خوبی می‌توانند از شیوه‌تداعی معانی استفاده کنند. پیامبر^ﷺ برای تشویق امام حسن و امام حسین^ﷺ به نماز، بارها سجاده‌آنان را پهن می‌کردند و برای ترغیب هرچه بیشترشان، علاوه بر تشویق کلامی، مقداری شیرینی در زیر جانمازشان می‌گذاشت که بعد از ادای نماز بخورند. حضرت آیت‌الله بروجردی علت نماز شب خواندن خود را چنین بیان می‌کند:

من خواندن نماز شب را مدیون والدینم هستم؛ زیرا هر روز قبل از اذان صبح اگر از خواب برمی‌خاستم و جانماز را پهن می‌کردم، بعد از نماز یک پنج‌قرانی زیر جانمازم بود. اما اگر بعد از نماز صبح برمی‌خاستم، از پنج‌قرانی خبری نبود و همین باعث تشویق من شد تا قبل از اذان صبح برخیزم و در همان کودکی به نماز شب روی آورم. اما حالا که لذت معنوی آن را درک کرده‌ام، هرگز حاضر به ترک آن نیستم. (۱)

این داستان از حضرت آیت‌الله بروجردی نشان می‌دهد که والدین ایشان با استفاده از تکنیک شرطی عاملی، (۲) پیامد نماز را با همراهی پنج‌قرانی برای فرزندشان، خوشایند کرده‌اند و به این طریق، نماز شب خواندن در ایشان شکل گرفته است. بعدها تقویت‌های درونی جانشین تقویت بیرونی (پنج‌قرانی) شده است.

بر مبنای آنچه گفتیم، باید زیباترین و خوشایندترین اوقات کودکان ما در کانون خانواده و مدرسه، زمانی باشد که ما بزرگ‌ترها، یعنی والدین و مریبان، آماده‌اقامه نماز می‌شویم. زمان اقامه نماز که می‌رسد، با وجود فشار کاری و خستگی که در چهره مریبی نمایان است، چهره‌اش باید شاداب و باطراوات شود و هنگام وضوگرفتن، خشم و عصبانیتش از برخی فرزندان، فروکش کند (۳) و چهره‌ای متبسم و مهربان بیابد. آنگاه که به نماز ایستاد، آن چنان باشد که گویی گمشده‌اش را یافته است: آرام و باصلابت، متین و مطمئن و استوار. کودک وقتی این حالت را مشاهده کند، در روح و روانش احساسی بسیار لطیف و خوشایند جلوه‌گر شده، به نماز و نمازگزار علاقه‌مند می‌شود. این است که انسان باید

ص: ۵۹

۱- جواد نعیمی، شوق پرواز.

۲- این نظریه توسط ثرندایک مطرح شد و توسط اسکینر تکمیل گردید. براساس این دیدگاه، یادگیری در اثر پیوند محرک و پاسخ که در اثر آن پیامد، ایجاد می‌شود، به وجود می‌آید. به عبارتی دیگر، اگر پیامد رفتاری برای جاندار مطلوب باشد، رابطه محرک و پاسخ نیرومند می‌شود. براساس این رویکرد، رفتار از طرف جاندار بر محیط عمل می‌کند. هر رفتاری پیامدی دارد. اگر پیامد رفتار برای فرد خوشایند باشد (فرد تقویت دریافت کند)، رفتار ادامه می‌یابد و اگر پیامد ناخوشایند باشد (فرد تقویت دریافت نکند)، رفتار خاموش می‌شود؛ یعنی تکرار نمی‌گردد. تداوم رفتار نشان‌دهنده این است که رفتار را یاد گرفته است (شرطی شده است). براساس نظر اسکینر، جاندار فعالانه رفتاری را بروز می‌دهد. پیامد رفتار نشان‌دهنده آن است که رفتار آموخته شده است، یا نه؟ (علی اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتاردرمانی در نظریه‌ها و روش‌ها).

۳- پیامبر رحمت^ﷺ می‌فرماید: «اگر عصبانی شدید، وضو بگیرید. همان طوری که آب آتش را خاموش می‌کند، وضو نیز خشم را فرو می‌نشاند» (نهج الفصاحه).

لطیف ترین و عارفانه ترین حالت و زیباترین صورت را در نماز داشته باشد. (۱)

۲.۱.۳. استفاده از بهترین زمان و مناسب ترین مکان برای القای آموزه های دینی

توجه به موقعیت زمانی و مکانی خاص، در تقویت روحیه دینی و برای آموزش ارزش ها بسیار مهم است. توصیه می کنم برای القای آموزه های دینی، از بهترین زمان و مناسب ترین مکان ها استفاده کنید. بهترین زمان، زمان شادابی (۲) کودک است.

چو شادی بکاهد، بکاهد روان

خرد گردد اندر میان ناتوان (۳)

نشانه های آمادگی نداشتن را از حالت چهره و رفتار و بهانه گیری های کودک می توانیم بفهمیم. باید از زمانی استفاده کنیم که دل او آمادگی داشته باشد. امام علی علیه السلام می فرمایند:

إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالَ وَادْبَارًا، فَأْتُوها مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِها وَإِقْبَالِها، فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ؛ (۴)

دل ها را میل و روی آوردن و پشت کردن است. از راه میل و روی آوردن دل ها به سوی دل ها آید؛ چرا که دل وقتی به کاری مجبور گردد، کور شود.

امام رضا (ع) نیز در این باره می فرمایند:

إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَادْبَارًا وَنَشَاطًا وَفُتُورًا...؛ (۵)

برای قلب ها، حالت های صفا و کدورت و نشاط و سستی وجود دارد. هرگاه حالت اقبال و آمادگی برایتان ایجاد شد، از این فرصت، برای عبادت و ذکر خدا استفاده کنید.

آیا ما مراقب اقبال و ادبار قلب ها هستیم و ظرفیت کودکان را که در لحظه ها و موقعیت های گوناگون در نوسان است، رعایت می کنیم؟ زمان شادابی کودک، وقتی است که به او هدیه ای می دهیم، یا زمانی که در حضور تعداد بسیاری کودک دیگر، به او به عنوان برگزیده تحصیلی و اخلاقی و ورزشی جایزه می دهیم. این، بهترین موقعیت برای القای درگوشی ارزش هاست؛ زیرا او در این زمان، بهترین موقعیت و شیرین ترین خاطره ها را سپری می کند و هیچ گونه مقاومتی نخواهد کرد.

زمانی که به اتفاق کودک به اردوهای دسته جمعی، مسافرت، پارک، دریا، جنگل، سینما، استخر و رستوران می رویم یا زمانی که کودک را به مهمانی می بریم و خودرو و وسایل دلخواه او را می خریم، کودک بسیار خوش حال است. بهترین زمان و مناسب ترین مکان برای القای

۱- یا بنی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ (اعراف، ۳۱).

۲- شاد و شاداب بودن کودکان، موجب تقویت روحیه، انگیزه، عزت نفس و پایداری آن‌ها می‌شود (مهدی نیک‌خو، گلبرگ زندگی، ص ۶۳).

۳- فردوسی.

۴- نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، حکمت ۱۹۳.

۵- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۴.

آموزه های دینی به او، همین موقعیت هاست؛ البته بدین شرط که در القای مطالب دینی زیاده روی نکنیم.

علاوه بر این ها، آموزش ارزش ها باید با موقعیت های گوناگون تناسب داشته باشد. برای نمونه، زمان هدیه دادن، خرید خودرو یا منزل، حضور در رستوران و... با آموزش شکرکردن خداوند تناسب دارد. زمان حضور در کوه و جنگل و دریا، هنگام آموزش قدرت و عظمت خداوند است. زمان مسافرت، موقعیت خوبی برای دیدار از مکان های مقدس، زیارتگاه ها، مقبره بزرگان دینی و علمی، شاعران و اندیشه وران وارسته است. مریبان می توانند در چنین لحظاتی با ذکر جمله هایی کوتاه، ارزش ها را به کودکان خود القا کنند.

دلیل استفاده از موقعیت های زمانی و مکانی خوب، این است که کودک بهترین و شیرین ترین لحظات زندگی خود را می گذراند و اگر در آن هنگام، یکی از ارزش های دینی را به اختصار به او القا کنیم، آن را بدون کمترین مقاومت روانی خواهد پذیرفت. مثال: فرزند شما در درس هایش موفق بوده است و اکنون که کارنامه قبولی خود را آورده است، او را با جایزه مناسب تشویق می کنید. لحظه ای که هدیه را به او می دهید، بهترین لحظات خود را می گذراند و آمادگی دارد که ارزش احترام به مریبان را به او گوشزد کنید.

۳.۱.۳. توأم کردن نماز با تجربه های متنوع و خوشایند برای کودکان و نوجوانان

با در نظر گرفتن اصولی که به طور اختصار به آن ها اشاره کردم، باید سعی کنیم توجه کودک به ارزش و اهمیت نماز و بالطبع یادسپاری آن را با موقعیت های خوشایند و دوست داشتنی همراه کنیم. در این موقعیت، بازآفرینی آموخته ها راحت تر و لذت بخش تر خواهد بود. برای نمونه، اقامه نماز همراه با اعضای خانواده و فامیل، همراه با بچه ها و بزرگ سالان، اقامه نماز در نماز جمعه، برپایی نماز در مدارس همراه با معلمان و مریبان و... می تواند برای کودکان و نوجوانان بسیار خوشایند و دوست داشتنی باشد.

در خانواده و مدرسه باید بهترین وضعیت عاطفی و روانی و نهایت خوش رویی اولیا و مریبان به هنگام نماز فراهم باشد؛ تاجایی که کودکان در انتظار وقت نماز و نماز خواندن والدین و مریبان باشند. با رعایت این نکات، کودکان و نوجوانان با نماز خو می گیرند و شیفته آن خواهند شد. (۱)

۴.۱.۳. استفاده بهینه و مناسب از فضای مسجد و نمازخانه برای القای آموزه های دینی

فرزندان در خانواده دینی و اسلامی باید از نگرشی مثبت و خوشایند به اماکن مقدس، همچون مساجد و نمازخانه ها، برخوردار باشند. مسجد و نمازخانه باید احساسات و خاطره های زیبا و به یادماندنی را برای کودکان و نوجوانان ما تداعی کند. سرانجام، باید تدبیری اتخاذ کنیم که کودکان، مسجد و نمازخانه را محلی آرامش بخش و زیبا و دوست داشتنی بدانند.

ص: ۶۱

توصیه هایی در این باره:

۱. برگزاری برنامه های تفریحی کودکان در نمازخانه یا مسجد؛ (۱) البته با رعایت قداست و حرمت حریم مساجد؛
۲. اجرای برنامه های متنوع و شاد؛
۳. اجرای نمایشنامه و تئاتر و سرود؛
۴. رعایت تمیزی و نظافت؛
۵. آذین بندی و زیباسازی در و دیوارها در عین رعایت اصل سادگی؛
۶. نصب جملات زیبا و تأثیرگذار، بی آنکه تنها جملات سیاسی و مکرر و معمولی را به کار گیریم؛
۷. استفاده از رنگ های آرامش بخش، همچون آبی و نیلی و فیروزه ای؛
۸. بهره گیری از شیوه معماری مبتنی بر طبیعت آفرینش. اشکال هلالی و قوسی در بنای مساجد و نمازخانه ها (۲) نمای آرامش بخش و جلوه خاصی به ساختار ظاهری آن می بخشد؛
۹. معطر کردن فضای این اماکن به بوی خوش عود و عطر و گلاب؛
۱۰. پخش طنین دل نشین اذان یا اجرای آن توسط مؤذنی خوش صدا؛
۱۱. حضور فعال مربیان و معلمان در نمازجماعت. این امر موجب همانندسازی رفتار کودکان با مربیان می شود؛
۱۲. برخورد مربیان، معلمان، ائمه جماعات و خادمان نمازخانه ها و مساجد با کودکان با چهره ای گشاده و متبسم، توأم با محبت، احترام و درهمان حال توجه دادن به رعایت شئون مسجد و وظایفشان در قبال این اماکن مقدس؛
۱۳. اجتناب از توییح و تنبیه کودکان و دانش آموزان در محیط نمازخانه و مسجد؛
۱۴. تهیه کردن لذتی مادی یا معنوی، مانند غذا و شربت و چای یا تشویق و تأییدی برای کودکان پس از پایان این مراسم، تا شرکت آنان در چنین جلساتی لذت بخش و شیرین باشد؛
۱۵. واگذاری مسئولیت اداره نمازخانه به خود کودکان؛
۱۶. سپردن مسئولیت هایی در اداره امور مساجد و نمازخانه ها و نیز مراسم گوناگون دینی، متناسب با سن آن ها. این گونه، حضور خویش را در مسجد و نمازخانه فعال و مؤثر می بینند. درمقابل به دلیل این حضور فعال و مؤثر باید از آنان قدردانی کنیم. (۳)

- ۱- انحصار مسجد به نماز، خلاف سنت و سیره اسلامی است. مطالعه عصر پیامبر نشان می دهد که مسجد همه چیز است: پایگاه تصمیم گیری سیاسی، اجتماعی، نظامی، عبادی و فرهنگی. مسجد باید مجتمع باشد و امکانات هنری، ورزشی، نمایشی و کتابخانه با شیوه های نو، در کنار مسجد و به عنوان جزئی از پیکره مسجد وجود داشته باشد.
- ۲- امروزه می توانیم به راحتی و با هزینه کم، این اشکال را از فروشندگان پارچه ها و کتیبه های مذهبی یا برخی از افراد هنرمند که در زمینه کار با آکاستیو مهارت دارند، تهیه کنیم.
- ۳- امروزه از جمله برنامه های آموزش دینی مسیحیت این است که در روزهای یکشنبه، همه افراد خانواده به کلیسا می روند. در اتاق های مختلف کلیسا، مربیان گوناگون برای هر گروه سنی، حتی کودکان دو و سه ساله، به طور مجزا مطالبی را فراخور درکشان بیان می کنند و بزرگ سالان هم در کلاس هایی که مخصوص آن هاست، شرکت می نمایند و سپس همه در مراسم عمومی به صحبت های کشیش گوش می کنند. اگرچه ما در صدد تقلید از آن ها نیستیم، اما توجه به ریشه های چنین روش هایی برای ما ضروری است (علی شریعتمداری، تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۶۴ و ۶۵).

پرواضح است که این قبیل کودکان و دانش آموزان، ماه‌ها بلکه سال‌ها قبل از سن تکلیف، آمادگی روانی لازم را برای نماز خواندن پیدا می‌کنند. همچنین نماز خواندن برای آنان زیبا و خوشایند جلوه‌گر می‌شود؛ چراکه نمازخانه و نمازخواندن را دوست دارند. آری، هنگامی که مکان مقدسی چون مسجد و نمازخانه، حواس مختلف کودکان و نوجوانان (بینایی، شنوایی، بویایی و...) (۱) را به نیکوترین وجه متأثر کند، یقیناً همه وجودشان آکنده از احساسات زیبا درباره نمازخانه و مسجد خواهد شد.

۲.۳. روش القای غیرمستقیم

اشاره

القای ارزش‌های دینی، تا حدود شش سالگی به طور مستقیم ممکن است؛ زیرا کودکان تا این سن، مقاومت روانی درمقابل آموزه‌های دینی ندارند. از این سن به بعد، با توجه به افزایش مقاومت روانی آنان، باید از شیوه القای غیرمستقیم استفاده کنیم.

استفاده از روش‌های غیرمستقیم در آموزش ارزش‌های دینی بسیار مفیدتر و مؤثرتر از روش‌های مستقیم است. در چنین آموزشی، مربی بی‌آنکه مستقیماً مربی را خطاب کرده، امر و نهی و توصیه کند و به طور مستقیم به بحث درباره موضوعی پردازد، این آموزش را به طور غیرمستقیم انجام می‌دهد. باید به غیرمستقیم بودن آموزش به عنوان اصل در آموزش ارزش‌های دینی، توجه کنیم:

۱.۲.۳. آموزش غیرمستقیم

آموزش غیرمستقیم امتیازاتی دارد: (۲)

۱. تذکر زیاد و متوالی سبب پیدایش لجاجت و مقاومت منفی می‌شود. از این رو باید در تربیت، نصیحت و انتقاد را به کمترین مقدار برسانیم و از خطاهای جزئی با سعه صدر بگذریم؛

۲. ممکن است آموزش مستقیم، با مقاومت روحی فراگیر روبه‌رو شود. احساس غرور و خودخواهی مربی و احساس خفت ناشی از پذیرش خطا، این مقاومت را سبب می‌شود. در آموزش غیرمستقیم این مقاومت به وجود نمی‌آید؛

۳. بیان ایرادها و ارائه نصایح به دانش آموز، احساسات او را جریحه دار می‌سازد و این توهم را برای او به وجود می‌آورد که معلم قصد اثبات

ص: ۶۳

۱- مهم‌ترین بخش دستگاه روانی ما، دستگاه شناخت است. دستگاه شناخت ما در قدم اول از حواس پنج‌گانه ما تشکیل شده است. ما به کمک این حواس با عالم خارج ارتباط برقرار می‌کنیم. از این طریق، اطلاعاتی را به درون سیستم فکری خود برده

و از طریق پردازش این اطلاعات، اندیشه خود را گسترش می دهیم. در پشت حواس ظاهری ما، ادراک وجود دارد. به این ادراک، «ادراک حسی» می گویند. ادراک حسی یعنی توانایی شناخت پیام های حسی. وقتی صدایی را می شناسیم و آن را مورد شناسایی قرار می دهیم، در اصطلاح می گوئیم این صدا را ادراک کرده ایم (علی اصغر احمدی، کندوکاو، ص ۹۲).

۲- محمد علی سادات، راهنمای معلم، ص ۴۲ و ۴۳.

برتری خود و گناه، تحقیر وی را دارد. آموزش غیرمستقیم چنین توهم و اثر سویی را به دنبال ندارد. از این رو، معلم باید به طریقی، اعتماد دانش آموز را به خیر خواهی و دلسوزی خویش جلب کند و تواضع و متانت را در این راه افزایش دهد. بهتر است تذکرات اخلاقی مستقیم را به طور انفرادی و در بیرون کلاس بیان کند.

می توانیم متناسب با موضوع های آموزشی، شیوه های گوناگونی را برای آموزش غیرمستقیم به کار بگیریم. استفاده از هنر و داستان گویی و کتاب هایی که ارزش های اخلاقی را در قالب داستان و حتی ضرب المثل های شیرین فارسی ارائه می کنند، بسیار مؤثر است. علاوه بر این، بیان فزاینده از شرح حال بزرگان، دانشمندان، قهرمانان و... از جمله دیگر روش های غیر مستقیم به شمار می رود.

در آموزش غیرمستقیم، باید از نتیجه گیری های صریح و توصیه آن ها به دانش آموزان اجتناب کنیم و این امر را برعهده خود آنان قرار دهیم تا آموزش از حالت غیرمستقیم خارج نشود.

۲.۲.۳. روش گفت و گو، روش استفهامی (غیرمستقیم)

درباره روش گفت و گو بین مربی و متربی، به روش گفت و گویی اشاره می کنم که قرآن بارها از آن استفاده کرده است. در این روش، مسائل را به صورت استفهامی طرح می کنند و پاسخ آن را به عهده وجدان های بیدار می گذارند. این گونه، پاسخ از درون جان افراد می جوشد. در نتیجه، همچون فرزندشان به آن عشق می ورزند و آن را پذیرا هستند.

از نظر روانی ثابت شده است که برای تعلیم و تربیت صحیح، باید فراوان کوشش کرد تا طرف مقابل، مطالب را از خود بداند؛ یعنی احساس کند از درون خودش جوشیده است و از بیرون به او القا نشده است. این گونه، با تمام وجودش آن را قبول کرده، از آن دفاع می کند.

قرآن مجید بسیاری از حقایق مربوط به معارف دینی و اخلاقی و اجتماعی را در قالب پرسش طرح کرده، دو طرف مسئله را در اختیار شنونده (یا مخاطب) می گذارد تا با فکر خود، یکی را انتخاب کند. این روش غیرمستقیم، برنامه های تربیتی را بسیار تأثیر گذارتر می کند؛ زیرا انسان به طور معمول به افکار و برداشت های خود از مسائل مختلف، بیش از هر چیز اهمیت می دهد.

گاهی که مسئله به صورت مطلبی قطعی و جزئی مطرح می شود، فرد درمقابل آن، مقاومت به خرج می دهد و همچون فکری بیگانه به آن می نگرد؛ ولی هنگامی که به صورت پرسش مطرح می شود و فرد پاسخ را از درون وجدان و قلب خود می شنود، آن را فکر و تشخیص خود می داند و به عنوان فکر و طرحی آشنا به آن می نگرد؛ از این رو، درمقابل آن مقاومت نشان نمی دهد. این طرز تعلیم، مخصوصاً در برابر افراد لجوج و همچنین در برابر کودکان، مؤثر است. (۱) در قرآن، از این روش فراوان استفاده شده است. به چند نمونه از آن اشاره می کنم:

افمن یخلق کمن لا یخلق افلا تذکرون؟ (۲)

آیا کسی که می آفریند، همچون

ص: ۶۴

۱- شهین لودین، کاربرد دریچه های پنهان تربیت، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.

۲- نحل، ۷.

کسی است که نمی آفریند؟ آیا متذکر نمی شوید؟

هل یتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون؛ (۱)

آیا دانایان با نادانان مساوی اند؟

علاوه بر قرآن کریم، معصومان نیز در برخورد با نوجوانان و جوانان و حتی بزرگ سالان، این گونه عمل کرده، از امر و نهی زیاد پرهیز می کردند. حُریر می گوید:

اسماعیل فرزند امام صادق مقداری پول داشت. وقتی مردی از قریش عازم یمن بود، اسماعیل خواست پول خود را به آن مرد بدهد تا برای او کالایی خریداری کند [تجارت کند]. با امام مشورت کرد. امام فرمود: «این کار را نکن.» بلکه فرمود: «عزیزم، آیا نشنیده ای او شراب خوار است؟» اسماعیل عرض کرد: «مردم چنین می گویند.» امام فرمود: «خداوند می فرماید:

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ (۲)

هرگاه مؤمنان نزد تو شهادت دادند، آن ها را تصدیق کن.» (۳)

چنان که در این سیره مشاهده می کنیم، امام فرزند خویش را به طور مستقیم منع نکردند؛ بلکه با مطرح کردن یک پرسش و نیز با بیان یک استدلال، به صورت غیر مستقیم او را از این کار باز داشتند. امام صادق وقتی می خواهند به فرزند خود بگویند: «لباست بلند است، آن را کوتاه کن.» به جای امر کردن، می گویند:

يا بُنَيَّ أَلَا تَطْهَرُ قَمِيصَكَ؛ (۴)

عزیزم، آیا پیراهنت را پاکیزه نمی کنی؟

امام رضا نیز این گونه عمل می کنند:

عده ای در خراسان خدمت امام رسیدند و عرض کردند: «گروهی از اهل بیت شما کار زشتی انجام می دهند. ای کاش آن ها را نهی می کردید.» امام فرمودند: «من این کار را نمی کنم.» پرسیدند: «چرا؟» امام فرمودند: «از پدرم شنیدم که فرمود: نصیحت خشن است [و بر دیگران سخت می آید.]» (۵)

از این رو، معصومان دیگران را کمتر به صورت مستقیم از کاری نهی می کردند؛ بلکه به شیوه های گوناگون آن ها را از کار خلاف باز می داشتند.

عایشه می گوید:

هرگاه به رسول خدا (ص) خبر می رسید که کسی، فلان حرف را

۱- زمر، ۹.

۲- توبه، ۶۱.

۳- بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۷۳.

۴- فروع کافی، ج ۵، باب تشمیر الثیاب، ص ۴۵۶.

۵- اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۸۶؛ اگر مراد از «قیحه» در روایت امام رضا علیه السلام محرمات باشد، این روایت با وجوب امر به معروف و نهی ازمنکر منافات دارد. بنابراین، باید گفت مراد از امور قبیحه، قبیح عرفی است، یا اینکه اصحاب به اشتباه این امور را قبیح می دانستند، ولی از نظر امام قبیح نبوده، یا اینکه برای امام مسلم نبوده است که اهل بیت او کار قبیحی انجام داده باشند. از این رو، امام بدین طریق هم به اصحاب خود پاسخ داده اند و هم به این حقیقت اشاره کرده اند که نصیحت کردن دیگران، برای نصیحت شونده سخت و گران می آید. علاوه بر این، کلمة النَّصِيحَةُ خَشَنَةٌ شاهد بر این است که درخواست یاران از امام، جنبه نهی ازمنکر ندارد؛ بلکه نصیحت و توصیه در امور عرفی و عادی است.

زده است، پیامبر(ص) به او نمی گفت: «چرا؟» بلکه به صورت کلی می گفت: «چرا بعضی این گونه حرف می زنند؟» (۱)

ابن عباس می گوید:

فضل بن عباس روز عرفه کنار پیامبر ﷺ ایستاده بود و به زن ها نگاه می کرد. پیامبر ﷺ چندین بار با دست خویش، روی او را از زن ها برگرداندند؛ ولی این جوان دوباره به طرف زن ها برمی گشت. پیامبر(ص) فرمودند: «پسر برادر، هر کس در این روز، مالک چشم و گوش و زبان خود باشد، خدا او را می آمرزد.» (۲)

شاید بتوانیم بگوییم: معصومان ﷺ در برخورد با کودکان، حتی به صورت غیرمستقیم، کمتر آن ها را نهی می کردند.

مردی در میان مسلمانان بود که شاخه یکی از درختان خرماى او بالای خانه مرد فقیر عیالمندی قرار گرفته بود. صاحب نخل هنگامی که بالای درخت می رفت تا خرماها را بچیند، گاهی چند دانه خرما در خانه مرد فقیر می افتاد و کودکانش آن را برمی داشتند. آن مرد از نخل فرود می آمد و خرما را از دستشان می گرفت (و آن قدر بخیل و سنگ دل بود که) اگر خرما را در دهان یکی از آن ها می دید، انگشتش را در داخل دهان او می کرد تا خرما را بیرون آورد.

مرد فقیر به پیامبر(ص) شکایت آورد. پیغمبر ﷺ صاحب نخل را ملاقات کرد و فرمود: «این درختی که شاخه هایش بالای خانه فلان کس آمده است، به من می دهی تا درمقابل آن، نخلی در بهشت از آن تو باشد؟» مرد گفت: «من درختان نخل بسیاری دارم و خرماى هیچ کدام به خوبی این درخت نیست (و حاضر به چنین معامله ای نیستم.)» کسی از یاران پیامبر ﷺ این سخن را شنید. عرض کرد: «ای رسول خدا، اگر من بروم و این درخت را از این مرد خریداری و واگذار کنم، شما همان چیزی را که به او می دادید، به من عطا خواهی کرد؟» فرمود: «آری.»

آن مرد رفت و صاحب نخل را دید و به او گفت: «آیا می خواهی آن را بفروشی یا نه؟» گفت: «نمی فروشم، مگر آنکه مبلغی را که گمان نمی کنم کسی بدهد، به من بدهی.» گفت: «چه مبلغ؟» گفت: «چهل نخل.»

خریدار تعجب کرد و گفت: «عجب بهای سنگینی برای نخلی که کج شده، مطالبه می کنی! چهل نخل؟!» سپس بعد از کمی سکوت گفت: «بسیار خوب، چهل نخل به تو می دهم.»

مرد سپس خدمت پیامبر(ص) آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا، نخل به ملک من در آمد و تقدیم (محضر مبارکتان) می کنم.» رسول خدا(ص) به سراغ خانواده فقیر رفت و به صاحب خانه گفت: «این نخل از آن تو و فرزندان تو است.» (۳)

ص: ۶۶

۱- ابن حیان اصبهانی، اخلاق النبى ﷺ، ص ۶۴، عن ابن محمد عبد الله بن محمد بن جعفر

۲- ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۵۴.

۳- تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۸۷؛ در بعضی از روایات آمده است که خریدار شخصی به نام ابودحداح بود و آیات ۵ تا ۷ سوره

ليل در شأن او نازل شده است.

چنان که از این داستان روشن می شود، پیامبر ﷺ نه کودک را از این کار منع کردند و نه به پدر سفارش کردند که او را از این کار منع کند؛ بلکه زمینه ای فراهم کردند که کودک به خواسته اش برسد. اگر پیامبر ﷺ گاهی کودکان را نهی می کردند، آن ها را به طور کامل باز نمی داشتند؛ بلکه راه هایی برای آن ها باز می گذاشتند یا راه دیگری ارائه می کردند. عموی ابو رافع بن عمرو می گوید:

در کودکی به نخل های انصار سنگ می زدم تا خرما بیفتد و بخورم. انصار به پیامبر ﷺ شکایت بردند. آن حضرت به سراغ من آمدند و فرمودند: «چرا به نخل ها سنگ می زنی؟» گفتم: «برای اینکه خرما بخورم.» فرمودند: «به نخل ها سنگ نزن، بلکه از آنچه زیر آن ها ریخته است، بخور.» و دستی بر سرم کشیدند و فرمودند: «خدایا، شکم او را سیر کن.» (۱)

گاهی معصومان ﷺ به جای نهی کردن کودکان، آن چیز را از دسترس آنان دور می کردند یا از بین می بردند. امام صادق ﷺ از پدران خود نقل می کنند:

علی (ع) کودکی را دیدند که سرش را با پوششی پوشانده بود که تیغی آهنی در آن بود. امام آن را گرفتند و دور انداختند؛ چون کراهت داشت کودک چیزی آهنین بپوشد. (۲)

ممکن است به نظر آید این بحث با وجوب نهی از منکر مخالف است. باید توجه کنیم:

۱. اینجا سخن از کودکان و نوجوانانی است که هنوز به سن تکلیف نرسیده اند. نهی از منکر درباره آن ها، از واجبات اسلام نیست؛

۲. این گونه برخوردها، حتی با جوانان و بزرگ سالان، در سیره معصومان ﷺ فراوان مشاهده می شود؛ ولی در خصوص اموری است که به حدّ حرام قطعی نرسیده و از مکروهات یا امور قبیح عرفی و خلاف ادب است؛

۳. این گونه برخورد به معنای ترک نهی از منکر نیست؛ بلکه نهی کردن از منکر است به شیوه های خاص. گاه ممکن است این شیوه ها تأثیر بیشتری از نهی مستقیم داشته باشد، یا دست کم آثار سویی که نهی مستقیم در پی دارد، در آن ها وجود نداشته باشد. برای نمونه، برخورد مستقیم پیامبر ﷺ با فضل بن عباس را در عرفات، می توان از این قبیل دانست.

در اینجا با ذکر چند نمونه به دو روش گفت و گو با فرزند درباره نماز اشاره می کنم که روش گفت و گوی صحیح یا القای (۳) صحیح آن را مشخص کرده ام:

ص: ۶۷

۱- همان؛ محمد محمدی ری شهری، حکمت نامه کودک، ص ۱۹۲، حدیث ۲۹۵.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۰۲.

۳- در القایی که برای کودک داریم، سعی بر این است که برای آن بُعد مثبتی قائل شویم و از القائات منفی دور و برکنار

بمانیم. فی المثل به جای ذکر این عبارت که «دزدی بد است»، باید گفت: «امانت داری خوب است.» به جای عبارت «روی دیوار راه نرو که سقوط می کنی.» باید گفت: «روی زمین راه برو که سالم بمانی» و... چراکه در نفی، هم نفی آموزشی است و هم بدآموزی است (علی قائمی امیری، حدود آزادی در تربیت، ص ۱۵۰).

به جای گفتن: بگوئیم:

این طرز نماز خواندن غلطه. طرز درست نماز خواندن چگونه؟

زود باش، وقت نماز دیر شد. فکر می کنی الآن وقت چیه؟

صد بار گفتیم: «نماز را به موقع بخون.» من درباره چی بارها به تو تذکر داده ام؟

یادت باشه صبح زود بیدار شی که نمازت قضا نشه.

فردا صبح باید کی بیدار شی؟

کدوم کارو صبح زود باید انجام بدی؟

این قدر نماز رو سریع نخون. چگونه می تونی نماز را با آرامش بخونی؟

ثواب خواندن نماز در مسجد خیلی بیشتر از خونه است. خواندن نماز، کجا ثواب بیشتری داره؟

این طرز نماز خواندن را خدا قبول نمی کنه. فکر می کنی خدا کدوم نماز رو بیشتر قبول می کنه؟

این وضویی که گرفتی، باطله. زود باش دوباره وضو بگیر. می تونی یک بار برام وضوی صحیح بگیری؟

اگه نماز را به موقع بخونی، جایزه می گیری. وقتی نماز را به موقع می خونی، چه احساسی داری؟

اگه نماز را ترک کنی، خدا هم باهات قهر می کنه. اگه نماز رو ترک کنی، چی می شه؟

اگه نماز رو نخونی، خدا تو رو به جهنم می بره.

خدا منتظر شنیدن صدای یکی از فرشته های زیبای خودشه. او را زیاد منتظر نگذار.

کسی که نماز می خونه، نباید گناهی مرتکب بشه یا کار زشتی انجام بده. کسی که اهل نمازه، باید از چه کارهایی دوری کنه؟

۳.۲.۳. راهکارهای القای غیرمستقیم

۱.۳.۲.۳. داستان

اشاره

گفته آید در حدیث دیگران (۲)

ارزش های دینی را می توان در قالب داستان ارائه کرد: برای کودکان، قصه گویی(۳) و قصه خوانی و برای نوجوانان، هدیه دادن کتاب های داستان و... قرآن این درس را به ما می دهد. خدای متعال در قرآن کریم با داستان حضرت موسی و مرد صالح، درس تواضع و بردباری در برابر معلم، با داستان اصحاب لوط و حضرت یوسف و درس عفت و پاک دامنی، با داستان آدم و حوا، آموزش دوری از شیطان و نیز با قصه حضرت مریم و آموزش پاک دامنی و توکل به خدا را به ما ارائه می کند.

ص: ۶۸

۱- داستان، در مفهوم عام خود یک کار هنری است که بر بنیان هندسی خاصی پایه گذاری شده و نویسنده آن، یک یا چند حادثه، وضعیت، قهرمان و محیط را از خلال زبان «توصیف» یا «گفت و گو» یا هر دوی آن ها می آفریند. زبان داستان زبانی است که نویسنده می تواند مقصود خود را ساده تر و روشن تر بیان کند و درعین حال، مخاطب خود را به طور غیرمستقیم به سوی هدفی خاص هدایت و ارشاد نماید (محمود بستانی، اسلام و هنر، ص ۶۵).

۲- دیوان حافظ

۳- افلاطون می گوید: «باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایاتی را که پذیرفته اند، برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند که پرورشی که روح اطفال، به وسیله حکایات حاصل می کند، به مراتب بیش از تربیتی است که جسم آن ها به وسیله ورزش پیدا می کند» (صادقی، اصول ادبیات کودکان، ص ۷۶، به نقل از: جمهور افلاطون، ص ۱۰۳).

در داستان، الگوها و شخصیت‌ها و حوادث و پیام‌ها، تأثیر بسیاری در ذهن و اندیشهٔ کودک به جای می‌گذارند. از نظر روانی، قوت طرح و فضای قصه، شخصیت کودک را متأثر می‌سازد و او را آن‌چنان در خود فرو می‌برد که کودک، اغلب بی‌آنکه حس کند، در قالب قهرمان یا راوی داستان می‌رود و به شکلی با آن گره می‌خورد که گویی خودش ماجراها و صحنه‌های قصه را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد. در آن هنگام، ضربهٔ کاری اما نامحسوس و پیام مدنظر القا می‌شود. (۱)

۱.۱.۳.۲.۳ شیوهٔ آموزش داستان‌های دینی

نقش ویژهٔ آموزش دینی کودکان را باید به داستان‌ها متعلق دانست. علاقهٔ وافر کودکان به داستان، قالب جذاب آن و زبان ساده‌ای که در طرح معارف دینی دارند، سبب می‌شود تا بخش عمدهٔ تعلیم و تربیت دینی کودکان از این رهگذر انجام پذیرد. هرچه استفاده از داستان‌های مناسب بیشتر باشد، تأثیر این آموزش و رسیدن آن به مقاصد مدنظر ساده‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد. هرگاه کلام معلم و بیان کتاب از داستان و داستان‌گویی تهی بماند یا از آن کمتر اثر پذیرد، جز خستگی و دل‌زدگی و گاه تنفر کودک، چیزی به دنبال نخواهد داشت و چنانچه اثر معکوس نداشته باشد، به نتیجهٔ مطلوب نیز نخواهد رسید.

۲.۱.۳.۲.۳ ویژگی‌های داستان خوب

به طور کلی، مناسب بودن داستان را وضعیت سنی مخاطب، موقعیت اجتماعی، معتقدات و آداب و رسوم، وضعیت تاریخی و جغرافیایی و مکان و زمان قصه‌گویی مشخص می‌سازد. با این حال، باید برای انتخاب قصهٔ خوب، نکاتی را در نظر گرفت: (۲)

۱. طرح قصه باید طوری باشد که در مخاطب «انتظار» بیافریند. داستان‌های ملال‌آور، از این ویژگی بی‌بهره‌اند؛

۲. داستان و داستان‌گویی نباید بهانه و وسیلهٔ نصیحت‌های مستقیم و توجیه و تفسیر مسائل بزرگ ترها شود. پیام باید از خود داستان بجوشد و غیرمستقیم بر مخاطب‌ها اثر گذارد؛

۳. نباید پیام، زبان و مجموعهٔ واژگانی که در داستان وجود دارد، دور و بیگانه از سن کودکان باشد. کودکان در سنین پایین، به شنیدن داستان‌های عامیانه و داستان‌هایی از افراد و حیوانات و اشیای پیرامون تمایل بسیار دارند. در سنین بالاتر در دبستان، هم داستان‌های خیالی را می‌پسندند و هم به داستان‌های واقعی که از محیط اطرافشان پا را فراتر بگذارد، دل‌بستگی نشان می‌دهند؛

۴. آن‌گاه می‌توانیم شرح حال‌ها و سرگذشت‌ها را داستان‌گویی کنیم که به داستان نزدیک شده باشند، یعنی فراز و فرود و اوج‌گیری داشته باشند یا با ماجرای پی‌درپی بازگو شوند. در خاطره‌ها نیز باید این

-
- ۱- محمد تقی ملبوبی، تحلیلی نواز قصص قرآن، ص ۹۹.
 - ۲- مصطفی رحمان دوست، قصه گویی، اهمیت و راه و رسم آن

دل نشینی ها و انتظار آفرینی های قصه گنجانده شود تا امکان قصه شدن را پیدا کند؛

۵. حرکت کلی پیام نهایی داستان، باید در راه هدفی شایسته و خداپسندانه باشد تا بتوانیم بار مثبتی به آن ها بدهیم.

در انتخاب و تنظیم داستان های دینی باید خصوصیات داستان خوب و قالب های جذاب آن را در نظر بگیریم. از آن پس نیز مربی است که با تدبیر و خلاقیت خود، آن را به خوبی می پروراند و با توجه به مقتضای سن و حالات مخاطبان خود، آن را بازگو می کند. از این رو، لازم است تا معلم با راه و رسم داستان گویی آشنایی پیدا کنند و آن ها را به کار بندند. همچنین لازم است از دانش آموزان نیز بخواهند تا این روش ها را الگوی خود قرار دهند و داستان هایی پیدا کنند یا بسازند و به تدریج در کلاس بازگو کنند و معلم نیز بر شیوه اجرای آن ها نظارت کند.

نباید فراموش کرد که اگر از دین تنها تعداد زیادی داستان و افسانه تحویل مغز و ذهن لطیف و پذیرای دانش آموزان بدهیم، ممکن است چندی بدان سرگرم و دل خوش باشند؛ اما در هنگام رشد عقلی و فکری، آن ها را به دور اندازند و اصول دین را از ریشه خرافه بپندارند. از این رو، باید ابتدا در عین استفاده از روش داستان، زمینه بیان واقعیات پاک دینی را برای دانش آموزان فراهم کرد و کاملاً مواظب بود که داستان ها و مطالب و مفاهیم دینی از بدآموزی و خرافه بودن به دور باشند، تا هم از رسوخ واقعیت های نادرست در ذهن کودکان و هم تردیدهای آینده آنان جلوگیری کنیم. (۱)

۳.۱.۳.۲.۳. نکاتی مهم در آموزش داستان های دینی

۱. نخستین نکته ای که در انتخاب داستان ها و بیان آن ها برای کودکان باید مدنظر قرار دهیم، این است که این داستان چه تأثیری در روحیات لطیف و شاد آنان و نیز تکوین تصورات دیگرشان از مفاهیم دینی، خواهد گذاشت؟ درست است که قرآن و احادیث و کتاب های تاریخی، از داستان های واقعی و در همان حال جالب و آموزنده آکنده است، اما هر واقعیتی را نمی توان برای همه بازگو کرد. باید از خود پرسیم که داستان ذبح اسماعیل (ع) توسط پدرش ابراهیم (ع) در تصور کودک از مهر و عطوفت پیامبران خدا، چه تأثیری خواهد گذاشت؟ داستان غرق شدن عالم در آب و تنها نجات کسانی که بر کشتی نوح^۱ سوار بودند، در محبت و علاقه فطری کودک به خدا چه لطمه ای وارد می سازد؟

هرچند این داستان ها در سنین بالاتر، بسیار جذاب و آموزنده هستند، ولی درک آن ها برای کودک با محدودیت هایی که دارد، مشکل است. او از سویی می داند که این وقایع چون در قرآن آمده اند، صحیح و انکارناپذیر هستند و از سویی هضم این معنا که ممکن است خدای مهربان او، بشر را به دلیل گناهکاری اش، با آن شدت قلع و قمع کند و

ص: ۷۰

۱- برنامه تجدیدنظر شده دوره پنج ساله تحصیلی ابتدایی، برنامه تربیت و تعلیم دینی، دست نوشته محمدجواد باهنر.

تنها نوح(ع) و پیروانش را نجات دهد، مشکل می نماید.

برای فراگیران باید داستان هایی را نقل کنیم که تصورات آنان را تغذیه کند و آن ها را غنی سازد. این داستان ها را باید متناسب با اهداف آموزش دینی و در راستای آن گزینش کنیم. از آنجا که هدف اساسی از این آموزش در دوره ابتدایی، نخست جذب آنان برای پرورش و سپس تلاش در پرورش آنان است، باید از داستان هایی استفاده کنیم که چهره ای زیبا و دل نشین و مهربان را از خدا و پیامبران و امامان^۱ به نمایش می گذارد؛ به خصوص که داستان های مذهبی، با جنبه های احساسی بیشتر از جنبه های شناختی سروکار دارند.

۲. مناسب نبودن طرح داستان هایی این چنینی که سیمای خداوند را قرین با عذاب های پی در پی بدکاران معرفی می کند، تنها به سبب خام بودن و محدودیت قضاوت های کودکان پیش از اواسط دوره راهنمایی نیست؛ بلکه مشکل دیگری را نیز در پی دارد: کودکان با دو دسته از داستان ها و ماجراهای تاریخی برخورد خواهند کرد:

دسته نخست، داستان هایی است که در آن ها چهره ای محبت آمیز و سرشار از عشق و علاقه خداوند به داستان ها تصویر می شود، به خصوص آنچه به دنیای پس از اسلام و برداشتن عذاب های الهی مربوط است که به سبب پیشوایی انسان ها توسط پیامبر رحمت، حضرت محمد^۲ مقرر شده است؛

دسته دیگر، داستان هایی است که برخلاف دسته پیشین، چهره ای خشمگین و همراه با عذاب های سخت را ترسیم می کند.

از آنجا که کودکان قدرت ندارند در دانسته های خود، از دسته نخست به دسته دیگر منتقل شوند و درباره هر دسته، جدا از دسته دیگر قضاوت و بررسی کنند، هر کدام از این گروه از داستان ها، ظرف ذهنی آن ها را پُر ساخته، آنان را در قضاوت دچار توقف و سردرگمی می سازد. از این رو پیشنهاد می کنم که طرح داستان های دسته دوم را که قوه قهریه و غضبیه را به نمایش می گذارد، به زمانی موکول کنید که قدرت نگرش مقایسه ای و تطبیقی دانش آموزان به وجود آمده باشد. به این ترتیب، آموزش، راه صحیح خود را خواهد پیمود. این زمان، از اواسط دوره راهنمایی به بعد است.

به این ترتیب، آن ها، یا خدا را این گونه تصور می کنند که چهره او با نمود بیشتر خشمگینی و سخت گیری در گذشته، به چهره ای مهربان و بخشنده به خصوص پس از اسلام مبدل شده است، یا معتقد می شوند که خدای دیروز و امروز و فردا یکسان است، ولی در هر واقعه ای به طور خاص با ویژگی معینی شناخته شده است.

با این توضیحات، مشخص می شود که به طور کلی، یکی از وظایف عمده آموزش دینی این است که دانش آموزان را مجهز سازد تا به داستان های دسته دوم از خلال دسته اول بنگرند و با ارزش های اسلامی درباره آن ها قضاوت کنند. «لذا تازمانی که به این مهم دست نیافته اند و به مفاهیم واقعی دینی نزدیک نشده اند، طرح چنین داستان هایی را باید

به تأخیر انداخت.»^(۱) خطر بی توجهی به این نکته در محیط‌هایی افزون‌تر می‌شود که کودکان با مذهب، انس و الفت کمتری دارند و حالات منفی و انتقادی در آن‌ها غلبه بیشتری دارد.

از داستان‌های مناسب کودکان در تاریخ پیامبران، می‌توان به شکستن بت‌ها و در آتش افکنده شدن و تجدید بنای کعبه در تاریخ حضرت ابراهیم[□] و ماجرای حضرت یوسف[□]، حضرت موسی[□]، حضرت عیسی[□]، تاریخ زندگی پیامبر اسلام[□] و ائمه اطهار[□] اشاره کرد. از جمله داستان‌های نامناسب در این سنین، می‌توان غرق شدن عالم در تاریخ حضرت نوح[□]، عذاب‌های الهی سخت برای اقوام گذشته، حبس شدن حضرت یونس[□] در شکم ماهی و ذبح حضرت اسماعیل[□] توسط حضرت ابراهیم[□] را نام برد.

۳. داستان‌های دینی و وقایعی که به تاریخ پیامبر[□] و تاریخ اسلام مربوط می‌شود، در موقعیت خاص خود واقع شده‌اند و اوضاع و احوال و نیز ادبیات آن، متفاوت از آن چیزی است که کودکان به آن خو کرده‌اند. از این رو، باید زمینه‌هایی را در دانش‌آموزان فراهم کنیم تا درک درستی از آنچه می‌شنوند و می‌خوانند، داشته باشند. معلمان باید نکاتی را درباره زندگی، آداب و رسوم، خوراک، پوشاک و نوع معماری ساختمان‌های دوران‌های اشاره شده در این داستان‌ها بیان کنند، تا زمینه لازم برای طرح آن‌ها برای کودکان فراهم شود.

بدون توجه به این مسئله، کودکان همان تجربیات محدود خویش را به کار می‌گیرند و به تفسیر آنچه به آنان آموزش داده می‌شود، می‌پردازند. این کاستی، آموزش را مختل می‌کند و مانع رسیدن به اهداف مدنظر می‌شود؛ مثلاً کودکان جنگ‌ها و درگیری‌های رخ داده را با همان تکنولوژی و ادوات معاصر خود تصویر می‌کنند.

از طرفی هم اگر صحنه‌های مربوط به آن‌ها را در قالب تصاویر و با توصیف جزئیات این رخدادها مطرح کنیم، بی‌آنکه زمینه آشنایی کودکان با آن دوران مهیا شده باشد، ابهام و سردرگمی را به همراه خواهد داشت. کودکانی که در تصاویر کتاب دینی، مردم صدر اسلام را با لباس‌هایی بلند و ساختمان‌ها و محیط زندگی متفاوت و بیگانه از فرهنگ خود مشاهده می‌کنند، با پرسش‌ها و ابهام‌های متعددی مواجه می‌شوند. معلم می‌تواند این پرسش‌ها را با توضیحاتی درباره فرهنگ خاص مردم آن روزگار، مرتفع سازد.

ص: ۷۲

شعر(۱) استفاده از شعرهای ساده و دور از صناعات پیچیده ادبی می تواند راهکاری برای القای ارزش های دینی باشد. برای کودکان خردسال می توانید شعری را بگویید تا پس از حفظ، آن را زمزمه کند و ارزش ها به مرور برایش ملکه شود. مریبان می تواند درس های بسیاری را از قبیل اهمیت عبادت، سپاسگزاری به درگاه الهی، ساده زیستی، توکل به خدا، کمک به دیگران و... در قالب شعر به کودکان بیاموزند. برای نمونه، برای دختری که قرار است وارد نه سالگی شود و ایام عبادتش را آغاز کند، از چنین شعری استفاده می کنیم:

بوی بهار دارد چادر نماز مادر

در دست های او هست یک جانماز دیگر

ماه قشنگ امشب، مهمان خانه ماست

یک آسمان ستاره در انتظار فرداست

من می کنم دوباره رخت سفید بر تن

چون تا طلوع خورشید، نه ساله می شوم من (۲)

نمونه دیگر، درس نماز و تسبیح الهی:

خورشید زی-با دوباره س-ر زد

پ-رنده ش--ب دوب--اره پر زد

خروس خانه ت--رانه س-ر داد

وقت سحر را به من خبر داد

آمدم ب-ی-رون در ه--وای باز

وض--و گ--رف-تم ب-رای نماز

دیدم نشسته گنجشکی زیبا

ب-ر روی ش-اخه، آرام و ت-نها

جیک و جیک می کرد در آن صبح زود

گویی که او هم فکر خدا بود (۳)

نمونه دیگر:

سجاده ای از گل

من نماز را در چهارچوب قفس زندگی ام قاب می گیرم

دوست دارم آسمان را مانند چادر نماز سر کنم

و در کوچه پس کوچه های قلبم

به دنبال اذان می روم

دوست دارم سجاده ای از گل را بسازم

ص: ۷۳

۱- کودکان از ادبیات، اعم از تصویرها، نظم و نثر، آهنگین بودن و وزین بودن اشعار و مانند آن ها، به صورت فوق العاده ای لذت می برند. از طریق ادبیات، کودک می تواند از عالم واقع فاصله بگیرد و به خیال پردازی و تأمل و تفکر پردازد. به قول یکی از متخصصین، ادبیات در تربیت ذوق کودک اثر عمده ای دارد. از ده سالگی اغلب کودکان از زیبایی تصویر و زیر و بم شعر به وجد و حال آمده و لذت می برند و این حالات را ادراک می کنند. برخی از ایشان بر اثر تماس با ادبیات، مخصوصاً شعر، از این دوره راه فرار از واقعیت و پناه بردن به خیال و حتی تأمل و تفکر را پیدا می کنند... و بدین ترتیب، زمینه جستجوی زیبایی که در نزد کودک عزیز است، از این دوره فراهم می شود و حتی جست و جو شروع می شود. (حافظ ثابت، تربیت جنسی، ص ۱۰۷، به نقل از: موریس دبس، مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاردان، ص ۸۲).

۲- مهدی ماهوتی، جشن تکلیف.

۳- جعفر ابراهیمی (شاهد).

دوست دارم قبله ام را عطر آگین کنم

و با مرواریدهای اشکم

نقشی از نماز کشم

و آن را به دیوارهٔ قلبم آویزان کنم (۱)

نمونهٔ دیگر:

باز هنگام غروب

باز هنگام غروب، لحظهٔ پاک دعا

م-ی وزد بوی اذان در میان کوچه ها

می روم پهلوی حوض، باز می گیرم وضو

چون که دارد با خدا، این دل من گفت و گو

می شوم گرم نماز بر سر سجاده ام

م-ن برای پَرزدن، باز هم آماده ام (۲)

۳.۳.۲.۳. شرح حال بزرگان

برای کودکان از زندگی بزرگان دین و علما و اولیای الهی و پابندی آنان به نماز اول وقت بگویید.

۴.۳.۲.۳. فیلم و کارتون و نمایشنامه

فیلم و کارتون (۳) و نرم افزارهای آموزشی به جهت جذابیت، و نمایشنامه (۴) به سبب صحنه پردازی ها و نورپردازی های زیبا، کودکان را جذب می کند و سبب تثبیت آموزه های دینی و اخلاقی می شود. استفاده از نرم افزارها و سی دی های ارزشمندی که در زمینهٔ آموزش نماز به صورت کارتونی و فیلم آموزشی آماده شده و در دسترس است، عاملی برای آموزش نماز و تثبیت آن به عنوان ارزشی دینی، در کودکان است. (۵)

ص: ۷۴

۲- شعر از: مرتضی دهقان آزاد

۳- در تهیه و تولید و پخش برنامه های کودکان و نوجوانان از صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیز باید برای مسئله مهم ایجاد علاقه به نماز در کودکان، بیشترین بها را قائل بود. به ویژه زمان پخش برنامه های کودکان را باید به گونه ای تنظیم کرد که نه تنها پخش اذان موجب قطع برنامه آن ها نشود، بلکه در مواقعی که مقدور است، پخش اذان یا برنامه کوتاه مذهبی، نوید خوشایندی برای آغاز برنامه دوست داشتنی آنان باشد.

۴- روش نمایشی یا مشاهده ای، یکی از روش های آموزشی است که دارای تأثیر فوق العاده ای می باشد و از طریق آن می توان حقایق و مفاهیم ارزشمند دینی را در قالب های مشاهده و به گونه ای روشن، آسان و محسوس به کودکان آموزش داد؛ چراکه نمایشی کردن مفاهیم عقلی و انتزاعی مخصوصاً برای کودکان با توجه به غلبه حسی آنان، موجب می شود این گونه مطالب بهتر درک شود و یادگیری عمیق تری صورت پذیرد. معمولاً کودکان، خاطرات نمایشی را که در کودکی دیده اند، به شکل آگاهانه یا ناآگاهانه، تا آخر عمر در ضمیر خود حفظ می کنند (علی مقدسی پور، اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان پیش دبستانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۷۸).

۵- نک: نرم افزار نورالاحکام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور

اشاره

۳.۳. روش الگویی: الگوسازی و الگوپذیری (۱) یکی از شیوه های رفتارسازی در کودکان، الگوسازی است. این روش بهترین شیوه آموزشی غیرمستقیم است. (۲)

۱.۳.۳. تثبیت فرهنگ نماز

اشاره

الگوهای خوب و دین دار و مقید به نماز می توانند سبب تثبیت فرهنگ نماز در کودکان شوند. مریبان باید از همان دوران کودکی، زمینه های مناسبی را برای پذیرش الگوهای خوب فراهم سازند. برخورد دوگانه مریبان با الگوها (۳) باعث می شود که کودک احساس کند الگوهای مناسب، آنان هستند و در آینده هم سراغ ایشان برود.

علاوه براین، مریبان و والدین باید الگوی خوبی برای فرزندان باشند: (۴) به مسائل دینی و انسانی اهمیت دهند؛ عبادت هایشان را به موقع و با کیفیت انجام دهند؛ برای خدمت به دیگران بشتابند؛ حقوق دیگران را رعایت کنند؛ به بزرگ سالان احترام بگذارند؛ از محرمات الهی پرهیزند؛ اهل نماز اول وقت و راز و نیاز با خدا باشند و... اگر چنین شود، این گونه رفتارها بهترین آموزش است.

پیامبر اکرم (ص) طوری رفتار می کردند که نور چشم اطرافیان بودند. آنگاه وقتی می فرمودند: «نماز نور چشم من است.» (۵) برای دیگران نیز، نماز دوست داشتنی و دل نشین می شد. در تاریخ می خوانیم که صاحب بن عباد، مرد بسیار با سخاوتی بود. او گفته است:

من این سخاوت را از مادرم آموخته ام؛ زیرا هر روز که مادرم به مدرسه روانه ام می کرد، پولی به من می داد و می گفت: «این پول را صدقه بده.» این کار او سبب شد تا با بخشش خو بگیرم و سخی شوم.

ص: ۷۵

۱- منظور از الگو، نمونه ای است که در برابر چشمان قرار دارد و آدمی بدون استفاده از لغات و کلمات، از او چیز می آموزد. کودک برای یک زندگی عادی و جمع پسند، نیاز به الگو و عمل براساس آن دارد. او نیاز دارد که بفهمد چه باید بکند؛ چه نوع رفتاری را از خود بروز بدهد؛ در برابر امور و دشواری ها چه موضع و راه حلی را باید در پیش بگیرد؛ چگونه خود را با امور مواجه کند. اگر بخواهیم مسئله را از روی نوشته و کتاب یا از طریق داستان ها به کودک بیاموزیم، راهی طولانی در پیش خواهیم داشت و فرصتی دراز موردنیاز خواهد بود و تازه معلوم نیست در آنچه خواستیم به کودک منتقل کنیم، موفق باشیم؛ درحالی که می توان مفاهیم و مصادیق را از راه الگو به زودی به طفل آموخت. در تربیت اسلامی، برای انتقال شتابان با

مسائل، به الگوها و نمونه های عالی انسانی تکیه شده است. آیاتی از قرآن مجید، پیامبر را الگو معرفی می کند و مردم را رهبری می کند که از او بیاموزند و روش او را در زندگی پیاده کنند. مریبان نیز باید به عنوان نمونه های عالی تربیت قرآنی و الگوی مجسم تعالیم قرآن باشند تا کودکان در رفتار خود از آنان پیروی کنند و درعمل، مبلغ و آموزگار باشند (مهدی نیک خو، گلبرگ زندگی، بررسی جنبه های گوناگون رشد و تربیت کودک، ص ۹۲ و ۹۳).

۲- محمدعلی سادات، راهنمای معلم، ص ۴۶.

۳- مانند اظهار ارادت به الگوهای غربی و غیرمسلمان همچون هنرپیشگان آکشن یا حتی الگوهای غیرفرهنگی مانند فوتبالیست ها و بی توجهی به شخصیت های علمی و فرهنگی و الگوهای معنوی.

۴- فرزندان آینه تمام نمای مریبان و والدین خود هستند. برخی روان شناسان رفتار می گویند: «تو اول کودک و فرزند خود را به من بنما تا من بگویم تو چگونه ای؟»

۵- «جعل قره عینی فی الصلاه» (اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۱).

او با این کار ساده به من فهماند همان طور که باید به فکر خود باشم، باید به فکر دیگران نیز باشیم.

هرقدر الگوهای بزرگ سال برای بچه ها مطلوب تر و محبوب تر باشند، میزان تأثیرپذیری بیشتر و پایدارتر می شود. بچه ها رفتار الگوهای مطلوبشان را بسیار دوست دارند و مایل اند با آنان همانندسازی کنند و رفتاری همسان رفتار الگوهای خود داشته باشند. بچه ها هرقدر بیشتر پدر، مادر، دایی، خاله، عمه، عمو و معلم خودشان را قلباً دوست داشته باشند، به صورت ارادی و غیرارادی بیشتر تلاش می کنند که رفتاری نظیر رفتار آن ها داشته باشند یا به گونه ای بیندیشند و بگویند و عمل کنند که بدیشان توجه کرده و تأییدشان کنند. این، گرایشی کاملاً طبیعی و فطری است.

اگر پدر و مادر و معلم و مربی، دلشان می خواهد که فرزندان و شاگردانشان به باورها و رفتارهای مطلوب آن ها توجه کامل کنند و وجودشان متصف به ویژگی های مدنظر بشود، در درجه اول، باید همواره سعی کنند رفتارشان محبت آمیز باشد تا قلوب آنان را مُسَخَّر کنند. هراندازه پیوندهای عاطفی میان ایشان بیشتر باشد، همانندسازی ها افزون تر می شود. در این وضعیت، دیگر نیاز چندانی به پند و اندرز مستقیم نخواهد بود.

کودکان عمیقاً به رفتار الگوهای مطلوبشان علاقه مند بوده، درباره آن ها کنجکاو هستند و در سَر، اندیشه بازنمایی چنین رفتاری را پرورش می دهند. باید توجه کنیم که به گفته موريس دبس:

کنجکاوی کودک دارای رنگی از یگانگی عاطفی است. یگانگی عاطفی عبارت از نوعی احساس یگانگی نموداری با فعالیت های دیگران است. ساده ترین نمونه این احساس یگانگی در تماشاگران فوتبال دیده می شود. کسانی که عمیقاً جریان بازی را دنبال می کنند، بی اراده و درضمن تماشای بازی، حرکت پا و بدن بازیکنان را با پا و بدن خود در هوا مجسم می کنند. در اینجا، همدلی، واکنشی انفعالی و احساس یگانگی، واکنشی حرکتی است. (۱)

بدیهی است در این وضعیت، کسی که به فوتبال یا بازیگر فوتبال علاقه ای ندارد، رفتاری بی تفاوت یا کم تفاوت خواهد داشت. کودک هم دقیقاً همین طور است: وقتی به الگوی محبوبی علاقه مند شد، تلاش می کند وجود خود را متصف به صفات او کند و از خود رفتاری نشان دهد که الگویش آن را تأیید کند.

کودک و نوجوان درباره رفتار بزرگ سالانی همچون پدر و مادر و الگوهای رفتاری بسیار مؤثر همانند دایی، عمه، عمو، خاله و معلم، کنجکاو می شود. این کنجکاوی، بی هدف و بی نتیجه نیست؛ بلکه متضمن مشارکت فعالانه او به صورت بالقوه یا بالفعل در اعمال و رفتار الگوهاست. زمانی که کودکان و نوجوانان الگوهای رفتاری مطلوب خویش را در موقعیت های مختلف درحالت اقامه نماز مشاهده می کنند، احساس خوشایندی سراسر وجودشان را فرامی گیرد و عمیقاً درباره

رفتار آن‌ها کنجکاو می‌شوند و با توجه به اینکه فطرتی مستعد و نیازمند نیایش دارند، با شور و شوق و احساسی زیبا و توصیف‌ناپذیر به نماز می‌ایستند.

مشاهده رفتار معلمان و دبیران و مربیان محبوبی که هنگام اذان در کلاس و مدرسه و خانه بی‌هیچ شائبه‌ای اقامه نماز می‌کنند، بی‌تردید حس کنجکاو و همانندسازی کودکان و نوجوانان را برمی‌انگیزد و در آنان، احساس خوشایندی درباره نماز به وجود می‌آورد و این احساس را تقویت می‌کند.

درباره تأثیر نقش الگو در شکل‌گیری شخصیت انسان، فراوان سخن گفته‌اند. این خاطره از یکی از عارفان بزرگ، شاهد نیکویی بر این موضوع است:

روزی از سهل شوشتری که از عرفای بزرگ و اهل کرامات بود، پرسیدند: «چگونه به این مقام و مرتبه رسیدی؟»

او پاسخ داد: «من در کودکی نزد دایی ام زندگی می‌کردم. وقتی هفت ساله بودم، نیمه شب ادرار به من فشار آورد. به ناچار از رختخواب برخاستم و به دستشویی رفتم. وقتی برگشتم که بخوابم، دایی ام را دیدم که روبه قبله نشسته، عبایی به دوش کشیده، عمامه‌ای دور سرش پیچیده و مشغول نمازخواندن است. از حالت او خوشم آمد. کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آنگاه از من پرسید: «پسر، چرا نشسته‌ای؟ برو بخواب.»

گفتم: «از کار شما خوشم آمده و می‌خواهم پهلوی شما بنشینم.»

گفت: «برو بخواب.»

رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز از خواب بیدار شدم. وقتی از دستشویی برگشتم، باز هم دایی مشغول نمازخواندن بود. کنارش نشستم. به من گفت: «برو بخواب.»

گفتم: «دوست دارم هرچه شما می‌گویید، من هم تکرار کنم.»

دایی ام مرا روبه قبله نشانید و گفت: «یک مرتبه بگو: یا حاضر یا ناظر.»

من هم تکرار کردم. سپس دایی گفت: «برای امشب کافی است. حالا برو بخواب.»

این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت: یا حاضر یا ناظر را چند بار تکرار می‌کردم. کم‌کم وضو گرفتن را هم آموختم و پس از آنکه وضو می‌گرفتم، هفت بار می‌گفتم: یا حاضر یا ناظر.

بالاخره کار به جایی رسید که من بدون اینکه نزد دایی بروم، خودم قبل از اذان صبح بیدار می‌شدم و پس از نماز، تسبیح به دست می‌گرفتم و پیوسته تکرار می‌کردم: یا حاضر یا ناظر و از این کار حظ روحانی می‌بردم، تا اینکه به این مقام و مرتبه رسیدم.

در اینجا لازم است به چند نکته بسیار ظریف و مهم توجه کنیم:

۱. کودک به الگوی رفتاری خود (دایی) به دلیل رفتار عاطفی متقابلی که با او داشته است، عمیقاً علاقه مند بوده و شخصیت (دایی) برایش بسیار مطلوب و محبوب بوده است؛

۲. کودک به لحاظ علاقه مندی به این الگوی محبوب و شخصیت مطلوب، درباره رفتار او (نماز در نیمه شب) فوق العاده کنجکاو می شود؛

ص: ۷۷

۳. کودک سعی می کند با اشتیاق فراوان، همانند سازی کند و رفتاری از خود نشان دهد که مانند رفتار دایی یا الگوی محبوبش باشد؛

۴. بالا-خره علاقه و شوقی که وجود کودک را فراگرفته و اخلاصی که در او هست، سبب می شود که احساس عمیق و خوشایندی درباره نماز در وجود او پرورش یابد و اقامه نماز برایش لذت بخش باشد؛

۵. الگوی بزرگ سال و مربی وارسته، یعنی دایی کودک، نیز نقش مهمی در خوشایند جلوه دادن چنین تجربه نیکویی داشته است:

۱.۵. مربی (دایی) همواره با چهره ای گشاده و متبسم با کودک مواجه شده است و زمانی که در نیمه شب، کودک بر حسب اتفاق، دایی خود را در حالت نماز و نیایش مشاهده می کند، او را با سیمایی منور و متبسم و مهربان می یابد؛

۲.۵. وقتی که الگوی محبوب کودک، دیگر بار بر اثر اصرار کودک برای همراهی و همگامی، با وی مواجه می شود، برای او تجربه ای بسیار خوشایند فراهم می کند؛

۳.۵. برای اولین نماز کودک، آن هم در نیمه شب، برنامه ای بسیار آسان و مختصر و دوست داشتنی و لذت بخش فراهم می کند. مربی بزرگوار با علم به اینکه دوره کودکی، دوره بازی و آقایی و مهرطلبی است و طولانی شدن نماز ممکن است از خوشایندی آن برای کودک بکاهد، به کمترین زمان و ساده ترین و عمیق ترین بیان: یا حاضر یا ناظر، اکتفا می کند و کودک با احساسی زیبا و لطیف و آرزوی تکرار دوباره چنین تجربه خوشایندی از اقامه نماز، در کنار الگوی محبوب، درحالی که رفتار تشویق آمیز و تأییدگرانه دایی یا مربی بزرگ خود را همراه دارد، به خواب می رود.

واقعیت این است که در درجه اول، خانواده یا گروه مرجع نخستین (۱) و الگوهای رفتاری با باورهای قوی و رفتارهای مستمر خود، صفات اخلاقی مهم و رفتارهای مطلوب را به کودکان می آموزند. به عبارت دیگر، کودکان و نوجوانان نظام ارزش ها و رفتارهای الگوهای بزرگ سال را به عنوان هدف رفتاری مطلوب می پذیرند؛ به خصوص زمانی که رفتار الگوها ترسیمی از شیوه متعالی زندگی بوده، پاسخی باشد برای نیازهای فطری کودکان.

کودکان آنچه ما می خواهیم، نمی شوند؛ بلکه آنچه ما انجام می دهیم می شوند. (۲)

از همین روست که در توصیه های تربیتی اسلام، اصلاح و تربیت مربی

ص: ۷۸

۱- منظور از گروه های نخستین (Refrenced group) گروه هایی است که در آن، روابط افراد بسیار نزدیک و صمیمانه بوده و از نظر روانی، نتیجه این تجمع صمیمانه، نوعی حل شدن افراد در یک کل مشترک است. افراد در گروه های نخستین، روابط چهره به چهره و رویارو دارند. این خود مستلزم محدود بودن اعضای گروه از سویی و پایداری روابط از سوی دیگر

است. نتیجه این روابط، همکاری عاطفی و صمیمانه و کنش متقابل بین اعضا است. گروه های نخستین، در اجتماعی شدن کودکان نقش بسیار مؤثری دارند. خانواده، گروه های خویشاوندی، کودکان همبازی در یک محله، گروه همسایگی در جوامع سنتی، از نمونه های گروه نخستین هستند.

۲- عبدالعظیم کریمی، اثرات پنهان تربیت آسیب زا، ص ۱۶۶.

را مقدم بر تربیت متربی دانسته اند. مولا علی \square می فرمایند:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ، وَ مَعْلَمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعْلَمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ (۱)

هرکس خود را پیشوای مردم قرار دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خویش مبادرت کند و پیش از آنکه با زبان و گفتارش تربیت کند، باید با رفتار و کردارش به تربیت دیگران پردازد. کسی که آموزگار و مربی خویش باشد، بیشتر از کسی که آموزگار و مربی مردم باشد، سزاوار تجلیل است.

جاحض که از اندیشمندان و ادبای بزرگ عرب است، درباره نقش الگویی مربی برای متربی می گوید:

عقبه بن ابی سفیان به مؤدب (مربی) فرزندانش گفت: «نخستین وظیفه تو در اصلاح فرزندانم این است که قبلاً خویشتن را اصلاح کنی؛ زیرا چشمان آن ها به تو دوخته است و رفتار و کار نیک در نظر آن ها، رفتاری است که تو آن را نیک می دانی و رفتار زشت از دیدگاه آن ها رفتاری است که تو آن را زشت تلقی می کنی. (۲)

خواجه عبدالله انصاری درباره اهمیت نقش الگویی مربی، تمثیل جالبی ذکر می کند:

دود از آتش چنان نشان ندهد و خاک از باد؛ که ظاهر از باطن و شاگرد از استاد. (۳)

امام صادق \square نیز می فرمایند:

كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّنِّتِكُمْ؛ لِيُرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَ الْإِجْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ الْخَيْرَ، فَإِنَّ ذَالِكَ دَاعِيَةٌ؛ (۴)

مردم را با غیر زبانتان [با عملتان]، [به سوی خدا] بخوانید. باید مردم از شما پرهیزکاری، تلاش خستگی ناپذیر و نماز و خوبی ببینند که این، دعوت کردن است.

از این رو، مربیانی که خود به ارزش ها عمل می کنند، نیاز چندانی به گفتار و تذکر ندارند. مربی اگر عمل نکند، گفته هایشان هیچ گونه اثری نخواهد داشت.

خُشْكَ اِبْرِي كِه بُود ز آب تُهِي

ناید از آن، صفتِ آبِ دهی

اگر ما خشک ابری بدون باران باشیم، چگونه می توانیم بر سر دیگران بیاریم؟ به همین دلیل، خدا \square شدیداً به خشم می آید:

كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ (۵)

[بترسید که] این عمل که [به وعده دروغ و دعوی باطل] سخن بگویید و خلاف آن کنید، بسیار سخت خدا را به خشم و

-
- ۱- نهج البلاغه، حکمت ۷۳؛ أعلام الدین، ص ۹۲؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۵، حدیث ۳۳.
 - ۲- شهین لودین، کاربرد دریچه های پنهان تربیت، ص ۷۵.
 - ۳- همان. خواجه عبدالله بن محمد انصاری (۳۹۶ تا ۴۸۱) معاصر الب ارسلان سلجوقی و خواجه نظام الملک، از متقدمین و اجله عرفای کبار است و به عربی و فارسی تصانیف متعدد دارد. در زبان فارسی، مخصوصاً مناجات او و رباعیات عرفانی و ذوقی اش مشهور است و جمله مذکور در متن، اقتباس از رساله واردات (چاپ هند، ص ۱۴) اوست.
 - ۴- محمد محمدی ری شهری، حکمت نامه کودک، ص ۲۰۰، حدیث ۳۱۱؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۸۷، حدیث ۱۴.
 - ۵- صف، ۳.

گفتار و کردار در خانواده و جامعه، موجب رمیدن آنان است. آن‌ها کمتر می‌توانند به تحلیل عمیق پردازند و مرز میان راه و منتسبان به راه را دریابند. سعدی نیز یکی از مفاصد دوگانگی رفتار و گفتار مربی را تنزل از مقام رفیع انسانی به مقام حیوانی معرفی می‌کند و می‌گوید:

دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند: یکی آن که اندوخت و نخورد و دیگر آن که آموخت و نکرد.

علم چندان که بیشتر خـوانـی

چون عمل در تو نیست، نادانی

نـه محقق بود، نـه دانشـمند

چـارپـایی بـر او کتابی چند

آن تهی مغز را چه علم و خبر

کـه بر او هیزم است یا دفتر (۱)

۱.۱.۳.۳ پیامدهای تضاد در گفتار و رفتار مربی

اشاره

سخن گفتن و دعوت کردن دیگران به کار خیر، زمانی مؤثر است که گوینده با عمل خود آن را تأیید کند. مربی باید خود به آنچه می‌گوید، عمل کند؛ بلکه بیش از گفتن، عامل به آن باشد. استاد شهید مطهری □ در این باره می‌گوید:

هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید مردم از انبیا و اولیا زیاد پیروی می‌کنند؛ ولی از حکما و فلاسفه آن قدرها پیروی نمی‌کنند. چرا؟ برای اینکه فلاسفه فقط می‌گویند؛ فقط مکتب دارند؛ فقط تئوری می‌دهند...؛ ولی انبیا و اولیا تنها تئوری و فرضیه ندارند؛ عمل هم دارند. آنچه می‌گویند، اول عمل می‌کنند. حتی این طور نیست که اول بگویند، بعد عمل کنند؛ اول عمل می‌کنند، بعد می‌گویند. وقتی انسان بعد از آنکه خودش عمل کرد، گفت، آن گفته اثرش چندین برابر است. (۲)

بزرگی سراسر به گفتار نیست

دو صد گفته چون نیم کردار نیست (۳)

اگر عملی با سخنی همراه نباشد، اثری بر آن مترتب نیست و به فرموده رسول گرامی اسلام □، به شخصی تیرانداز می‌ماند که

بدون تیر، به تیراندازی مشغول است:

یا اباذر، مثل الذی یدعو بغير عملٍ کمثل الذی یرمی بغير وتر. (۴)

تا تیر در چله کمان نباشد، عمل تیراندازی بیهوده است. گفته های خالی از عمل نیز بی اثر و عقیم است و در قلب ها نفوذ نمی کند. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

ان العالم إذا لم یعلم بعلمه زلت موعظته عن القلوب كما یزل المطر عن لصفاء؛ (۵)

چنانچه عالم به علم خود عمل نکند، موعظ او با سرعت از قلب ها زایل می شود؛ چنان که باران از جای صاف و صیقلی می لغزد و زایل می شود.

ص: ۸۰

۱- گلستان سعدی، باب ۸.

۲- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳- سعدی.

۴- محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاه، ج ۲، ص ۲۸۷.

۵- بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۹.

و به گفته سعدی □:

عالمی را که گفت باشد و بس

هر چه گوید، نگیرد اندر کس (۱)

منظور از بی اثر بودن گفتار عالم بی عمل، نداشتن اثر مثبت است؛ اما در جهت عکس، بسیار مؤثر است اثرهای تخریبی فراوانی دارد که در پی می آید:

۱. ایجاد تنفر در مربی

مربی را به علم و عالم، مربی و معلم و نیز برنامه های تربیتی بی رغبت می کند؛ بلکه در او تنفر ایجاد می کند. امیرمؤمنان □ در این باره می فرمایند:

أَمَا زَهْدُ النَّاسِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ، كَثْرَةُ مَا يَرُونَ قَلَّةَ مَنْ عَمِلَ بِمَا عِلْمٌ؛ (۲)

از آنجاکه مردم زیاد می بینند که عالمان به علم خود عمل نمی کنند، به دانش اندوزی علاقه ای نشان نمی دهند.

غزالی در کتاب میزان العمل، یکی از وظایف هشت گانه معلم را عمل کردن به علم خود می داند و در ادامه می گوید:

معلم نباید گفتار خویش را با حالت [و رفتار] خود تکذیب نماید؛ [زیرا در این صورت] مردم از هدایت و رشد متنفر می شوند و این به این دلیل است که رفتار با چشم احساس می شود و علم [و گفتار] با عقل و خرد درک می شود و صاحبان چشم سیر، بیشتر از عاقلان و خردمندان هستند. (۳)

یعنی مردم و مخاطبان، به مشاهده های خود بیشتر توجه می کنند تا شنیده ها. در علم روان شناسی ثابت کرده اند که بخش عمده ای از یادگیری انسان، از راه چشم صورت می گیرد. بنابراین، بر اولیا و مربیان و معلمان جامعه لازم است که بیشتر به عمل پردازند تا به سخن و آنچه می خواهند بگویند، در رفتار نشان دهند. او در ادامه سخن خود، مثالی می آورد:

هر پزشکی که خود چیزی میل کند و مردم را از آن منع نماید و بگوید: «آن را نخورید؛ چون سم کشنده است.» مردم او را به سفاهت و نادانی متهم می کنند و آن چیز را مفیدترین اشیا می دانند. پزشک می خواهد با این نهی، مردم را از آن دور کند؛ درحالی که با خوردن خود، مردم را بیشتر به سوی آن تحریک و تشویق می نماید. نسبت مخاطب به واعظ، مانند گل نسبت به نقش و سایه نسبت به چوب است. گل چگونه می تواند از چیزی که نقشی از آن نیست، نقش بپذیرد یا درحالی که چوب خمیده است، سایه آن استوار باشد. به همین دلیل است که گفته اند:

لا تنه عن خلق و تأتی مثله

۱- کلیات سعدی، به کوشش محمدعلی فروغی، ص ۹۲.

۲- الحیاء، ج ۲، ص ۲۸۷؛ خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۸۶.

۳- فلا- یکذب مقاله بحاله فی نفر الناس عن الاسترشاد و الرشده و ذلك ان العمل مدرك بالبصر و العلم بالبصیره و اصحاب الابصار اکثر من ارباب البصائر (محمد غزالی، میزان العمل، به حاشیه احمد شمس الدین، ص ۱۵۰).

۴- همان؛ ترجمه شعر: از [رذیله ای] اخلاقی نهی مکن، درحالی که خود آن را انجام می دهی. ننگی بزرگ بر تو خواهد بود، در صورتی که انجام دهی؛ نیز نک: غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۵۸؛ ملامحسن فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۱، ص ۱۲۴.

بنابراین، اولین اثر این رفتار این است که باعث تنفر از برنامه تربیتی مدنظر می شود؛ بلکه متریان را در جهت عکس آن ترغیب می کند. کسی که به سخنان خویش ایمان ندارد و در عمل چنان نمی نماید که می گوید، اعتبار خویش را نزد مخاطبانش از دست می دهد. همچنان که خود او برای گفتار خویش ارزشی قائل نیست، دیگران نیز به سخنان وی توجهی نمی کنند و گفته ها و نصیحت های او را در همان جلسه به فراموشی می سپارند. به گفته لسان الغیب شیرازی:

عنان به میکده خواهیم تافت از این مجلس (۱)

که وعظ بی عملان واجب است نشیندن (۲)

۲. ایجاد تزلزل و بی اعتمادی در متریان

رکنی مهم و اساسی در تعلیم و تربیت، وجود رابطه مطمئن و اعتمادپذیر، بین مربی و متربی است. هرچه این رابطه قوی تر باشد و متربی به مربی اعتماد بیشتری بکند، اثرپذیری او بیشتر خواهد بود و آنچه فرا می گیرد، از استحکام و نفوذ بیشتری در ذهن برخوردار خواهد بود. علت این است که متربی آموزه های خود را از منبعی مطمئن (مربی) دریافت می کند و دلیلی برای تزلزل و سرگردانی در پذیرش آن ندارد. حال اگر این اعتماد ضعیف شود، اثرپذیری نیز ضعیف شده و متربی در فراگیری برنامه های مربی سست و متزلزل می شود.

از اموری که به این اعتماد ضربه می زند و پایه های آن را سست می کند، تضاد در گفتار و رفتار مربی است. مشاهده دوگانگی در گفتار و کردار مربی، تربیت پذیر را سرگردان می کند و او را با این پرسش روبه رو می سازد که کدام یک از گفتار و کردار مربی صحیح است؟ اگر گفتارش درست است، چرا او به گونه دیگر عمل می کند؟ اگر رفتارش با واقعیت مطابق است، چرا در سخن گفتن به بیراهه می رود؟

بدین ترتیب، اعتماد متربی از مربی سلب می شود. این بی اعتمادی، ناخودآگاه به سایر امور نیز سرایت می کند و او را در ابعاد گوناگون شناختی و رفتاری و... با نوعی تزلزل و شک روبه رو می سازد. این پیامد خطرناک، زمانی تقویت می شود که آن دوگانگی را بارها از مربی یا مربیان مختلف مشاهده کند و دروغ پردازی آنان برایش روشن شود. امیرمؤمنان [ع] در این باره می فرمایند:

من عُرف بالكذب قلّ الثقه به؛ (۳)

هرکس به دروغ گویی شناخته

ص: ۸۲

میخانه می رویم؛ زیرا که می پرستان، می گویند و خود عمل می کنند

۲- دیوان حافظ، به تصحیح قزوینی و قاسم غنی، ص ۳۰۸.

۳- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۳۹۰.

شد، اعتماد مردم به او کم می شود.

چنین فردی حتی اگر راست هم بگوید، مانند چوپان دروغ گو، سخن راست او نیز اعتماد دیگران را جلب نمی کند.

من عرف بالكذب لم يقبل صدقه؛ (۱)

کسی که به دروغ گویی شناخته شد، سخن راستش پذیرفته نمی شود.

من کثر کذبه لم یصدق؛ (۲)

آن که زیاد دروغ بگوید، تصدیق نمی شود.

حتی در کلام دیگری، امام کذاب و مرده را برابر می دانند؛ چراکه برتری انسان زنده بر مرده به این است که به زنده می توان کاری را واگذار کرد یا چیزی از او خواست، برخلاف مرده که چنین کاری از دستش بر نمی آید. اگر نتوان به فردی اعتماد کرد، مرده است؛ هرچند از نظر ظاهری زنده باشد و نفس بکشد. کذاب (۳) چنین است:

الكذاب و المیت سواء فان فضیله الحی علی المیت الثقه به، فاذا لم یوثق بكلامه، بطلت حیاته. (۴)

به هرروی، این بی اعتمادی رفته رفته به ابعاد دیگر زندگی متریان گسترش می یابد و روابط آنان را با دیگران تحت تأثیر قرار می دهد؛ همان گونه که در باورها و آموزه های خویش نیز، سست و متزلزل می شوند.

۳. تعلیم ریا و نفاق

پیامد دیگر رفتار دوگانه مربی، آموزش دادن ریا و نفاق به متربی است. او با مشاهده این رفتار، به جواز ریا و نفاق پی می برد و به این نکته می رسد که می توان برای رسیدن به هدف، در ظاهر به گونه ای و در باطن به گونه ای دیگر عمل کرد؛ یا در مقام حرف، می توان سخنی گفت و قولی داد که در مقام عمل، پایبندی بدان لازم نیست.

این نتیجه گیری را معلم و مربی به او نمی گویند، بلکه او خود به آن می رسد؛ چراکه او همواره مربی را الگو و سرمشق می بیند و بی آنکه مربی بخواهد، از گفتار و کردار او الگوبرداری می کند. نحلاوی در کتاب اصول التریبه الاسلامیه و اسالیبها، یکی از ویژگی های معلم را صداقت در دعوت دانسته، علامت آن را مطابقت عمل او با علمش می داند. در این صورت، شاگردان مربی، در گفتار و کردار از او تبعیت می کنند. سپس می گوید:

اگر عمل او با سخنش مطابق نباشد، دانش آموزان به جدیت نداشتن او در تحقق گفته هایش یا اعتقاد نداشتن او به گفته هایش، پی می برند. (۵)

او درباره پیامد این صداقت نداشتن می گوید:

صداقت نداشتن مربی، گاهی ریا را به متریان تعلیم می دهد؛ بی آنکه خود مربی متوجه آن باشد؛ زیرا متریان، به ویژه مبتدیان، همان گونه که از کلام مربی خود تأثیر می پذیرند، از رفتار او نیز متأثر می شوند. پس مربی در آنچه می گوید و عمل می کند، الگوی متریان است. او با صداقت نداشتن، به متریان خود بدی می کند و به جای اینکه به تزکیه و تهذیب اخلاقی آن ها پردازد، آنان را به انحطاط می کشاند. (۶)

ص: ۸۳

-
- ۱- همان، ص ۲۰۹.
 - ۲- همان، ص ۳۰۸.
 - ۳- کسی که بسیار دروغ می گوید.
 - ۴- همان، ج ۲، ص ۱۳۹.
 - ۵- عبدالرحمان نحلاوی، اصول التریبه الاسلامیه و اسالیبها، ص ۱۷۳.
 - ۶- و عدم صدق المربی، قد یعلم الریاء للطلاب، بدون ان یشعر بذلك، ان الطلاب و خاصه الناشئین منهم یتأثرون بسلوک معلمهم کما یتأثرون بکلامه فهو قدوتهم فی کل ما یقول و یعمل، فهو بعدم الصدق قد یسیء الی نفوس طلابه و ینحط بها بدلاً من ان یرکبها و ینهض باخلاقهم (همان).

۴. آبروریزی و ازدست دادن اعتبار

گذشته از پیامدهای یادشده که بیشتر آن‌ها متوجه متریبان است، پیامدهای دیگری نیز وجود دارد که متوجه خود مربی است؛ مانند آبروریزی و ازدست دادن اعتبار. امام صادق [ع] از قول حضرت عیسی [ع] می‌فرماید:

من کثر کذب ذهب بهائنه؛ (۱)

کسی که دروغش زیاد شود، ارزش [و اعتبارش] از بین می‌رود.

از این رو، کمتر کسی به سخنانش ترتیب اثر می‌دهد، یا با او رفیق و هم‌نشین می‌شود. در روایات، از دوستی کردن با این افراد منع کرده‌اند. (۲)

۵. جرئت پیدا کردن بر گناه

یکی دیگر از پیامدها که اغلب متوجه خود فرد می‌شود، جرئت پیدا کردن بر ارتکاب دروغ‌های بیشتر و بزرگ‌تر است. از امام باقر [ع] نقل کرده‌اند که فرمودند: همواره امام سجاد [ع] به فرزندان خود می‌فرمودند:

اتقوا الکذب، الصغیر منه و الکبیر، فی کل جد و هزل؛ فان الرجل اذا کذب فی الصغیر اجتری علی الکبیر...؛ (۳)

از دروغ کوچک و بزرگ، در حال جدی و شوخی بپرهیزید؛ زیرا انسان وقتی در [امر] کوچکی دروغ گفت، بر دروغ بزرگ جرئت پیدا می‌کند....

با گفتن یک دروغ کوچک، اگرچه به شوخی باشد، زمینه دروغ بعدی فراهم می‌شود و نفس، آمادگی دروغ‌پردازی‌های بیشتر و بزرگ‌تر را در خود می‌یابد و رفته رفته و بر اثر تکرار آن، این حالت در نفس رسوخ می‌کند و به صورت عادت و ویژگی شخصیتی فرد در می‌آید.

۶. سایر پیامدها

ایجاد تنفر در متریبی، محروم شدن از چشیدن طعم ایمان واقعی و... اموری است که در روایات، از پیامدهای دروغ برشمرده‌اند. (۴)

باید همواره این نکته را به اولیا، مربیان، معلمان و همه کسانی که چشم کودکان و نوجوانان به آنان دوخته شده است، یادآور شویم که لغزش‌های ما، تباهی و انحراف یک نسل را در پی خواهد داشت و به همین دلیل، اصلاح همیشگی رفتار، بازنگری در خود و بازسازی و تصحیح اعمال را هیچ‌گاه نباید فراموش کنیم. در بیانی گویاتر، یادمان باشد که نماز زنگ تفریح

زندگی نیست؛ هنگامه تصحیح زندگی است. (۵)

اسلام در پی نمازی است که مدافع مکتب بسازد و به تعبیر روایت،

انسان را «زین» دین کند، نه «شین» آن. (۶)

ص: ۸۴

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵۵، باب الکذب، حدیث ۱۳.

۲- همان، حدیث ۱۴.

۳- همان، حدیث ۲.

۴- نک: همان، حدیث ۱۱.

۵- محمدرضا سنگری، «جوانان، نماز، روش های ما؛ جوانان را چگونه به نماز دعوت کنیم؟»، خانواده و نماز، گروه نویسندگان، ص ۱۰۹.

۶- اشاره به سخن امام صادق علیه السلام که فرمودند: «معاشر الشیعه، کونوا لنا زیناً وَ لا تُکُونوا علینا شیناً» (=ای گروه شیعه، برای ما زینت باشید، نه موجب ننگ و عیب. [آنچه جاذبه می آفریند، عمل و رفتار شیعه است]) (بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۱).

۲.۳.۳. مؤثر بودن صفای دل در تربیت کودک

صفای نفس و دل پاک و تقوای الهی، در تربیت کودک بسیار مؤثر است.

در خانه ما رونق اگر نیست، صفا هست

هرجاکه صفا هست، در آن نور خدا هست

اگر دل مربی (والدین، معلم و...) پاک نباشد و آن را صیقل نداده باشد، نمی تواند در تربیت کودک، به ویژه تربیت دینی او، موفق باشد. سخنی کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند. سخنی که از دل بر نیاید، دل نشین نخواهد بود و به قول معروف، از یک گوش می آید و از گوش دیگر بیرون می رود.

ذات نیافته از هستی بخش

چون تواند که بود هستی بخش (۱)

۳.۳.۳. جمع بندی

۱.۳.۳.۳. الگوهای نماز در هفت سال اول زندگی کودک

کودکان تا قبل از هفت سالگی، والدین و مربیان خود را قهرمان واقعی و بلامنازع زندگی خویش می شمارند و از اغلب رفتارهای آنان الگوسازی می کنند. در چنین سنی، اگر مربیان فرزندان ما، نماز گزار باشند و انجام دادن رفتار نماز در نزد آنان از اهمیت لازم برخوردار باشد، فرزندان از روی علاقه و داوطلبانه، رفتار «نماز گزاردن» را درونی سازی کرده و با انجام دادن آن، فرهنگ رفتاری نماز را بی هیچ گونه تحمیل یا الزامی، الگوسازی می کنند.

۲.۳.۳.۳. الگوهای نماز در هفت سال دوم زندگی کودک

دانش آموزان در هفت سال دوم، مربیان خود را به عنوان الگو و اسوه انتخاب می کنند و با احترامی خاص به آنان، از روی رغبت و تمایل، دیدگاه ها و پیشنهادهای آنان را عملی می سازند. در چنین وضعیتی، نگرش مثبت مربیان به نماز یا نماز گزاردن مربیان، می تواند زمینه مناسبی برای ایجاد رفتار نماز میان کودکان و نوجوانان ایجاد کند و فرهنگ نماز را در بین آنان ترویج کند. (۲)

یکی از ویژگی های جالب حضرت امام خمینیؑ، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، همین بود که چندان تذکر نمی داد و منش و رفتار آن بزرگوار درس آموز بود. (۳)

به عمل کار برآید، به سخن دانی نیست. (۴)

۱- جامی.

۲- مغز کودک مانند فیلم عکاسی، از تمام اقوال و اعمال پدر و مادر و اطرافیان خود عکس برداری می کند. مشهودات و مسموعات دوران کودکی، برنامه زندگی فردی او خواهد بود (فلسفی، گفتار فلسفی، ج ۲، ص ۲۸).

۳- قالوا و ما فعلوا و این هُـمِـمِـن معشر فعلوا و ما قالوا (=گفتند و عمل نکردند. کجایند آن گروهی که عمل کردند و چیزی نگفتند) (به نقل از: کلیله و دمنه).

۴- سعدی شیرازی شیخ مصاح الدین ، مجموعه قصاید فارسی ، قصیده هفتم ، درموعظه و نصیحت.

ضرب المثلی عربی می گوید:

اگر پدر پیاز و مادر سیر باشد، چگونه می توان انتظار داشت که فرزند آنان، رایحه خوبی داشته باشد. (۱)

حجت الاسلام استاد حسین انصاریان به والدین و مربیان تربیتی چنین توصیه می کنند:

کودکان عکس برداران عجیبی هستند. آنان تمام رفتار و کردار و حالات و اخلاق و حرکات بزرگ ترها را تقلید می کنند: اگر نماز بخوانید، روزه بگیرید، قرآن تلاوت کنید، خوش رو باشید، محبت کنید، وقار و ادب نشان بدهید، همه و همه را تقلید و پس از مدتی، قدم این حقایق در سرزمین وجود آنان ثابت می شود. عزیزان، تربیت اولاد صالح و فرزندی که اهل عبادت و کار خیر باشد، نه تنها بهره دنیایی، بلکه سود برزخی و قیامتی دارد. سعی کنید از این تجارت با منفعت، غافل نمانید. (۲)

تو سعی کن که به روشن دلی رسی صائب

که سیل، واصل دریا چو شد، زلال شود (۳)

۴.۳. روش دعا و نماز برای نمازخوان شدن فرزندان

اشاره

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ دَعْوَةٌ... دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ؛ (۴)

چهار کس دعایشان رد نمی شود... یکی دعای پدر برای فرزندش است.

نماز به تنهایی، برنامه تربیتی کاملی است. این برنامه تربیتی شامل پرورش بُعد معنوی کودک و فراهم کردن زمینه ارتباط او با خداوند و درنهایت، پرورش او برای رسیدن به قرب الهی است. انبیای الهی و ائمه هدی ﷺ بر نماز بسیار تأکید کرده اند. آن بزرگواران به عنوان مربیان نفوس انسانی، در تمام صحنه های زندگی، بیشترین اهمیت را به پرورش بُعد معنوی فرزندان می دادند و برای تحقق آن، از روش های خاص بهره می گرفتند. به نظر می رسد مهم ترین روش، نماز و دعا است.

نمازهایی را در ادامه آورده ایم. این نمازها را پدر و مادر باید بخوانند. از آنجایی که در فرهنگ اسلام، مربی در جایگاه پدر و مادر دوم فرزند است، (۵) او نیز می تواند به نیت رجا و به امید دست گیری خداوند از کودک، این نمازها را بخواند. این گونه، پدر و مادر و مربی در کنار تلاش و برنامه ریزی برای تربیت دینی کودک و نیز افزایش اطلاعات تربیتی خویش، دست طلب به سوی غنی مطلق دراز می کنند. از او استمداد

- ۱- حسین سیدی، یک شاخه گل مینا، ص ۵۲.
- ۲- حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، ص ۳۴۸ و ۳۴۹.
- ۳- دیوان صائب تبریزی.
- ۴- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۶.
- ۵- در فرهنگ اسلام، به رهبر آسمانی، معلم و مربی و پدرِ همسر نیز پدر گفته می شود (محسن قرائتی، پرتویی از نور، گزیدهٔ تفسیر نور، ص ۲۴۵).

می کنند که آنان را در تربیت تمامی ابعاد انسانی کودک، به خصوص تربیت بُعد معنوی و مانوس کردن با نماز یاری کند.

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است

راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایدهش (۱)

نماز اول

در کتاب مکارم الاخلاق شیخ طبرسی، نمازی با عنوان «نماز پدر برای فرزند» آمده است که برخی از مراجع تقلید بزرگ معاصر (۲) نیز آن را برای اصلاح فرزندان توصیه فرموده اند. از ایشان نقل شده است که بهتر است مادر هم این نماز را بخواند. این نماز چهار رکعت است: دو نماز دو رکعتی، مانند نماز صبح. در رکعت اول، یک بار سوره حمد و ده بار این آیه کریمه را تلاوت کند:

رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ (۳)

پروردگارا، ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما، امتی فرمان بردار خود [پدید آر] و آداب دینی ما را به ما نشان ده و بر ما ببخشای؛ چرا که تویی توبه پذیر مهربان.

و در رکعت دوم یک بار سوره حمد و ده بار این آیه شریفه را بخواند:

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِي وَالِدِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ؛ (۴)

پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز. پروردگارا، دعای مرا بپذیر. پروردگارا، روزی که حساب بر پا می شود، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای.

پس از پایان نماز اول، نماز دوم را شروع کند. در رکعت اول، یک بار سوره حمد و ده بار این آیه شریفه را قرائت کند:

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ (۵)

پروردگارا، به ما از همسرانمان و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان.

و در رکعت دوم از نماز دوم، یک بار سوره حمد و ده بار این آیه کریمه را بخواند:

رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدِي وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنَّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِيَّيْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ (۶)

پروردگارا، بر دلم بیفکن تا نعمتی را سپاس گویم که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای و کار شایسته ای انجام دهم که آن را خوش داری و فرزندانم را برایم شایسته گردان. درحقیقت، به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان پذیرانم.

۱- دیوان حافظ

۲- توصیه آیت الله بهجت □ به این نماز را حجت الاسلام والمسلمین مسعودی، مسئول دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، با استفتاء از معظم له، نقل کرده اند

۳- بقره، ۱۲۸.

۴- ابراهیم، ۴۰ و ۴۱.

۵- فرقان، ۷۴.

۶- احقاف، ۱۵.

پس از سلام نماز دوم، ده بار این آیه شریفه را تکرار کند:

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ (۱)

پروردگارا، به ما از همسرانمان و فرزندانمان آن ده که مایه روشنایی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان. (۲)

نماز دوم

عارف ربانی مرحوم آیت الله بهجت □ در جایی دیگر، ضمن توصیه به خواندن نماز جعفر طیار، (۳) فرموده است:

بعد از نماز جعفر طیار □ برای هدایتش (کودک یا نوجوان کاهل نماز) دعا کنید و در سجده آخر، برای این مقصد دعا نمایید و تباهی کنید (اشک بریزید). (۴)

ص: ۸۸

۱- فرقان، ۷۴.

۲- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۱۲۵.

۳- از مستحبات مؤکد و از نمازهای مشهور بین عامه و خاصه است. از چیزهایی است که پیغمبر □ به خاطر محبت به پسرعمویش و بزرگواری او، هنگام بازگشت از سفرش به او عطا فرمود. از امام صادق □ نقل کرده اند که در روز فتح خیبر، هنگامی که جعفر از حبشه آمد، پیغمبر □ به او فرمود: «آیا جایزه ای به تو ندهم؟ آیا بخششی به تو نکنم؟ آیا به تو هدیه ای ندهم؟» جعفر گفت: «چرا یا رسول الله.» حضرت صادق □ می فرماید مردم گمان کردند که پیغمبر به او طلا یا نقره می دهد؛ لذا گردن ها را کشیدند تا ببینند چه می دهد. پیغمبر □ فرمود: «چیزی به تو عطا می کنم که اگر آن را هر روز انجام دهی، برایت از دنیا و آنچه در آن است، بهتر خواهد بود و اگر هر دو روز یک مرتبه به آن عمل کنی، خداوند گناه بین آن دو روزت را می بخشد، یا اگر در هر جمعه یا هر ماه یا هر سالی عمل کنی، خداوند گناه بین آن ها را می بخشد.» بافضیلت ترین وقت خواندن نماز جعفر طیار روز جمعه، هنگام بالا آمدن آفتاب است. در حدیث رسول خدا □ درباره مقام کسی که نماز جعفر طیار را بخواند، آمده است که اگر انسان مانند ریگ بیابان و کف دریا گناه داشته باشد، حق تعالی گناه های او را می آمرزد. این نماز چهار رکعت است و دو سلام دارد (دو تا دو رکعتی). نماز گزار در هر رکعت، حمد و سوره می خواند. سپس پانزده مرتبه می گوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر.» همین تسبیح را ده مرتبه در رکوع و همچنین ده مرتبه بعد از سر برداشتن از رکوع و ده مرتبه در سجده اول و ده مرتبه بعد از سر برداشتن از سجده اول و ده مرتبه در سجده دوم و ده مرتبه بعد از سر بلند کردن از سجده دوم می گوید. مستحبات نماز جعفر طیار عبارت است از: ۱. نماز گزار در رکعت اول بعد از حمد، سوره زلزال و در رکعت دوم، سوره عادیات و در رکعت سوم، سوره نصر و در رکعت چهارم، سوره توحید بخواند. ۲. مستحب است که نماز گزار در سجده دوم رکعت چهارم، بعد از تسبیحات بگوید: «یا من لبس العز و الوقار یا من تعطف بالمجد و تکرّم به یا من لا ینبغی التسییح الا له یا من احصى کل شیء علمه یا ذا النعمه و الطول یا ذا المن و الفضل یا ذا القدره و الکرّم، أسئلك بمعاهد العزّ من عرشک و منتهی الرحمه بکتابک و یاسمک الأعظم الاعلی و کلماتک التامات أن

تصلی علی محمد و آل محمد و افع‌ل بی کذا و کذا.» سپس حاجت هایش را بگوید. به فارسی هم می‌تواند حاجتش را درخواست کند. ۳. بعد از تمام شدن نماز، مستحب است دعایی را بخواند که شیخ طوسی و سیدبن طاووس از مفضل بن عمر نقل کرده‌اند.

۴- حامد اسلام جو، صدای سخن عشق، مجموعه‌ای از حکمت‌ها و حکایت‌های نماز از زبان آیت‌الله بهجت، ص ۱۰۲.

اشاره

اولین گام برای به دست آوردن برنامه آموزش نماز، مراجعه به روایات معصومان \square است. به همین سبب، نخست به بررسی روایات می پردازیم. سپس مراحل آموزش نماز و اهداف و محتوای آموزشی هر مرحله را بررسی می کنیم و در پایان، ویژگی های برنامه آموزش نماز را در سیره معصومان \square بیان می کنیم.

۱.۴. بررسی روایات

اشاره

در باب نماز کودکان، روایات متعددی از معصومان \square وجود دارد که می توانیم آن ها را به سه دسته تقسیم کنیم:

۱. روایاتی که در آن ها لفظ «وجوب» را به کار برده اند؛

۲. روایاتی که در آن ها از لفظ «امر» و «مؤاخذه» و «تعلیم» استفاده کرده اند؛

۳. روایاتی که در آن ها، اجازه تنبیه بدنی کودکان را برای وادار کردن آنان به ادای فریضه نماز داده اند.

این روایات را به ترتیب ذکر کرده، بررسی می کنیم.

۱. عن ابی عبد الله ع قال:

إذا أتى على الصبيّ ستّ سنين، وجب عليه الصلاه؛ و إذا أطاق الصوم وجب عليه الصيام؛ (۱)

هرگاه کودک شش ساله شد، نماز بر او واجب است و هرگاه توان روزه یافت، روزه بر او واجب می شود.

۲. عن علی بن جعفر عن أخیه موسی ع قال:

سألته عن الغلام متى يجب عليه الصوم و الصلاه؟ قال: إذا راهق اللحم و عرف الصلاه و الصوم؛ (۲)

از امام پرسیدم: «چه زمانی بر پسر، نماز و روزه واجب می شود؟» فرمودند: «هنگامی که به سن بلوغ نزدیک شود و نماز و روزه را درک کند.»

۳. عن محمد بن مسلم عن احدهما ع:

فی الصبيّ متى یصلی؟ قال اذا عقل الصلاه قل: متى یعقل الصلاه و تجب علیه؟ قال لستّ سنين؛ (۳)

از امام باقر یا امام صادق ع پرسیدم: «کودک چه زمانی نماز بخواند؟» فرمود: «زمانی که نماز را بفهمد.» گفتم: «چه زمانی نماز را می فهمد و نماز بر او واجب می شود؟» فرمود: «در شش سالگی.»

چنان که از ظاهر این روایات بر می آید، نماز در شش سالگی یا سنین نزدیک به بلوغ، بر کودک واجب است. این درحالی است که براساس روایات متعدد و به اجماع همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی، پیش از رسیدن به بلوغ، نماز بر کودک واجب نیست. از این رو، نمی توان به ظاهر این روایات اخذ کرد. پس مراد از «وجوب» در این روایات چیست؟

چنان که فقهای بزرگ شیعه متذکر شده اند، وجوب در این روایات به معنای استحباب است؛ یعنی کودکی که به شش سالگی می رسد و می تواند نماز را بفهمد، خوب است نماز بخواند. البته بر او واجب نیست. به همین سبب، هیچ یک از فقها به وجوب نماز بر کودک نابالغ فتوا نداده اند. (۴) دلیل و حکمت این استحباب را بیان خواهیم کرد.

در این روایات «امر» و «اخذ» و «تعلیم» به کار رفته است:

۴. عن النبی ص قال:

إذا عرف الغلام یمینه من شماله، فمروه بالصلاه؛ (۵)

هرگاه پسر دست راستش را از دست چپش تشخیص داد، او را به نماز امر کنید.

۵. عن ابی عبد الله ع قال:

انا نأمر صبیاننا بالصلاه اذا كانوا بنی خمس سنین؛ فمروا صبیانکم بالصلاه اذا كانوا بنی سبع سنین؛ (۶)

ما فرزندان خود را در پنج سالگی به نماز خواندن

ص: ۹۰

۱- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۹، حدیث ۴.

۲- همان، ص ۱۸، حدیث ۳.

۳- همان، حدیث ۲.

۴- سید محمد کاظم یزدی، العروه الوثقی، ج ۱، ص ۷۴۱، مسئله ۳۵ و ج ۲، ص ۲۱۷، مسئله ۲ و ص ۵۰۳، مسئله ۱.

۵- محمد جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت ع، ص ۲۳۳.

۶- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۹، حدیث ۵.

دستور می دهیم. شما فرزندان خود را در هفت سالگی به نمازخواندن دستور بدهید.

۶. عن النبي ﷺ قال:

مروا صبيانكم بالصلاه اذا كانوا أبناء عشر سنين؛ (۱)

فرزندان خود را زمانی که ده ساله شدند، به نمازخواندن دستور بدهید.

۷. قال علي ﷺ:

عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا ثَمَانِي سَنِينَ؛ (۲)

فرزندان خود را نماز بیاموزید و در هشت سالگی آن ها را برای نماز، مؤاخذه کنید.

۸. معاوية بن وهب قال:

سألت ابا عبد الله ﷺ في كم يؤخذ الصبي بالصلاه؟ فقال: فيما بين سبع سنين و ست سنين؛ (۳)

در چه سنی، کودک درباره نماز بازخواست شود؟ بین سنین شش و هفت سالگی.

۹. عن الرضا ﷺ قال:

يؤخذ الغلام بالصلاه و هو ابن سبع سنين؛ (۴)

کودک در هفت سالگی برای نماز بازخواست می شود.

مفاد سه روایت نخست از این روایات این است که کودک را به نمازخواندن دستور دهید؛ اما در سن آن اختلاف دارند: روایت اول، زمان آن را هنگام تشخیص دست راست از چپ می داند و این روایت شامل پنج تا شش سالگی می شود. روایت دیگر، هفت سالگی و روایت بعدی نیز ده سالگی را برای این کار معین کرده است.

روایات ۷ و ۸ و ۹ نیز بازخواست کودک درباره نماز را خواسته است و سن آن را شش و هفت، هفت و نیز هشت سالگی بیان کرده است. درباره تعلیم هم روایتی آمده است؛ اما سنی برای آن بیان نشده است. روایات «امر» و «اخذ»، با یکدیگر درباره سن امر و اخذ اختلاف دارند؛ اما این اختلاف براساس قاعده حمل مطلق بر مقید و قاعده «تعدد شرط و وحدت جزا» رفع می شود. حاصل آن این است که زمان مناسب برای امر، از پنج سالگی به بالاست و برای مؤاخذه از شش هفت سالگی به بالا. بنابراین می توان در هر یک از این سنین، به این کار اقدام کرد.

در این روایات، توجه به این نکته لازم است که امر و دستور، با مؤاخذه و بازخواست تفاوت دارد. امر و دستور لزوماً مؤاخذه و بازخواست را به دنبال ندارد. همچنین روایات امر و روایات مؤاخذه در سنین شش و هفت به بعد، با یکدیگر مشترک

هستند؛ اما در سن کمتر از آن، فقط امر به نماز آمده است. از این دو مطلب معلوم می شود در سنین کمتر از شش و هفت سالگی، مؤاخذه ای در کار نیست و تنها می توان کودک را به نماز خواندن امر کرد.

روایات دیگری که در آن ها هفت سال اول زندگی کودک را دوره بازی

ص: ۹۱

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۹، حدیث ۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰، حدیث ۸.

۳- همان، ص ۱۸، حدیث ۱.

۴- همان، ج ۲۱، ص ۴۶۰، حدیث ۱.

و پادشاهی (۱) کودک دانسته اند نیز همین معنا را می‌رساند. در دوره بازی نمی‌توان به آموزش جدی پرداخت و از کودک درباره نماز بازخواست کرد. اما از این سن به بعد، بعضی از روایات «امر» و بعضی دیگر «مؤاخذه» را تجویز کرده‌اند.

اینکه در بعضی روایات درباره سنین شش و هفت و بعد از آن، گفته‌اند کودک به نماز امر شود و در بعضی دیگر، اجازه مؤاخذه داده‌اند، تعارض در مدلول این روایات ایجاد نمی‌کند؛ زیرا این روایات مصداق قاعده ای اصولی هستند: هرگاه برای یک شرط در روایات متعدد، مشروط‌های متعددی بیان شد، در صورت تحقق شرط، همه مشروط‌ها تحقق می‌یابند.

بنابراین درباره این روایات باید بگوییم: با ورود کودک به شش یا هفت سالگی، هم امر و هم مؤاخذه جایز است. تعلیم نیز از چنان گستره ای برخوردار است که از پنج شش سالگی تا زمان بلوغ و بعد از آن را شامل می‌شود. نهایت اینکه تعلیم در بعضی سنین، چندان جدی نیست؛ اما در بعضی سنین، جدی و همراه با مؤاخذه است. با وجود این، در روایات مؤاخذه، این مطلب هنوز مبهم است که آیا مؤاخذه تنها در حد بازخواست لفظی است یا تنبیه بدنی را نیز شامل می‌شود. این ابهام از آنجا ناشی می‌شود که مؤاخذه در زبان عربی می‌تواند عقاب (تنبیه بدنی) را نیز شامل شود. (۲) به این پرسش، در بررسی روایات دسته سوم پاسخ خواهیم داد.

از مجموع روایات دسته دوم استفاده می‌شود:

۱. آموزش مستقیم نماز از پنج یا شش سالگی شروع می‌شود. کودک در این سن می‌تواند نماز را بفهمد؛

۲. در این مرحله، آموزش چندان جدی نیست؛ مؤاخذه ای در کار نیست و کودک در کنار بازی، با نماز آشنا می‌شود؛

۳. مرحله دوم آموزش نماز که از هفت سالگی آغاز می‌شود، جدی است و الزام و بازخواست و مؤاخذه در کار است. روایاتی که هفت سال دوم را دوره تأدیب و تعلیم و اطاعت تلقی کرده‌اند نیز مؤید این مطلب هستند.

دسته سوم

این دسته از روایات، تنبیه بدنی کودک را به منظور آموزش نماز اجازه داده‌اند:

۱۰. عن النبی ﷺ قال:

مروا صبیانکم بالصلاه إذا بلغوا سبع سنین و اضربوهم علی ترکها إذا بلغوا تسعاً...؛ (۳)

هنگامی که فرزندان هفت ساله شدند، به نماز دستورشان دهید و در نه سالگی آنان را در صورت ترک نماز، بزنید.

ص: ۹۲

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۲، حدیث ۱ و ۲.

۲- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ماده اخذ.

٣- مستدرک الوسائل، ج ١٥، ص ١٦٠، حدیث ١ و ج ٣، ص ١٩، حدیث ٤.

۱۱. عن النبي ﷺ قال:

أدب صغار أهل بيتك بلسانك على الصلاة و الطهور، فإذا بلغوا عشر سنين فاضرب و لا تجاوز ثلاثاً؛ (۱)

خردسالان خانواده ات را با زبان، نماز و طهارت بیاموز و هنگامی که به ده سالگی رسیدند، آنان را بزَن؛ اما از سه ضربه تجاوز نکن.

۱۲. عن النبي ﷺ:

علموا الصبي الصلاة ابن سبع سنين و اضربوه عليها ابن عشر سنين؛ (۲)

کودک را در هفت سالگی نماز بیاموزید و در ده سالگی برای نماز بزَنید.

در این دسته از روایات، اجازه داده اند کودکان را از نه یا ده سالگی برای آموزش نماز و اقامه آن، در صورت لزوم، تنبیه کنیم. از این سنین، آموزش نماز وارد مرحله جدی تری می شود که علاوه بر مؤاخذه لفظی، می توان کودک را تنبیه نیز کرد. اینکه در روایت اول، نه سالگی و در روایت دوم ده سالگی را برای شروع تنبیه ذکر کرده اند، موجب تعارض دو روایت نیست؛ زیرا چنان که قبلاً گفتیم، این دو روایات با یکدیگر جمع می شوند و نتیجه این می شود که هرگاه کودک به نه یا ده سالگی رسید، می توان او را برای نماز تنبیه کرد.

به علامه، با توجه به اینکه براساس این روایات، تنها در نه یا ده سالگی می توان کودک را تنبیه کرد و قبل از آن تنبیه روا نیست، به ویژه که روایت ۱۱ صریحاً این را بیان کرده است، معلوم می شود که مراد از «مؤاخذه» در روایات دسته دوم، تنها مؤاخذه لفظی است، نه چیزی بیش از آن. روایاتی که در آن ها توصیه کرده اند با کودکان از سر لطف و رحمت رفتار شود و با آن ها به زبان کودکی گفت و گو شود نیز این نکته را تأیید می کنند که تا قبل از نه و ده سالگی باید با تشویق و ترغیب (۳) و اموری از این قبیل، کودک را به سوی نماز هدایت کنیم.

درباره ده سالگی، روایت ۶، امر به نماز و روایت ۱۱ و ۱۲، تنبیه بدنی و روایات دسته دوم مؤاخذه را به مفهوم اولویت توصیه کرده اند. در این سن، از هر سه می توان استفاده کرد. به طور کلی، هریک از مراحل بالا-تر، مراحل پایین تر را در دل خود دارد. مثلاً در هفت سالگی که مؤاخذه را توصیه کرده اند، به نماز هم می توان امر کرد.

استاد بزرگوار، علامه امینی در شرح روایات دسته سوم، روایات ۱۰ و ۱۱ و ۱۲، می نویسد:

اسلام در موارد خاصی تنبیه بدنی کودک را تجویز کرده است:

۱. دعوت او به نماز از راه های دیگر (مثل تشویق) ممکن نباشد؛

۲. این تنبیه خیلی مختصر و در حد هشدار باشد، نه به صورت خشونت؛ مبادا موجب عقده یا دیه گردد. (۴)

۱- محمدجواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت □، ص ۲۲۱.

۲- همان، ص ۲۲۲.

۳- «ترغیب» در متون دینی عبارت است از ایجاد میل و رغبت در فرد، برای انجام دادن دستورهای خداوند □.

۴- ابراهیم امینی، تربیت، ص ۲۵۳.

در جمع بندی نهایی این روایات، به این نتیجه می‌رسیم که آموزش نماز، سه مرحله دارد که به ترتیب باید طی شوند. این سه مرحله (۱) عبارت است از:

۱. مرحله ابتدایی

این مرحله از زمانی آغاز می‌شود که کودک، قدرت درک و فهم اجمالی نماز را پیدا می‌کند (پنج یا شش سالگی) و به شش یا هفت سالگی ختم می‌شود. اختلافی که در روایات درباره تعیین سنین این مرحله وجود دارد، ناشی از تفاوت های فردی کودکان است: بعضی از کودکان از رشد فکری سریع تری برخوردارند و بعضی دیگر چنین نیستند. در این مرحله، هیچ نوع الزامی در کار نیست و تنها باید او را با نماز آشنا کرد.

۲. مرحله متوسطه

این مرحله از شش تا هفت سالگی آغاز شده و به نه تا ده سالگی ختم می‌شود. تفاوت روایات در سنین آغاز و ختم این دوره نیز ناشی از تفاوت فردی کودکان در رشد ذهنی است. (۲) در این مرحله، آموزش نماز تا حدی، صورت جدی به خود می‌گیرد و نماز کودکان تا حدی تحت نظر قرار می‌گیرد و کودک برای آن، مؤاخذه کلامی نیز می‌شود.

۳. مرحله نهایی

این مرحله از نه تا ده سالگی آغاز شده، به سن بلوغ ختم می‌شود. در این مرحله، آموزش بسیار جدی می‌شود؛ تا آنجا که کودک برای ترک نماز ممکن است تنبیه بدنی نیز بشود. در این مرحله، کودک با نماز آشنا می‌شود؛ احکام آن و فواید و آثار آن را می‌آموزد و نمازهای روزانه را مرتب می‌خواند. به عبارت دیگر، عادت نمازخواندن در او شکل می‌گیرد و پایدار می‌شود.

این روایات، گرچه مراحل آموزش نماز را ترسیم می‌کنند، درباره محتوای آموزش و نکات خاصی که در هر مرحله باید رعایت شود، اطلاعاتی به دست نمی‌دهند: آیا باید از کودک پنج ساله همان نمازی را بخواهیم که از نوجوان دوازده ساله انتظار می‌رود؟ آیا باید همه نماز را به یک باره به کودک آموزش دهیم یا به تدریج و جزء به جزء؟

جواب این مسائل را می‌توان در روایت مفصلی که از امام صادق ع نقل شده است، به دست آورد. عبدالله بن فضاله از امام باقر یا امام صادق ع نقل می‌کند که فرمودند:

آن گاه که پسر سه ساله شد، به او می‌گویند: «هفت بار بگو: لا إله إلا الله.»

-
- ۱- . خداوند در مقام تربیت، انجام پاره ای از تکالیف را به جای آنکه یک باره و به تمامی درخواست کند، به تدریج در چند مرحله به میان آورده و در پایان، صورت کامل تکلیف را مطرح ساخته است. برای مثال، تحریم شرب خمر و ربا چنین مرحله بندی ای داشته است. این روش، مظهري از اصل مسامحت می باشد. بازگشت این اصل نیز به ویژگی عمومی ضعف در انسان ها است (خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، ص ۲۲۳).
- ۲- محمود بستانی، الاسلام و علم النفس، ص ۵۵.

وقتی سه سال و هفت ماه و بیست روزه شد، به او می گویند: «هفت بار بگو: محمد رسول الله.» وقتی چهار ساله شد، به او می گویند: «هفت بار بگو صلی الله علی محمد و آل محمد.» آن گاه که پنج سالش تمام شد، از او می پرسند: «دست چپ تو کدام و دست راست تو کدام است؟» اگر جواب صحیح داد، او را رو به قبله می کنند و می گویند: «سجده کن.» و رهایش می کنند تا شش ساله شود.

زمانی که شش سالش تمام شد، رکوع و سجود را به او می آموزند و به نمازش وامی دارند تا هفت ساله شود. وقتی هفت سالش تمام شد، به او می گویند: «دو دست و صورتت را بشوی.» آن گاه به او می گویند: «نماز بخوان.» تا نه سالش تمام شود. در آن هنگام، وضو را به او می آموزند و برای آن، او را می زنند و نماز را به او می آموزند و بر آن، او را می زنند. هرگاه وضو و نماز را آموخت، خداوند والدینش را مشمول رحمت خود می کند. (۱)

در این روایت، کارهایی را بیان کرده اند که باید در هریک از سه مرحله انجام شود. باین حال، از این روایت استفاده می شود قبل از آنکه آموزش نماز را به صورت مستقیم شروع کنیم، باید مبانی اعتقادی را به کودک تلقین کنیم: توحید و نبوت پیامبر اسلام. براساس این روایت، یک مرحله به مراحل آموزش نماز اضافه می شود.

۲.۴. مراحل آموزش نماز و اهداف و محتوای آن

اشاره

در اینجا، تفصیل کارهایی را بیان می کنیم که در هر مرحله باید انجام دهیم:

۱.۲.۴. مرحله زمینه سازی

در این مرحله باید کلمه توحید، لا إله إلا الله، و رسالت پیامبر، محمد رسول الله، را تا چهارسالگی به کودک تلقین کنیم.

۲.۲.۴. مرحله ابتدایی

زمانی که کودک توان فهم نماز را یافت، پنج سالگی، باید او را رو به قبله کنیم و سجده کردن را به او بیاموزیم. کودک در این سن باید با اصل و لبّ عبادت آشنا شود که همان سجده در برابر آفریننده جهان است.

۳.۲.۴. مرحله میانی

در این مرحله، دو کار را باید به کودک بیاموزیم و او را تمرین دهیم:

۱. آموزش رکوع و سجود: این کار را در شش سالگی به کودک آموزش می دهیم. در این سن، از کودک فقط نمازی را می خواهیم که در آن رکوع و سجود باشد. به عبارت دیگر، نماز کودک در این مرحله فقط صورتی از نماز است، نه نماز کامل؛ زیرا نه وضو لازم است، نه نیت و نه حتی قرائت یا شستن دست و صورت. کودک این کار را یک سال تمرین می کند و برای آن، مؤاخذه اش می کنیم.

۲. هنگامی که کودک هفت ساله می شود، علاوه بر نماز خواندن

ص: ۹۵

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۴، حدیث ۳.

به همان صورت سابق، از او می‌خواهیم برای نماز، دست و صورتش را نیز بشوید. البته این شست و شو وضو نیست؛ زیرا در وضو ترتیب خاص و شستن دست از آرنج و مسح و سر و پا لازم است؛ درحالی که در این سن، فقط شستن دست‌ها تا مچ و شستن صورت را از کودک می‌خواهیم. کودک این کار را تا نه سالگی یعنی به مدت دو سال تمرین می‌کند و برای آن مؤاخذه‌اش می‌کنیم و چیزی بیش از این از او انتظار نداریم.

۴.۲.۴. مرحله پایانی

در این مرحله، با توجه به اینکه کودک در حدود چهار سال اعمال و حرکات نماز را تمرین کرده است و با صورت نماز و وقت نماز، آشنایی کامل پیدا کرده و تاحدی به آن خو گرفته است، وضو و نماز را به صورت کامل به او می‌آموزیم و او را برای آن مؤاخذه و در صورت لزوم، تنبیه می‌کنیم. این کار را تا سن بلوغ ادامه می‌دهیم. بدین ترتیب، کودک حدود چهار سال نیز نماز صحیح را تمرین می‌کند. طبیعی است که در طول این مدت، کودک با نماز آشنا می‌شود و به آن عادت می‌کند و این عادت در او پایدار می‌شود.

البته نمازی که کودک در این مرحله می‌آموزد، لازم است فقط شروط صحت را داشته باشد و رعایت مستحبات نماز برای او لازم نیست. مؤید این مطلب، روایتی است که در آن نقل کرده اند امام زین العابدین علیه السلام به کودکان دستور می‌دادند نماز مغرب و عشا را باهم بخوانند. این درحالی بود که مستحب است این دو نماز، جدا از هم و با فاصله ای حدود یک ساعت خوانده شوند. دلیل آن را نیز چنین بیان می‌کنند: اینکه نماز را در غیر وقت فضیلت بخوانند، بهتر از این است که آن را اصلاً نخوانند (۱).

از این روایت مطلب دیگری نیز به صراحت استفاده می‌شود: ستر اصرار ائمه علیهم السلام بر نمازخواندن کودکان قبل از بلوغ این است که کودکان با نماز آشنا شوند و به آن عادت کنند و این عادت در آن‌ها راسخ شود. در این روایت، آنچه امام از کودکان خواسته اند و دستور داده اند که کودکان را به آن وادارند، هرچند به اجبار، صورت نماز است؛ نه نماز صحیح. از این رو فقهای بزرگ شیعه فتوا داده اند که مستحب است کودکان را قبل از بلوغ، به نماز خواندن عادت دهیم. (۲)

۳.۴. ویژگی‌های برنامه آموزش نماز در سیره معصومان علیهم السلام

اکنون لازم است درباره بعضی از مطالب مطرح شده در این روایات، توضیحاتی بدهم:

۱. نماز برخلاف ظاهر ساده‌اش، مظهر کامل دین اسلام و تدین نمازگزار است. آیا دین، چیزی جز شناختن خداوند متعال و تسلیم محض بودن نمازگزار در برابر خداوند قادر متعال و حکیم و علیم است؟ بنابراین، اعمال و حرکات عبادت نما، در صورتی واقعاً عبادت و عبودیت خواهند بود که نمازگزار با خدا و رسول او (ص) آشنا باشد. درست است

۱- برای پاسخ به این پرسش که «چرا از کودکان و نوجوانان توقع نمی‌رود نماز را با رعایت تمام آداب آن به جا آورند؟»،

نک: پیوست ۱، ص ۱۶۱.

۲- سیدمحمد کاظم یزدی، العروه الوثقی، ج ۱، ص ۷۴۱، مسئلہ ۳۵ و ج ۲، ص ۲۱۷، مسئلہ ۲.

که کودک توان معرفت خدا را همچون بزرگ سالان ندارد، اما توان درک محدود از خداوند را دارد. از این رو کودک قبل از آموزش نماز، باید تاحدودی با معبود خود آشنا شود (مرحله زمينه سازی).

۲. ایجاد عادت به نماز اگر تنها متوجه آن باشد که کودک، اعمال و اوراد نماز را در مواقع معین و با رعایت شروط لازم بیاموزد و به آن خو بگیرد، با هدف نماز که یاد خدا و تقویت عبودیت است، منافات دارد؛ زیرا چنین فردی همانند ماشینی خواهد شد که در مواقع خاصی، اعمالی را بدون اراده و آگاهی تکرار می کند. درست است که کودک از چنان رشدی برخوردار نیست که بتواند رموز و اسرار نماز را درک کند و چنان انتظاری از کودک، معقول هم نیست؛ اما این، مجوز ایجاد عادت مکانیکی نماز در کودک نیست. برای مصون ماندن از این آسیب، در این روایات راه حلی ارائه شده است و آن اینکه زمانی نماز را به کودک بیاموزیم که توان فهم اجمالی نماز را داشته باشد.

کودکی که می تواند دست چپ و راست خود را تشخیص دهد، می تواند تصویری هرچند مبهم از اصل نماز داشته باشد: اظهار خضوع و خشوع در برابر خالق یکتا. از این رو توصیه کرده اند در پنج تا شش سالگی که کودک از چنین فهمی برخوردار می شود، آموزش نماز را شروع کنیم. در این سن، کودک فقط با روح عبودیت و عصاره نماز آشنا می شود که سجده در مقابل خداوند یکتاست. کودک یک سال بر همین منوال، عمل و تمرین می کند.

به علاوه، در طول مدت آموزش نماز، فواید و آثار و اسرار نماز نیز در حد فهم کودک بیان می شود؛ چنان که امام صادق علیه السلام قبل از حلول ماه رمضان، درباره این ماه و فضایل آن با فرزندان خود گفت و گو می کرد. بدین ترتیب، تمرین نماز و عادت به آن، با آگاهی و فهم نماز همراه می شود و آثار سوء تربیت مبتنی بر عادت، از بین می رود.

۳. تنبیه یکی از عوامل مؤثر در ایجاد عادت است. این ابزار را اگر زمانی به کار بگیریم که فرد تنبیه شده، از قدرت درک و فهم برخوردار است و همراه با آن، آگاهی دادن هم در کار باشد، عادت آگاهانه در او ایجاد می شود. در غیر این صورت، عادت ایجاد شده، مکانیکی و در حد بازتاب های شرطی خواهد بود.

آیت الله صافی گلپایگانی (حفظه الله):

مسئله کتک زدن و تأدیب مناسب، آن هم نه شدید، در بعض موارد [برای واداری کودک به نماز] و در صورتی که از همه امکانات ملاحظت آمیز استفاده شد و اثر نکرده باشد، به حکم:

آخر الدواء الکی؛

آخرین درمان داغ کردن است.

لازم می شود. مع ذلک، اگر به صورتی که اثر سوء باشد و طفل به لجاجت و مقاومت وادار شود، نباید به آن متوسل شد. غرض این است که طفل تربیت اسلامی و انسانی پیدا نماید و برای این منظور، پدر و مادر باید از لطائف و دقایق تربیتی مناسب استفاده کنند؛ خصوصاً که

تربیت طفل کار بسیار لطیف و دقیق است. باید ظرافت‌ها و لطافت‌هایی که لازم است، همه به کار گرفته شود. (۱)

از این رو معصومان آموزش نماز را به صورت کامل و با استفاده از تنبیه بدنی، تنها در نه تا ده سالگی و بعد از آن، آن هم در صورت ناکارآمدی سایر روش‌ها، اجازه داده‌اند. علت این است که در این سنین، قدرت فهم کودک، بسیار افزایش یافته است. (۲)

دکتر سیدمحمدباقر حجتی درباره حدود تنبیه فرزند می‌نویسد:

این تنبیه بدنی، طبق موازین و قوانین فقهی، نباید از حدود ایجاد درد تجاوز کند و نمی‌تواند به سرحد جرح و قتل و حتی ایجاد سرخی در بدن برسد و باید روی هم رفته، تنبیه مذکور بسیار خفیف و سبک باشد؛ زیرا کودک در این سن و سال و حتی پنج سال پس از آن، مکلف و مسئول نیست. (۳)

۴. نماز عصاره اسلام و مظهر مسلمانی است و چنان که در قرآن آمده است، «امری عظیم» (۴) است. از این رو نمی‌توان انتظار داشت که یک شبه یا یک ساله، کودک به آن عادت کند. کودک باید به تدریج آن را بیاموزد و به رموز آن پی ببرد و خود را به آن خو دهد. شاید بدین سبب است که معصومان زمانی حدود هشت سال را برای این امر اختصاص داده‌اند و توصیه کرده‌اند که آموزش نماز، از سجده شروع شود و به تدریج به نماز کامل برسد.

در این فرایند، به موازات رشد کودک، آموزش نماز جدی‌تر و کامل‌تر می‌شود و بالاخره در نه تا ده سالگی به اوج خود می‌رسد؛ زیرا این سنین در روند شکل‌گیری شخصیت کودک بسیار مهم است. در نه تا پانزده سالگی اگر عادت به نماز ایجاد نشود، عادات دیگری جای آن را می‌گیرد و ایجاد عادت به نماز به مراتب مشکل‌تر خواهد شد. (۵)

۴.۴. جمع بندی

اشاره

مراحل و فعالیت‌های هریک از مراحل آموزش نماز بدین قرار است:

۱. مرحله زمینه‌سازی که از سه سالگی تا پنج سالگی ادامه دارد. فعالیت‌های این مرحله عبارت‌اند از:

۱.۱. تلقین کلمه «لا إله إلا الله» در سه سالگی؛

۲.۱. تلقین کلمه «محمد رسول الله» در سه سالگی و هفت ماه و بیست روزگی؛

۳.۱. تلقین «صلی الله علی محمد و آله» در چهار سالگی.

۲. مرحله ابتدایی (پنج تا شش یا شش تا هفت سالگی). فعالیت این مرحله عبارت‌اند از:

۱.۲. آشنا کردن کودک با قبله؛

۲.۲. آشنا کردن کودک با سجده. در این مرحله، مؤاخذه ای در کار

ص: ۹۸

۱- جامع الاحکام، ج ۱، سؤال ۲۶۰.

۲- محمود بستانی، الاسلام و علم النفس، ص ۸۰.

۳- اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۸۲، بخش دوم: تعلیم.

۴- بقره، ۴۵.

۵- مرتضی مطهری، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۹۷.

نیست؛ چنان که الزامی نیز وجود ندارد.

۳. مرحله متوسطه (شش تا نه یا هفت تا ده سالگی). فعالیت های آموزشی در این مرحله عبارت اند از:

۱.۳. در شش سالگی، رکوع و سجود را آموزش می دهیم؛

۲.۳. از هفت تا نه سالگی، شستن دست و صورت قبل از نماز و انجام دادن رکوع و سجود را به کودک آموزش داده، او را تمرین می دهیم؛

۳.۳. در این مرحله، مراقبت و نظارت می کنیم تا کودک اعمال مذکور را تمرین کند و در صورت لزوم، او را مؤاخذه لفظی می کنیم.

۴. مرحله نهایی که از نه یا ده سالگی شروع شده، به سن بلوغ ختم می شود. فعالیت های آموزشی این مرحله عبارت اند از:

۱.۴. آموزش کامل وضو و نماز؛

۲.۴. مراقبت و نظارت به منظور ادای فریضة نماز و در صورت لزوم، تنبیه بدنی و مؤاخذه کردن.

توصیه دکتر علی قائمی

بنای تربیت شما باید به گونه ای باشد که فرزندان تا حدود ده سالگی در امر مذهب، خودکار و خودگردان بار بیایند؛ نیازی به امر و نهی شما در انجام اعمال مذهبی نداشته باشد؛ خود نمازش را بخواند. اگرچه بر پسر در آن سن واجب نیست و اگر کوتاهی کرد، پس از موعظه ها و تذکر می توان به تنبیهش پرداخت.

اعمال فشار از حدود قبل از سنین هشت به کودک، ممکن است موجبات سرخوردگی او را از مذهب فراهم آورد و روح کودک را آزرده سازد و حتی در مواردی ممکن است نتایجی معکوس به بار آورد؛ ولی پس از این سنین، اعمال فشار به صورتی اندیشیده و بجا، عیبی نخواهد داشت. (۱)

۵.۴. تمرین نماز قضا

وقتی نماز را در وقت خود نخوانیم، واجب است پس از وقت، آن را قضا کنیم تا کاستی ها و کوتاهی هایمان در انجام دادن تکالیف را جبران کنیم. رسول خدا ﷺ می فرماید:

مَنْ نَسِيَ صَلَاةً أَوْ نَامَ عَنْهَا، فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يُصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا؛ (۲)

هر کس نمازی را فراموش کند یا خواب بماند، کفاره اش آن است که هر گاه به یاد آورد، بخواند.

هنگامی که از امام باقر ﷺ پرسیدند:

لَمَّا سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ... نَسِيَ صَلَاةً لَمْ يُصَلِّهَا أَوْ نَامَ عَنْهَا: يَقْضِيهَا إِذَا ذَكَرَهَا فِي أَيِّ سَاعَةٍ ذَكَرَهَا مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ؟ (۳)

هنگامی که پرسیدند: «مردی فراموش کرده است نماز هایی را بخواند یا خواب مانده است؟» فرمودند: «هرگاه به یاد آورد، در هر لحظه از شب و روز باشد، آن ها را قضا کند.»

ص: ۹۹

۱- پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، ص ۴۶.

۲- محمد محمدی ری شهری، الصَّلاةُ فِي الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ، ص ۱۷۲؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۷۷، حدیث ۳۱۵، عن انس.

۳- محمد محمدی ری شهری، الصَّلاةُ فِي الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ، ص ۱۷۲؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۹۲، حدیث ۱۰۵۹.

جالب اینجاست که در احکام شرعی سفارش کرده اند بچه ها را با نماز قضا آشنا کنید و زمانی که به هر دلیل نمازشان ترک می شود، نمازشان را در خارج وقت به صورت قضا بخوانند.

مستحب است بچه‌ ممیز را، یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد، به نماز خواندن و عبادت های دیگر عادت دهند؛ بلکه مستحب است او را به قضای نمازها هم وادار نمایند. (۱)

ص: ۱۰۰

۱- روح الله خمینی، توضیح المسائل، مسئله ۱۳۸۹.

پاسخ به چند پرسش

پرسش اول: چرا از کودکان و نوجوانان توقع نداریم نماز را با رعایت تمام آداب آن به جا آورند؛ اما از سال خوردگان چنین انتظاری داریم؟

پاسخ:

۱. کودکان هنوز به آن حد از رشد جسمانی نرسیده اند که بتوانند از عهده کارهای بزرگ سالان برآیند. شاید برای فردی بزرگ سال، خواندن و به جا آوردن آداب و مستحبات نماز مشکل نباشد، اما برای پسر بچه یا دختر بچه ده ساله یا کوچک تر از ده سال، خواندن آداب و مستحبات نماز، مانند اذان و اقامه، ذکر استغفار بین دو سجده، تسبیحات حضرت فاطمه زهرا[ؑ]، خواندن تعقیبات نماز و... مشکل است و ممکن است به مرور زمان، باعث خسته شدنش از نماز و در نتیجه تنفر و دل زدگی اش شود.

۲. کودک و نوجوان، به خلاف بزرگ سالان، هنوز چنان که باید، با آداب و معارف و احکام اسلام آشنا نشده اند. به همین سبب، آمادگی روحی و

ذهنی را برای انجام دادن کامل آن ها، پیدا نکرده اند. انجام وظایف دینی نیز مانند انجام فعالیت های ورزشی است: کسی که سابقه ای طولانی در فوتبال یا وزنه برداری یا دو میدانی دارد، می تواند مدت بیشتری فوتبال بازی کند یا مسیر طولانی تری را بدود یا وزنه سنگین تری بردارد؛ درحالی که فرد تازه کار ممکن است دچار مشکلاتی بشود. وظایف دینی نیز دقیقاً از همین قاعده پیروی می کنند. ازاین رو نباید از کودکان همان را انتظار داشته باشیم که از فردی سال خورده انتظار داریم. اگر کودک مجبور شود آن انتظارات را برآورد، چه بسا آثار نامطلوبی در او بگذارد.

پرسش دوم: عبادتِ تمرینی کودک مانند نماز، روزه، تشریف به حرم، شرکت در مراسم دعا و... چه تأثیری در تربیت او دارد؟

پاسخ: عبادتِ تمرینی کودک و دعا و نیایش کودک در پیشگاه خداوند، اثر درخشانی در روان طفل می گذارد. ممکن است کودک الفاظ و عبارات نماز را نفهمد؛ ولی:

۱. معنای توجه به خدا، راز و نیاز با خدا، استمداد از خدا، عرض دعا و تمنا در پیشگاه خداوند را درک می کند؛

۲. امیدوار بار می آید؛

۳. دلش به خداوند و رحمت نامحدود او مطمئن می شود؛

۴. در باطن خویش، تکیه گاهی برای خود احساس می کند؛

۵. حالت امیدواری و اطمینان و توجه به قدرت نامحدود الهی، بزرگ ترین سرمایه سعادت در تمام دوران زندگی او خواهد بود؛

۶. در مواقع سخت، در پیشامدهای ناگوار، می تواند از آن نیروی نهانی استفاده کند، به آن متکی و مطمئن باشد و در جزر و مدّ حوادث، با خاطری آرام، شخصیت خود را حفظ کند. (۱)

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ، أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ (۲)

مؤمنان واقعی با یاد خدا دلی آرام و مطمئن دارند. آگاه باشید که دل های مردم تنها با یاد خداوند قرار و اطمینان پیدا می کند.

پرسش سوم: این همه تأکید برای نمازخواندن کودکانی که هنوز به سن تکلیف نرسیده اند و دوران آزادی آن هاست، چه معنایی دارد؟

پاسخ: در پاسخ باید به دو نکته مهم توجه کنیم:

۱. این همه تأکید برای این است که کودکان از دوران پیش از بلوغ، به رفتارهای دینی عادت کنند؛ تا در زمان تکلیف، با میل و رغبت خود و بدون دستور مربیان، نماز را اقامه کنند؛

۲. کودکان به طور طبیعی به رفتارهای دینی علاقه مندند. همچنان که معارف دینی، چون توحید، با سرشت کودک آمیخته است، اعمال و رفتارهای دینی چون نماز نیز برای فطرت نیالوده کودک، بیگانه نیست. از این رو، اگر مربیان تکالیفی چون نماز و روزه را با اکره و تلخی ارائه ندهند، این گونه رفتارها اقتناع کننده روح کودک خواهد بود و برخلاف دشوار بودن، کودک آن را ضروری می شمارد و انجام می دهد. بارها دیده شده است که کودک با دیدن نماز والدین و مربیان خود، علاقه بسیاری

ص: ۱۰۲

۱- گفتار فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، ص ۱۸۷.

۲- رعد، ۲۸.

از خود نشان می دهد و با دقت به نظاره می نشیند.

پرسش چهارم: منشأ کاهلی و سستی در نماز و سبک شمردن آن چیست؟ چرا برخی کودکان و نوجوانان درباره نماز سهل انگارند و از اوقات نماز محافظت نمی کنند؟

پاسخ: با نگاهی اجمالی به روایات نماز، از میان علل فراوانی که وجود دارد، دو علت از همه بیشتر خود را نشان می دهد:

۱. کاهلی و سهل انگاری خود والدین و مربیان در برپایی نماز و رفتار نامناسب آن ها در برخورد با فرزندان: کودکان ما همان نمازی را می خوانند که ما می خوانیم و همان انتظاری را از نماز دارند که مربیان شان دارند. اگر ما به نماز به چشم تکلیف می نگرییم و نوع نمازخواندن ما نشانگر این است که نماز باری سنگین بر دوش ماست، دیگر نباید انتظار داشته باشیم که فرزند ما عاشقانه به نماز بنگرد و به عنوان رابطه با خدا، نماز بخواند. باید بپذیریم که نماز ما در برابر دیدگان تشنه کودکان، نمازی بی روح و خشک است و برای کودک و نوجوان جاذبه ندارد. از سوی دیگر، برخورد برخی مربیان با نمازخواندن کودکان، زننده و بعضاً نفرت زاست.

۲. برخی از مربیان، در زمان کودکی شان، به اقامه نماز و مراقبت از اوقات آن عادت داده نشده اند و اکنون که پا به سن گذاشته اند و مشغله های فراوان کاری و مادی با نقابی زیبا آن ها را محاصره کرده است، اقامه نماز برایشان دشوار می نماید. اینان قیاس به نفس کرده، گمان می کنند که دستوردادن به کودکان برای اقامه نماز، زودهنگام است و واداشتن آن ها به نماز، مانع آزادی شان می شود. اینان با خود می گویند آن گاه که کودکان بالغ شدند، آموزش نماز به آنان را شروع می کنیم. آیا این والدین و مربیان سخن مولا علی علیه السلام را نشنیده اند:

نماز را در کودکی به فرزندان تعلیم دهید و هنگام بلوغ، آنان را به نماز وادار کنید. (۱)

پرسش پنجم: چرا فرزند برخی از شخصیت های دینی یا خانواده های مذهبی، کاهل نماز یا بی نماز می شوند؟

پاسخ: برای پاسخ به این پرسش، نخست نگاه قرآن و حدیث را به مسئله وراثت بازگو می کنیم: وراثت (۲) با همه نفوذ و اهمیتی که دارد، تحت تأثیر عوامل دیگر قرار می گیرد و گرفتار شدت و ضعف یا حتی دگرگونی می شود؛ به گونه ای که فردی با زمینه های وراثتی ناسالم می تواند به سلامت گراید و به عکس، فردی با وراثت درست، به نادرستی و اختلال شخصیتی میل کند. خداوند تعالی در کتاب آسمانی خود به این حقیقت با این بیان رمزگونه اشاره می فرماید:

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ؛ (۳)

زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده.

در روایات درباره معنا و مصداق بیرون آوردن زنده از مرده و مرده از

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۳۵۳.

۲- وراثت یعنی آنچه آدمی از پدر و مادر و اجداد خود گرفته است و به هنگام تولد، با خود به دنیا می آورد.

۳- روم، ۱۹.

زنده، چنین آمده است:

يُخْرِجُ الْمُؤْمِنَ مِنَ الْكَافِرِ وَيُخْرِجُ الْكَافِرَ مِنَ الْمُؤْمِنِ؛

مؤمن را از کافر بیرون می آورد و کافر را از مؤمن.

رسول خدا ﷺ نیز می فرماید:

السَّعِيدُ قَدْ يَشْقَى وَالشَّقِيُّ قَدْ يَسْعَدُ؛^(۱)

گاهی خوشبخت بدبخت می شود و بدبخت به راه خوشبختی گام بر می دارد.

یعنی گاهی انسانی که از وراثت نیکو بهره مند است، تحت تأثیر عوامل دیگر مانند عوامل محیطی،^(۲) راه نادرست پیش می گیرد و دارای شخصیت ناسالم می شود. گاهی نیز انسانی که از زمینه های وراثتی ناسالم برخوردار است، تحت تأثیر عوامل دیگر، راه درست پیش می گیرد و خود را خوشبخت می سازد.^(۳) ممکن است فرزندی در خانواده ای اصیل و مذهبی متولد شود (وراثتی سالم)؛ تربیت او با استمداد از خداوند آغاز شود و ادامه یابد؛ در محیطی سالم رشد کند و از تلاش تربیتی والدین و مربیان نیز برخوردار باشد. با این حال نتوان گفت که فرزندی صالح و سالم بار آمده است.

علت این امر را سِوای عوامل محیطی، باید در نبود عاملی کلیدی و مؤثر در تربیت جست و جو کرد: نادیده انگاشتن اراده فرزندان. فرزند من و شما اراده و اختیار دارد. او باید انتخاب کند: انتخاب میان راه و چاه، صلاح و فساد، خوبی و بدی، درستی و نادرستی، ایمان و کفر و... در واقع، تصمیم نهایی با اوست. این، واقعیتی است که ما مسلمانان نیز بدان اعتراف می کنیم: آدمی مختار آفریده شده است. *إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا*^(۴) انسان در تعیین سرنوشت خود، در تصمیم خود، در اتخاذ راه و روش زندگی خود آزاد است؛ برخلاف حیوان که محکوم به غریزه است^(۵)

اگر قرار باشد فرزند به اجبار صالح و سالم باشد، او را به جبر و بی اراده بودن محکوم کرده ایم؛ درحالی که خداوند، انسان را آزاد^(۶)

ص: ۱۰۴

۱- اسماعیل حقی، روح البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، چاپ سنگی، ۱۳۰۶ق، ص ۱۰۴.

۲- شرایط محیطی بعد از تولد که بر شخصیت و رفتار کودک تأثیر می گذارد را می توانیم به دو دسته تقسیم کنیم: شرایط محیط طبیعی و جغرافیایی و شرایط محیط انسانی و اجتماعی. منظور ما از محیط اجتماعی، یعنی خانواده، مدرسه، گروه همسالان، جامعه، فرهنگ، مذهب، وسایل ارتباط جمعی، شغل، مؤسسات، انجمن ها، محافل مذهبی، علمی، هنری و سیاسی، احزاب، سیستم های تعلیم و تربیت و الگوهای فرهنگی است. هر کدام از این ها به نوعی تأثیر خود را روی شخصیت افراد نشان داده اند؛ اما در این میان، محیط خانواده از اهمیت بیشتری برخوردار است (محمدصادق شجاعی، دیدگاه های روان

شناختی آیت الله مصباح یزدی، ص ۲۶۸).

۳- سعدی شیرازی به این حقیقت این گونه اشاره می کند: پسر ن-وح ب-ا ب-دان ب-نشستخ-ان-دان ن-بوتش گ-م شد سگ اصحاب کهف روزی چندپی نیکان بگشت و آدم شد

۴- انسان، ۳.

۵- محمود طالقانی، آزادی و استبداد، ص ۴۲.

۶- در اسلام، اصل بر حریت است؛ مگر آنکه خود فرد به بندگی اقرار کند. شیخ حر عاملی (ره) می گوید: «النَّاسُ كُلُّهُمْ حُرٌّ إِلَّا مَنْ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالْعُبُودِيَّةِ» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۴).

آفریده است مولا علیؑ نیز با نهی از بندگی اغیار می فرماید:

...وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ (۱)

خداوند تو را آزاد آفریده است.

ممکن است همین، راز ناباب بودن و اهل نبودن فرزند برخی از شخصیت های دینی و خانواده های مذهبی باشد: نادیده گرفتن اختیار و اراده فرزند. (۲)

فرزندان ما آن می شوند که خود تصمیم می گیرند؛ نه آنکه ما می خواهیم. نقش والدین و مربیان در این میان، جهت دهی و توجیه آن ها در تصمیم گیری است.

پیوست ۲

استفتانات شرعی

استفتانات (۳) شرعی پرسش اول: پسری دارم نه ساله. در حدود چهارپنج سالگی به نماز خیلی علاقه مند بود. مدتی است چندان علاقه ای نشان نمی دهد و نمی خواهد نماز بخواند. گاهی با تشویق و ترغیب و ملایمت می خواند. پدرش عقیده دارد مطابق روایات، پسر باید از هفت سالگی حتماً نماز بخواند و می توان او را برای این امر، حتی کتک زد؛ لذا با فشار و اجبار او را وادار به نماز خواندن می کند. خواهشمندم در این مورد، نظر خود را مرحمت فرمایید؟

پاسخ آیت الله صافی گلپایگانی: در حدیث راجع به تمرین و عادت دادن فرزندان به نماز وارد شده است که **مُرُوهُمْ بِسَبِّحٍ وَ اضْرِبُوهُمْ بِتَسْعٍ**؛ یعنی آن ها را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در نه سالگی بزنید. اما مقصود از این حدیث شریف این نیست که با امکان واداری طفل به نماز با لطف و مهربانی و تشویق، مثل دادن جایزه های مناسب، او را کتک بزنید. بلکه

ص: ۱۰۵

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- چه بسیارند اموری که برای کودک مفهوم است و او جنبه های خیر و شر آن را می شناسد و پذیرای آن است؛ ولی اراده او به گونه ای ساخته شده است که نمی تواند آن را به مرحله اجرا گذارد و این امر، خود سبب نارسایی در تربیت است. کودک در آغاز کار، امر و نهی را می شنود؛ ولی قدرت اراده بر خود و تسلط بر نفس را ندارد. به همین خاطر، آن را به جای عمل در خود نگه می دارد. اساس پرورش اراده، واگذاری مسئولیت کوچکی به کودک، تحریک او برای انجام آن مسئولیت و تشویق و تحسین او برای انجام آن است. این امر را از ساده به مشکل انجام می دهیم. ابتدا برنامه های ساده ای برای او معین کرده و او را در آن زمینه حرکت می دهیم و به تدریج که بر میزان توان و مهارت او افزوده شد، بر دامنه مسئولیت و دشواری آن می افزاییم (علی قائمی امیری، حدود آزادی در تربیت، ص ۱۵۰).

۳- استفتا یعنی جواب فتوا خواستن و فتوا یعنی استنباط شرعی یا حکم و رأی فقیه و حاکم شرع (احمد سیاح، فرهنگ بزرگ

جامع نوین، عربی به فارسی، ج ۲، س ۱۴۵۴؛ سایت واژه یاب: www.vajehyab.com.

باید مطابق درک و فهم و ذهنیات او از نماز، جاذبه های خوب به طفل نشان داد که خودش رغبت به نماز پیدا کند.

مسلماً وضع محیط خانه، مدرسه، معلم و معاشرین بچه و رفت و آمدهای خانوادگی، همه در ترغیب طفل به نماز و آداب و اخلاق خوب، مؤثر است. در مورد معلم گفته اند:

درس معلم ار بود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

در احادیث شریفه است:

أَطْرَفُوا أَهْلِيكُمْ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ بِشَيْءٍ مِّنَ الْفَاكِهَةِ كَمَا يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ؛

در روزهای جمعه برای اهل منزل و خانواده از میوه ها (و هر چیزی که تحفه است) تحفه ببرید تا به روز جمعه فرحناک و علاقه مند باشند.

در تربیت اولاد باید انواع تدبیرهای لازم را به کار گرفت و آهسته آهسته و به تدریج جلو رفت؛ نه تندى اعمال کرد و نه کندی و مسامحه نمود. مسئله کتک زدن و تأدیب مناسب، آن هم نه شدید، در بعض موارد و در صورتی که از همه امکانات ملاطفت آمیز استفاده شد و اثر نکرده باشد، به حکم

آخر الدواء الكي؛

آخرین درمان داغ کردن است.

لازم می شود. مع ذلك اگر به صورتی که اثر سوء باشد و طفل به لجاجت و مقاومت وادار شود، نباید به آن متوسل شد. غرض این است که طفل تربیت اسلامی و انسانی پیدا نماید و برای این منظور، پدر و مادر باید از لطایف و دقایق تربیتی مناسب استفاده کنند؛ خصوصاً که تربیت طفل کار بسیار لطیف و دقیق است. باید ظرافت ها و لطافت هایی که لازم است، همه به کار گرفته شود.

گفتنی است که از عوامل سوء تربیت، اختلاف پدر و مادر در کیفیت تربیت فرزند است که اگر مثلاً مادر به پدر در برابر فرزند اعتراض کند که چرا او را زده است، بسیار اثر سوء و منفی خواهد داشت. همه این نکات را هم مادر و هم پدر در نظر بگیرند.

(۱)

پرسش دوم: آیا جایز است که آدمی، عیال و فرزند خود را قبل از تکلیف یا بعد از آن، برای نماز بیدار کند، یا نه؟

پاسخ آیت الله گلپایگانی: ظاهرأ علاوه بر جواز، ممدوح است. مگر آنکه از جهت خارج، موجب اذیت یا موجب ضرر باشد؛

مثل اینکه مریض باشند. (۲)

١- جامع الاحكام، ج ١، سؤال ٢٦٠.

٢- مجمع المسائل، ج ١، سؤال ٤٩٣.

پرسش سوم: اگر فرزند مکلف انسان خواب باشد، آیا بیدار کردن او برای نماز صبح واجب است؟

پاسخ آیت الله مکارم شیرازی: اگر علم به رضایت او دارد، او را بیدار کند و همچنین اگر می داند ادامه این وضع باعث سهل انگاری او در امر نماز می شود. در غیر این دو صورت، جایز نیست. (۱)

پرسش چهارم: اگر بیدار کردن فرزند مکلف برای نماز موجب ناراحتی او شود و از نماز زده شود، بیدار کردن او چه حکمی دارد؟

پاسخ آیت الله مکارم شیرازی: در این فرض جایز نیست؛ ولی باید تدریجاً او را توجیه کند تا رضایت به بیدار کردن بدهد. (۲)

پرسش پنجم: آیا دانش آموزان را، چه به سن تکلیف رسیده باشند و چه نرسیده باشند، می توان جهت اقامه نماز جماعت و شرکت در آن اجبار کرد؟

پاسخ حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: شایسته است با بیان ثواب شرکت در جماعت، آنان را به این کار تشویق نمود.

پاسخ حضرت آیت الله العظمی بهجت: خیر، با مهربانی موجبات هدایت آن ها فراهم شود.

پاسخ حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی: ترغیب و تشویق دانش آموزان جهت اقامه نماز جماعت، بسیار خوب است.

پاسخ حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی: اجبار وجهی ندارد؛ ولی تشویق شایسته است.

پاسخ حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی: براساس مقررات مدرسه عمل شود. (۳)

پرسش ششم: خواندن نماز جماعت با دانش آموزان دوره راهنمایی که اکثراً به سن بلوغ نرسیده اند، در صفوف مختلف صحیح است یا خیر؟

پاسخ حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: اشکال ندارد.

پاسخ حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی: اگر آداب نماز جماعت را مراعات کنند، اشکال ندارد.

پاسخ حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی: اشکال ندارد. (۴)

پرسش هفتم: آیا دانش آموزان کمتر از پانزده سال می توانند در مدرسه به عنوان امام جماعت نماز بخوانند؟

پاسخ حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی: امام جماعت باید بالغ باشد؛ ولی اقتدا کردن بچه ممیز که خوب و بد را می فهمد، به بچه ممیز دیگر اشکال ندارد.

پاسخ حضرت آیت الله العظمی جواد تبریزی (ره): برای امثال خودشان در صورتی که قرائتشان صحیح باشد، مانعی ندارد. (۵)

- ۱- استفتائات جدید، ج ۲، سؤال ۴۱۷.
- ۲- همان، ج ۲، سؤال ۴۱۸.
- ۳- رویکرد مقایسه ای به جدیدترین استفتائات مدیریتی و آموزشی، به کوشش سیدعبدالله محبی، ص ۱۲۵.
- ۴- همان، ص ۱۲۹.
- ۵- همان، ص ۱۳۲.

نمونه چند تمثیل و داستان و طرح درس

در این قسمت، نمونه چند طرح درس را برای آموزش نماز و آشنایی فرزندان با امام جماعت و مسجد با استفاده از مثل، داستان، شعر و... ارائه می دهیم:

۱.۳. مثل

آدم از برگ برگ آفرینش چه درس ها که می تواند بگیرد! یکی اش از همین سیب. سیب که معنای زندگی است، خودش تعریفی از خلقت آدمی نیز هست. باید در حضور سیب نشست و در نگاه سیب نگریست و با خیال سیب هم آغوش شد.

هر سیب از طریق شاخه ای باریک به درخت متصل است. این ارتباط باعث شده است که تمامی آفرینش، تن به خدمت سیب بگمارند و از هیچ کاری در حق او مضایقه نکنند. خورشید با همه عظمتش در خدمت این سیب است. شادابی سیب مدیون محبت خورشید است. خاک با همه وسعتش در خدمت اوست؛ چراکه روزی او را تأمین می کند. اقیانوس این همه راه دور را می پیماید تا طراوت خود را ارزانی این میوه کوچک کند. آفرینش ردای خدمت به سیب را پوشیده است؛ اما به ناگاه، سیب ارتباطش را با اصل خود از دست می دهد: از شاخه می بُرد و بر زمین می افتد.

به ناگاه درمی یابد که همه آفرینش دشمن او شده اند. خاک، تا دیروز تن نازنین او را نیرو می داد؛ اما امروز آن را می پوساند. سیب در آب می پلاسد و خورشید او را به گند می کشد؛ چنان که سیب دیگر سیب نیست؛ ماده ای فاسد و پوسیده و گندزده است که نگاه آدمی از حضورش می گریزد.

سیب را بو کنیم. از سیب درس بگیریم. همه درس ها را نمی شود از کلاس آموخت. سیب کلاسی دیگر است و محصل این کلاس، خوب می فهمد که تا در دنیا ارتباطش را با اصل خود حفظ کند، تمام آفرینش مطیع و در بند اویند. همین که رُخ از اصل خود برتابید، تمام آفرینش را به مبارزه طلبیده است و دیر یا زود طعم تلخ شکست و فساد و پوسیدگی را خواهد چشید.

اشاره

مسجد مثل همیشه، بوی صداقت و ایمان و محبت می داد. نماز ظهر تازه تمام شده بود. بعد از تسیحات حضرت فاطمه زهرا[ؑ]، احمد دعای سلامتی امام زمان[ؑ] را خواند. دانش آموزان از این خوش حال بودند که به امامت مربی خود نماز خوانده بودند. دعا تمام شد. مربی برخاست و درمقابل بچه ها ایستاد. نگاه گرمش تمام بچه ها را در بر گرفت.

مربی: نمازتان قبول. از همه شما التماس دعا...

بچه ها: آقا نماز شما هم قبول...

مربی: بچه ها، یک خبر مهم. با مدیر محترم مدرسه صحبت کرده ام. امروز کلاسما را در مسجد برگزار می کنیم.

بچه ها خوش حال شدند. بعضی ها از شدت شوق فریادی کشیدند. این شاید اولین کلاسی بود که بیرون از چهارچوب خشک و بی روح کلاس برگزار می شد. بحث شروع شد. ابتدا یکی از بچه ها بین دانش آموزان سیب توزیع کرد. مربی توضیح داد که سیب ها کاملاً شسته شده است. قبل از خوردن، بسم الله را فراموش نکنند و بهتر است که آن ها را با پوست بخورند. قسمتی از فواید سیب در پوست آن نهفته است که بعضی ها بدون توجه آن را دور می ریزند. بچه ها با شادی سیب ها را خوردند. حسن و علی رضا مأمور شدند که آشغال ها را جمع آوری کرده، مسجد را تمیز کنند.

حالا همه درمقابل قبله نشسته بودند. احمد آیه ای از قرآن را قرائت کرد: اقم الصلاة لذلک الشمس (۱) مرتضی ترجمه آیات را خواند و مربی بحث را شروع کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله بنعمته تتم الصالحات.

هرگاه پروردگار نعمتی به پیامبر[ؑ] عطا می کرد، این گونه خدا را حمد می کردند. بیایید تا خدا را به خاطر اینکه چنین مسجدی را در کنار مدرسه ما قرار داده است، سپاس بگوییم:

الحمد لله، الحمد لله بنعمته تتم الصالحات... .

بچه ها، می دانید سیبی که خوردید، چه خواصی دارد؟

محسن: آقا خوشمزه است.

مهدی: ویتامین دارد.

رضا: پوست هایش خاصیت دارد.

مربی: اجازه بدهید... سیب دندان هایتان را عین مسواک تمیز می کند؛ دهانتان را خوش بو می کند؛ به هضم غذا کمک می کند و کار روده ها را آسان می کند. این ها جدای از فواید و خواصی است که خود

ص: ۱۰۹

۱- اسراء، ۷۸.

سیب برای ما دارد. اصلاً سیب برای ما آن قدر مهم است که به لطف پروردگار مهربان، در هر ماه از سال پیدا می شود.

چه خوب است که شما به جای استفاده از موادی که معمولاً در بازار فروخته می شود و نه تنها خاصیتی ندارد، بلکه برای شما مضر است، هر روز یک دانه سیب بخورید. سیب قسمتی از ویتامین های لازم برای بدن شما را تأمین می کند.

راستی، می دانید اگر سیب زبان می داشت، به ما چه می گفت؟

محسن: آقا می گفت: «مرا بخورید.»

رضا: نخیر، می گفت: «مرا نخورید.»

مربی: اتفاقاً من یک دانه سیب را که خراب بود، پوسیده شده بود و شما اصلاً میل ندارید که آن را بخورید، نگه داشته ام. حسن آقا می خواست آن را دور بیندازد؛ اما من گفتم باشد تا با این سیب صحبت کنیم؛ حرفش را بزند، بعد...

این هم آن سیب...

مربی آن سیب را نشان داد. بچه ها با دیدن سیب خندیدند و درباره آن با همدیگر شوخی کردند.

مسعود: آقا این که پوسیده!

مربی: بله، ولی اول که پوسیده نبود.

محسن: آقا چقدر زشته!

مربی: اول که زشت نبود.

مرتضی: آقا، گندیده!

مربی: اصلاً ما نگاهش داشتیم تا بپرسیم راز پوسیدگی این سیب چیست. بگذارید تا از خودش بپرسیم تا داستان زندگی اش را برای ما بگوید.

حسین: آقا، سیب که حرف نمی زند؟

مربی: ولی هر چیزی با زبان خاصی حرف هایی برای گفتن دارد. یک کوه را می بینیم و خیال می کنیم گنگ و خاموش است؛ ولی همین کوه برای زمین شناس، ساعت ها حرف می زند. هر شاخه برای خودش داستانی دارد و هر برگ آن قدر می تواند برای شما داستان بگوید که هفته ها شما را سرگرم کند.

مکتشفان و محققان از کسانی بوده اند که در کودکی به داستان خیلی علاقه داشته اند و حالا طبیعت با زبان خودش ساعت ها

با آن‌ها راز دل می‌کند و برایشان قصه‌ها و داستان‌های بلند و شیرین تعریف می‌کند. بگذارید تا حرف‌های دل این سیب را برای شما ترجمه کنم. اجازه بدهید تا امروز این سیب برای ما قصه بگوید. اجازه هست؟

بچه‌ها: بله آقا!

مربی: سیب می‌گوید: من سیبم. به قیافه‌ام نگاه نکنید. روزگاری شاداب و سرحال بودم. در ناز و نعمت به سر می‌بردم. خدمتکاران فراوانی داشتم. خورشید که میلیاردها بار از من بزرگ‌تر بود در خدمت من بود. از آن دورها، میلیون‌ها کیلومتر دورتر، انرژی و نیروی خود را با تمام وجود برای من می‌فرستاد. برگ‌های درخت که آن‌ها هم در خدمت من بودند، این انرژی را می‌گرفتند و با تبدیل آن، برای من نیروی لازم را تأمین می‌کردند. زمین با همه بزرگی‌اش به من خدمت

ص: ۱۱۰

می کرد. خاک، موارد لازم برای رشد را بی منت به من تقدیم می کرد. اقیانوس ها از آن دورها، این راه دراز را طی می کردند تا من تشنه نمانم. طبیعت تمام وجود خود را به من تقدیم کرده بود. می دانید چرا؟ به من نگاه کنید. این شاخه کوچک را می بینید؟ من با کمک این شاخه کوچک، با اصل خودم رابطه داشتم. همه طبیعت در خدمت من بود؛ چون من با تمام وجود، به اصل خودم وابسته بودم. درخت تمام وجود من بود. اما روزی رسید که به خود مغرور شدم؛ گناه کردم؛ حاضر نشدم توبه کنم. اصولاً احساس کردم که حالا که خورشید در خدمت من است و ماه و زمین و اقیانوس، دیگر به درخت نیازی ندارم. از درخت که اصل من بود، بریدم. آرام روی همان خاکی افتادم که خدمتکار من بود. خورشید مثل همیشه گرم و مهربان به نظر می رسید. رودخانه کنار درخت مثل همیشه جاری بود. اما یک وقت احساس کردم که زمین دشمن من شده است. باکتری هایش به جانم افتادند و حریصانه مرا ذره ذره می بلعیدند.

گفتم: «زمین! تو دوست من هستی. تو که تا به حال با من مهربان بودی. چی شده...؟!»

زمین گفت: «تو دیگر ارزشی نداری. تو صاحب داشتی؛ اصالت داشتی. من به خاطر اصل تو به تو خدمت کردم. اما تو به تنهایی هیچ چی نیستی، عددی نیستی، ... من حاضر نیستم به موجود پوچ و بی هویتی مثل تو خدمت کنم. تو امروز خاری هستی که وجودت برای دنیا ضرر دارد. باید نابود شوی.»

ترسیدم. غلت زدم و غلت زدم تا به رودخانه افتادم.

گفتم: «رودخانه مهربان، تو تمام وجودت را تقدیم من می کردی. کمکم کن. نگذار از بین بروم.»

رودخانه گفت: «من از تو بیزارم. تو موجودی نادانی. ریشه خودت را کنده ای.»

رودخانه شروع کرد به پوساندن من. به زحمت خودم را از رودخانه بیرون کشیدم. رو به آفتاب کردم.

گفتم: «آفتاب مهربان، تو خیلی به من لطف داشتی. کمکم کن.»

آفتاب با حرارتش مرا داغ کرد. احساس کردم تمام وجودم در حال سوختن است. هیچ کس به من کمکی نکرد. هیچ کس دیگر به من اعتنا نکرد. همه می خواستند مرا نابود کنند. همه می خواستند مرا فاسد کنند. از آن روز به بعد، دیگر رنگ خوبی و خوشی را ندیدم. کنار این همه آب، کنار این همه کود و خاک و آفتاب، روزبه روز پوسیدم تا اینکه به شکل امروز در آمدم. از آن روز که از اصل خودم جدا شدم، تنهای تنها مانده ام. تا اینکه به تنهایی و مخفیانه، با سیب های دیگر همراه شدم. همه مرا از خود می راندند. می ترسیدند که از من بو بگیرند و بیوسند. حالا می دانم که به درد نمی خورم؛ فاسد شده ام؛ کسی مرا دوست ندارد؛ هیچ خاصیتی ندارم. اجازه بدهید تا بروم. دوست دارم در تنهایی خودم بیوسم.

محسن: آقا، دلما بر اش سوخت. گناه دارد. چه داستان تلخی!

مربی: بگذارید تا حرف های آخرش را بزند. می گوید: بچه ها من

سوختم؛ نابود شدم. شما مراقب باشید. من اصل خودم را رها کردم؛ شما رها نکنید. امروز دنیا دشمن من است؛ اما دیروز خدمتکار من بود. امروز دنیا خدمتکار شماست؛ اما اگر از اصل خودتان جدا شوید، فردا دشمن شما خواهد شد.

خوب! سیب حرف هایش را زد. حالا نوبت شماست. اگر سؤالی دارید، پرسید.

مرتضی: یعنی آقا دنیا الان خدمتکار ماست.

مربی: یعنی نیست؟ شما به هر چیزی نیاز داشته باشید، در طبیعت هست. اگر تشنه باشید، آب هست. اگر گرسنه باشید، غذا هست. می توانید در طبیعت، لباس و خانه و انواع و اقسام وسایل زندگی را پیدا کنید. پس دنیا با همه وجودش در خدمت شماست؛ از خورشید که آن دورها می درخشد تا زمین که زیر پای شما پهن شده است.

حمید: آقا، اصل ما چیه؟

مربی: آفرین، این، سؤال و بحث مهم امروز ماست. به نظر شما، اصل ما چیست؟

دانش آموزان: خدا.

مربی: درست است. خدا خالق ما، اصل ما و ریشه وجود ماست.

انا لله و انا اليه راجعون؛

ما از خداییم و به سوی او بر می گردیم.

اوست که به طبیعت امر کرده است تا خدمتکار ما باشد. طبیعت به خاطر امر خداست که برای ما تسخیر شده و به خاطر امر خدا مطیع و خدمتکار ماست. اما این خدمت تا زمانی است که رابطه مان را با اصل خودمان حفظ کنیم. یادتان هست که سیب چطوری با اصل خودش رابطه داشت؟

محمود: آقا با همان شاخه کوچک.

مربی: شاخه ای که ما را با اصلمان ارتباط می دهد چیست؟

دانش آموزان: نماز... دعا... قرآن...

مربی: پس شما می دانید که چطور باید با خدا رابطه داشته باشید. این خیلی خوب است. اصلاً ما اینجا جمع شده ایم تا در خانه خدا رو به سوی خدا تعظیم کنیم؛ عظمت او را بستاییم و بگوییم: «خداوندا، ما بنده تویم. آمده ایم تا بندگی مان را ثابت کنیم. آمده ایم تا به شاخه نماز چنگ بزنیم و حبل المتین ایمان را به دست بگیریم.

ما سیب هایی هستیم که خودمان را به درخت توحید پیوند زده ایم و به هیچ قیمتی، این پیوند را از دست نمی دهیم؛

چراکه اگر این پیوند را از دست بدهیم، دنیا دشمن ما خواهد شد.»

دشمنی دنیا با ما آشکار نیست. مثل سرگذشت همان سیب، ذره ذره ما را می پوساند؛ به طوری که یک دفعه می بینیم در فساد و جنایت غرق شده ایم. وقتی رابطه مان را با خدا از دست بدهیم، دنیا به تعبیر ائمه^ع مثل آب شور دریا می شود.

آدمی که خدا را از دست بدهد، مثل آدم تشنه ای است که می خواهد با آب شور دریا تشنگی اش را رفع کند. آب شور دریا را هرچقدر بنوشد،

ص: ۱۱۲

تشنه تر می شود تا بمیرد. آدمی که خدا را از دست بدهد، این گونه، گندیده و پوسیده و فاسد در درگاه خدا حاضر خواهد شد. هرکسی که خدا را ترک کند، به دنبال دنیا می دود؛ اما دنیا مثل سایه اش از او دور می شود. دنیا مثل سایه شماست. اگر از او دور شوید، به دنبال شما می آید. برعکس اگر به دنبالش بدوید، از شما فرار می کند.

حسن: آقا، بعضی ها خیلی پول دارند و نماز نمی خوانند.

مربی: سبب هم اول هرچه به دست می آورد، از کود و انرژی و آب، از طریق شاخه ای به ظاهر باریک بود. اما وقتی به زمین افتاد، آن همه کود و انرژی و آب که به دست آورده بود، از دست رفت. نتیجه آن همه ثروت چه شد؟
دانش آموزان: فاسد شد.

مربی:

آدم بی ارتباط با خدا ممکن است خیلی چیزها به دست آورد؛ اما چون از جای درست به دست نیآورده است، مثل همان سبب، همان ثروت، او را فاسد می کند.

مربی: یک نکته دیگر هم هست و آن شباهت عجیب ما به صفر است. به نظر شما، صفر چه ارزشی دارد؟

دانش آموزان: هیچ چی آقا...

مربی: صفر به تنهایی پوچ و تهی است. اگر هزار صفر را کنار هم بگذاریم، ذره ای ارزش ندارند. اما هر تعداد صفری را که بعد از یک قرار دهیم، ارزش پیدا می کند، معنا پیدا می کند. این صفر، هویتی دارد که آن صفر اول از آن محروم بود.

دنیا، پول، خانه، مقام، کار، درس، هنر، دوستی... هر کدام یک صفر است و به تنهایی هیچ ارزشی ندارد. همین چیزها وقتی برای رضای خدا و در راه خدای یکتا استفاده شود، هر کدام برای خود ارزشمند است.

درس اگر برای کسب مقام و رتبه و مدرک خوانده شود، پوچ و بی ارزش است. همین درس را اگر به این دلیل بخوانیم که خدا به ما دستور داده است که به جست و جوی دانش بپردازیم، آن وقت برای یک ساعت تفکر در همین درس، پاداش شصت یا هفتاد سال عبادت را به دست می آوریم. حالا- در نظر بگیرید آن که هزاران ساعت را در طول عمرش به مطالعه پرداخته است، به چه ثواب عظیمی دست پیدا می کند.

دوستی بی محتوا بی معناست. دوستی برای رضای خدا با دوستان خدا یکی از فروع دین است. کار، برای انسان و حیوان مشترک است؛ اما کاری که برای رضای خدا برای خانواده باشد، مانند جهاد در راه خداست.

هنر برای هنر کاری بیهوده است. هنر برای خدا، معرفت را برای بشر ماندگار می کند و برای صاحب هنر تازمانی که این معرفت در قالب هنر او ماندگار باشد، پاداش و ثواب هست. پول و مال، امانتی است از جانب خدا که فرد اگر آن را در راه

درست به کار بگیرد، می تواند به بالاترین مقام ها در دنیا و آخرت برسد و اگر از آن به شیوه بد استفاده کند، مثل همان آب شور، ثروتمند آن قدر آن را می بلعد تا بمیرد.

ص: ۱۱۳

۱.۱.۲.۳. شروط ایجاد ارتباط درست با پروردگار از طریق نماز

شروط اول، طهارت بدن شماسست. بدن دستگاهی است که باید سالم و تمیز بوده، از همه پلیدی ها دور باشد.

شروط دوم، جهت است. آنتن تا جهت درستی نداشته باشد، ارتباط درستی ایجاد نمی کند. دل شما در نماز باید جهت داشته باشد. الله اکبر که گفتید، یعنی اینکه به غیر از خدا، همه چیز را پشت سر نهادید و فقط به او توجه کردید. شما باید جهت تکبیره الاحرام خود را به سوی خدا تنظیم کنید. در این صورت است که عظمتش را می فهمید و فقط درمقابل او تعظیم می کنید. حالا- نورهای الهی دل شما را کاملاً روشن می کند. حیف است که در چنین حالت مناسبی، به چیزی غیر از خدا فکر کنیم و دل در گرو غیر خدا بنهیم.

نماز والا-ترین راه ارتباط با پروردگار است. نماز کوچه باغی است که تا بالاترین درجات بهشت امتداد دارد. شاخ و برگ درختان بهشتی از فراز دیوارهای بلند این کوچه باغ بیرون زده است و هر برگی به ذکر با پروردگار مناجات می کند.

۲.۱.۲.۳. ارزش نماز جماعت

یک رکعت نماز به جماعت ارزشی برابر ۲۴ رکعت نماز دارد که هر رکعتی در پیشگاه خدا از عبادت چهل سال ارزشمندتر است. (۱) یعنی هر رکعت از نماز شما به جماعت چیزی بیش از ۹۶۰ سال عبادت حساب می شود و هر نماز چهاررکعتی شما در جماعت بیش از ۳۸۴۰ رکعت ثواب دارد. حالا به نظر شما بنده ای که اکثر نمازهایش را به جماعت خوانده است، در روز قیامت چه جایگاهی دارد؟

...اگر امروز، به خانه که می رویم، به ناگاه از بلندگوی مسجد اعلام شود که هر کس تا پنج دقیقه دیگر به مسجد برسد، ده هزار تومان جایزه می گیرد، به نظر شما چه کار می کنیم؟

حسین: آقا به سرعت به طرف مسجد می دویم.

مربی: پس چرا عده ای برای کسب ثواب بیش از ۶۷۲۰ رکعت نماز در مغرب و عشا و بیش از ۷۶۸۰ رکعت نماز در ظهر و عصر و بیش از ۱۹۲۰ رکعت نماز در صبح که هر رکعتی از آن، بلکه هر کلمه ای از آن، بلکه ارزش هر حرفی از آن، از همه دنیا بیشتر است، قیام نمی کنند؟

این سستی ما، عاقبت به خیری را از ما می گیرد. این کندی در امر الهی، موجب حسرت و ندامت ما خواهد شد. مراقب باشید که ما عین لشکر ذی القرنین افسوس نخوریم و پشیمان نشویم.

دانش آموزان: آقا می شود قصه اش را بگویید.

۱- پیامبر اکرم ﷺ: «...و اما جماعت، همانا صف های امت من در زمین مانند صف های فرشتگان در آسمان است و یک رکعت در جماعت خواندن، ۲۴ رکعت به حساب می آید که هر رکعت نزد خداوند از عبادت چهل سال بهتر است. اما در روز قیامت، هنگامی که خداوند اولین و آخرین را برای حساب جمع می کند، هیچ مؤمنی نیست که قدمی در راه جماعت برداشته باشد، مگر اینکه خداوند هول ها و وحشت های روز قیامت را بر او کم کند و آنگاه فرمان دهد که او را به بهشت روانه سازید (صدوق، امالی، ص ۱۱۷).

مربی: این قصه را بعضی از شعرا مثل فردوسی در دیوان های شعرشان آورده اند. مشخص نیست که ذی القرنین کیست. بعضی می گویند: «اسکندر است.» این احتمال خیلی ضعیف است. اما هر که هست، نامش به خوبی و بزرگی در قرآن آمده و بعضی برایش قصه ها ساخته اند. یکی از این قصه ها، داستان ذی القرنین و سرزمین ظلمات است:

ذی القرنین به همراه سربازانش به اطراف دنیا سفر کرد. او به همراه لشکرش راه های درازی را پیمود تا به سرزمینی رسید که تاریکی محض در آن حکم فرما بود. در این سرزمین تاریک، در پی دست یافتن به اسرار و رموز طبیعت، روزها و هفته ها و ماه ها راه پیمودند. از کوه ها و دشت ها و بیابان ها گذشتند. راه های طولانی را در دل تاریکی پشت سر گذاشتند؛ تا آنکه زمانی فرا رسید که مجبور شدند بازگردند. در دل تاریکی در بیابان بزرگی استراحت می کردند که به ناگاه صدایی از فراز کوهی در آن سوی بیابان آن ها را متوجه خود کرد. لشکر که تابه حال به کسی برنخورده بودند، متعجب شدند و به سوی صدا رفتند. ندای غیبی آن ها را مخاطب قرارداد: «ای مردم، از این ریگ ها و شن ها بردارید و با خود ببرید. هرچه می توانید بردارید؛ اما یادتان باشد هر که بر ندارد، پشیمان خواهد شد و هر که بردارد نیز پشیمان است.»

لشکر از خود می پرسیدند: «یعنی چه؟ برداشتن شن و ریگ که بی معناست. این پشیمانی دیگر چه معنا می دهد؟»

گروهی به ندای غیبی اعتنایی نکردند و بازگشتند. عده ای هم مقداری ریگ برداشتند و در جیب هایشان ریختند. گروهی هم کیسه هایشان را پر از شن و ریگ کردند و جملگی به امید رسیدن به روشنایی، وادی به وادی، سرزمین تاریکی را پشت سر گذاشتند. راه دراز بود و پرنشیب و فراز. طولانی بودن راه باعث شد گروهی از کسانی که جیب ها و کیسه هایشان را پر کرده بودند، مایوس شوند و ریگ ها را بر زمین بریزند.

به هر حال کاروان از سرزمین تاریکی گذشت و به روشنایی رسید. اینجا بود که همگان دریافتند آنچه ریگ و شن می پنداشتند، درحقیقت گوهر و جواهر و یاقوت است. این خبر که در میان لشکر پیچید، گروهی که چیزی برنداشته بودند، پشیمان بودند. افسوس می خوردند که چرا دست کم یک مشت ریگ با خود برداشته اند. کسانی که ریگ هایشان را بر زمین ریخته بودند، پشیمان بودند که به چه آسانی این همه ثروت را از کف داده اند. آن هایی که با خود چیزی آورده بودند نیز پشیمان بودند که چرا بیشتر برنداشته اند. به هر حال، راه برگشت بسته بود و پشیمانی سودی نداشت.

شما، همان لشکر ذی القرنینید. در دنیا شما باید و یک اقیانوس ثواب. این دریا پایانی ندارد. هرچه بردارید، کم است. هرچه برای وادی نور (بهشت) گرد آورید، ممکن است که باز هم به کسانی که بیشتر از شما برداشته اند، غبطه بخورید.

ممکن است با کسانی برخورد کنید که شصت سال عمر کرده اند، اما

در نامه عملشان ثواب میلیون ها سال عبادت ثبت شده است. ممکن است با کسی برخورد کنید که در هر روز، برایش ثواب بیش از پنج هزار رکعت نماز مستحبی ثبت شده باشد. اصلاً ممکن است این آدم خود شما باشید.

محسن: آقا، این غیرممکن است. چطور روزی پنج هزار رکعت نماز بخوانیم.

مربی: نه تنها ممکن است، بلکه شما بیش از آن را می توانید انجام دهید. امام جعفر صادق ع به ما تذکر داده اند که تسبیحات مادر گرامی شان حضرت فاطمه زهرا ع بیش از هزار رکعت نماز مستحب برای ایشان ارزش دارد. ایشان فرموده اند که اگر تسبیحی بالاتر از این تسبیحات بود، پیامبر خدا ع آن را به فرزند گرامی شان می آموختند.

رضا: آقا چطور باید تسبیحات را بخوانیم؟

مربی: بسیار ساده است. بعد از هر نماز، قبل از اینکه از جای خود بلند شوید، این ذکرها را بگویید:

الله اکبر ۳۴ مرتبه، الحمد لله ۳۳ مرتبه، سبحان الله ۳۳ مرتبه.

برای شمارش می توانید از بندهای انگشتان دستانتان استفاده کنید. شما ده انگشت دارید و در هر انگشت سه بند که مجموع آن سی بند می شود. با کمک آن ها، ذکر را آرام و شمرده تکرار می کنید تا دست های شما هم روز قیامت به نفع شما شهادت بدهند و بگویند: «او با کمک ما ذکر می گفت.» (۱)

خب، بچه ها سخت است؟

دانش آموزان: نه...

مربی: این کار سخت تر است یا برداشتن ریگ توسط لشکر ذی القرنین؟

دانش آموزان: این کار خیلی آسان تر است.

مربی: تازه شما دغدغه حمل این همه ثواب را ندارید. فرشتگان آن ها را برای شما حمل می کنند. چه کارهایی ثواب بسیار دارد: دعا، نماز اول وقت، تسبیحات فاطمه زهرا (س). این طور است که ما رابطه مان را به ساده ترین شکل ممکن با خداوند حفظ می کنیم. این گونه است که ما

ص: ۱۱۶

۱- آیت الله جوادی آملی درباره تسبیح با انگشتان می فرمایند: «بهترین تسبیح و شمارش تسبیح، چه برای زن و چه برای مرد، همان تربت حسینی ع است و چنین هم نیست که اگر مردی با سر انگشتش تسبیح بگوید، مقبول نباشد؛ ولی دستوری به آن وارد نشده است. اما در مورد زن، گذشته از اینکه تسبیح گفتن و شمارش تسبیح با تربت حسینی ع فضیلت فراوانی دارد، دستور

آمده است که این‌ها با سرانگشتان تسیح بگویند: «فإنهنَّ مسؤولات» زیرا این سرانگشتان در روز قیامت مسئول واقع خواهند شد. این یک عنایتی از سوی خدا نسبت به زن است که با انگشت خود عدد تسیح را بشمارد تا انگشت او نیز عبادت کند؛ چون خداوند بدن را با همه خصوصیات در قیامت محشور می‌کند: یلی قادرین علی أن نسوی بنانه (=آری، ما قادریم بر اینکه انگشتانمان را منظم کنیم) (قیامت، ۴)» (نک: عبدالله جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص ۲۱۵ و ۲۱۶، به نقل از: ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۴، حدیث ۱۰۸۹، عنوان «ادب المرأه فی الصلاه»).

فاسد نمی شویم، نمی پوسیم؛ بلکه به کمال خود در دنیا می رسیم و صاحب بهترین ارزش ها و فضایل می شویم. آن وقت درحالت کمال، به محضر پروردگار می شتاییم. کوچه باغ ذکر و نماز را پشت سر می گذاریم تا به بهشت برین وارد شویم.

خب، خسته نباشید. یک نماز دیگر هنوز داریم. مطمئن هستیم این نمازی که می خوانید، با نماز قبلی کلی فرق دارد. حالا می دانید که چرا نماز می خوانید؛ با کی گفت و گو می کنید و چطور باید نماز بخوانید.

بگذارید تا قبل از نماز دیگر، دست به دعا برداریم و از او مدد بگیریم:

خدایا، می دانیم که بهشتمان را نباید به دنیا بفروشیم، پروردگارا توفیق نماز اول وقت، توفیق دعا، توفیق ذکر را به ما عطا کن تا لیاقت بهشت را پیدا کنیم.

خدایا به ما توفیق بده تا همیشه ارتباطمان را با تو حفظ کنیم و عاقبت به خیر از دنیا برویم.

خدایا، دعای فرشتگان را در حق ما مستجاب کن.

خدایا، ما را در ردیف صالحان و شهدا و صدیقان قرار بده.

خدایا، علم ما را زیاد کن؛ عمل صالح ما را بیشتر کن و ما را به انسان های صالح ملحق کن.

خدایا چنان کن سرانجام کار

تو خشنود باشی و ما رستگار

دانش آموزان: الهی آمین.

مکبر: قد قامت الصلاة.

۳.۳. طرح درس

۱.۳.۳. طرح درس نور

نام درس: نور

موضوع: احکام

هدف کلی: دانش آموزان در این درس با برخی از احکام و آداب وضو آشنا می شوند.

اهداف جزئی: دانش آموزان در این درس با مسائل زیر آشنا می شوند:

۱. وضو و آداب صحیح وضو گرفتن؛

۲. شرط وضو گرفتن صحیح؛

۳. برخی از مبطلات وضو.

هدف رفتاری: از دانش آموزان انتظار می رود در پایان درس بتوانند وضو را به طور صحیح انجام دهند.

روش های مناسب تدریس: توضیحی، فعال (پرسش و پاسخ، جدول، شعر، داستان، مسابقه)

رسانه های آموزشی: کارت، تابلو

نور عبادت

ب-ه نام خ-دا، خ-الق آس-م-ان

ب-ه نام خ-دا، خ-الق این جهان

ب-ه ن-ام خ-دا، رازق آب و ن-ان

به نام خدایی که هست مهربان

سلام، حال شما خوب است؟ حواس ها جمع است؟ آماده اجرای

ص: ۱۱۷

برنامه هستید؟ برای اینکه معلوم شود کدام یک از شما حواسش جمع تر است، من از یک تا سه می شمارم. شما با شنیدن عدد سه، بلند بگویید: «یا الله»

مربی: یک، دو، سی (۱)

یک، دو، سیزده

یک، دو، سه «یا الله»

خیلی متشکرم. حالا یک گل زیبا برای بچه های آماده و باهوش.

چند سؤال می کنم و پاسخ ها را در گلبرگ ها می نویسم.

۱. چشم، چشم، دو ابرو... در کدام قسمت بدن قرار دارد؟ «صورت»

۲. مقابل بیداری چیست؟ «خواب»

۳. به آنچه به چیز دیگر اضافه شود، چه می گویند؟ «مضاف»

این گل زیبای ما یک پیام دارد. پیام آن یک کلمه است. شما باید حرف دوم کلمه های درون گلبرگ های گل را کنار هم قرار دهید تا پیام گل را به دست آورید.

حالا یک سؤال:

آیا می توانید رابطه «وضو» را با این سه کلمه درون گلبرگ ها، بیان کنید؟ (۲)

اجازه دهید قدری شما را راهنمایی کنم:

ما وقتی وضو می گیریم، چند عضو را باید بشویم؟ (۳)

بله، سه عضو که من آن ها را روی تابلو می نویسم. این سه عضو به ترتیب عبارت اند از:

۱. صورت: اولین عضوی که باید شسته شود، صورت است که در گلبرگ آن را به دست می آوریم؛

۲. دست راست: دومین عضو در وضو گرفتن، شستن دست راست از آرنج تا نوک انگشتان دست است؛

۳. دست چپ: سومین عضو هم دست چپ است که همانند دست راست باید بشویمش.

حالا به نظر شما، چند تا دیگر از کارهای وضو مانده است که شستن نیستند؟

- ۱- در عمل چند بار به جای عدد سه، عدد دیگری بگویید تا هم ذکر «یا الله» گفته شود و هم حواس بچه ها جمع شود.
- ۲- اجازه دهید دانش آموزان پاسخ های لازم را بدهند و در انتها، شما جواب را کامل کنید.
- ۳- ابتدا پاسخ های بچه ها را گوش دهید.

بله، مسح که ترتیب آن چنین است: سر، پای راست، پای چپ.

حالا که با ترتیب وضو گرفتن آشنا شدید، باهم شعری زیبا می خوانیم و یک وضوی نمایشی می گیریم.

اول صلوات بفرستید:

«اللهم صل علی محمد و آل محمد»

با ن-ام-خ-دا-م-ی-گ-ی-رم-وض-و

ن-ی-ت-م-ی-ک-ن-م-از-ب-رای-او

دست و پاهایم، صورت و مویم

م-ی-ک-ن-م-ت-م-یز-ق-بل-از-وض-ویم

گردی صورت حالا می شوی-م

ب-ال-ب-ه-پ-ای-ی-ن-از-زی-رم-وی-م

حالا نوبت شستن دست هاست

اول کدوم دست، اول دست راست

از روی آرن-ج-ت-ا-س-ران-گش-ت

می شویم با آب، یک مشت و دو مشت

مثل دست راست، دست چ-پم را

ب-ال-ب-ه-پ-ایی-ن، م-ی-ش-ویم آن را

می کشم یک بار، مس-ح-س-رم را

ب-ه-ج-ل-وی-س-ر، دس-ت-ت-رم را

بعد از مسح سر، مسح هر دو پاست

اول ک-دام-پ-ا، اول پ-ای-راس-ت

جای مسح سر، انگشت تا میچ است

پ-ای-ی-ن-ب-ه-ب-الا، ب-کش کف دست

با دست راستم، روی پای راست

این دست چپم، پای چپ اینجاست

آم-اده-ه-س-ت-یم، ب-رای-ن-م-از

ب-ای-اد-خ-دا، م-ی-ک-نیم-آغ-از

در دست من چند کارت (۱) هست که روی هر کدام کلمه ای نوشته ام. از دوستانی که به خوبی توانستند تا این قسمت از برنامه به سؤال های من جواب دهند، تقاضا می کنم جلو بیایند تا ادامه برنامه را اجرا کنیم. (۲)

هر کدام از این افراد باید یک کارت بردارند و با توجه به کلمه ای که درونش نوشته ام، بگویند که برای آن، لازم است با وضو باشیم، یا بهتر است (۳) با وضو باشیم. (۴)

جاهایی که لازم است وضو داشته باشیم:

۱. خواندن نماز واجب، بدون وضو درست نیست.

۲. دست زدن به نام خدا، بدون وضو جایز نیست.

۳. به خط های قرآن، حق نداریم بدون وضو دست بزنیم.

جاهایی که لازم نیست، بلکه بهتر است با وضو باشیم:

۱. برای خواندن قرآن بهتر است با وضو باشیم؛

۲. برای رفتن به زیارت معصومان و حرم آنان بهتر است با وضو باشیم؛

۳. موقع خواندن دعاهایی مانند دعای توسل، بهتر است با وضو باشیم؛

۴. موقع خوابیدن، بهتر است با وضو باشیم.

این خواب برای خودش داستان هایی دارد. اگر آماده شنیدن داستان هستید، صلواتی محمدی بفرستید.

«اللهم صل علی محمد و آل محمد»

- ۱- این قسمت به کمک کارت های ۲۰×۱۰ اجرا می شود. واژه های داخل کادرها را به صورت کارت تهیه کنید.
- ۲- دانش آموزانی را که در قسمت های قبلی پاسخ دادند، شناسایی می کنیم و در اجرای این قسمت، از آن ها کمک می گیریم.
- ۳- منظور از «بهتر است»، همان «مستحب» است که در روایات و احادیث آمده است.
- ۴- دانش آموزان هرکدام یک کارت می گیرند و درباره واجب بودن یا مستحب بودن آن توضیح می دهند. در صورت ناقص بودن جواب، مربی پاسخ ها را تکمیل می کند.

وحیده تکالیف مدرسه اش را آماده می کرد. در همین لحظه، در چوبی اتاق باز شد و پدر بزرگ وارد شد.

وحیده وقتی دید دست های پدر بزرگ از آب وضو خیس است، زود بلند شد و حوله را به او داد. پدر بزرگ مهربان حوله را گرفت و از وحیده تشکر کرد. پدر بزرگ سراغ قرآن روی طاقچه اش رفت و آن را برداشت و کنار پنجره نشست و با صدای زیبا مشغول خواندن قرآن شد.

پس از خواندن قرآن، آن را بوسید و بالای طاقچه گذاشت.

آن گاه گوشه ای دراز کشید و به خواب رفت. حالا دیگر وقت اذان بود. صدای مؤذن از مسجد به گوش می رسید. وحیده وضو گرفت و لباس مدرسه اش را پوشید.

سجاده و چادر نمازش را برداشت و آماده رفتن به مدرسه شد. ناگهان پدر بزرگش را دید که کنار حوض داخل حیاط، مشغول وضو گرفتن است. تعجب کرد. آخر پدر بزرگش همین چند دقیقه پیش وضو گرفته بود. همچنان با تعجب از پشت پنجره پدر بزرگ را نگاه می کرد که مادر بزرگش سراغش آمد.

- وحیده، مادر، به چی زل زده ای؟

- مادر بزرگ، پدر بزرگ مگر چند بار وضو می گیرد؟

- چطور دخترم؟

- مادر بزرگ، آخه پدر بزرگ همین چند دقیقه قبل وضو گرفته بود؛ ولی در حال وضو گرفتن است.

مادر بزرگ دستی بر سر وحیده کشید و گفت: «عزیزم، وضوی قبلی پدر بزرگ با خوابیدن باطل شد. برای همین دوباره وضو می گیرد.»

وحیده حالا فهمید که اگر انسان وضو بگیرد و بخوابد و بعد از خواب بلند شود، باید برای خواندن نماز دوباره وضو بگیرد. (۱)

حالا سراغ کلمه بعدی می رویم که با این تصویر ارتباط دارد. (۲)

به این تصویری که می کشم دقت کنید: آب + = آب سیب

راهنمایی می کنم. یکی از سه کلمه ای که در ابتدای درس گلبرگ ها نوشتیم، کلمه «مضاف» بود.

آب مضاف یعنی آبی که مطلق نیست، از چیزی گرفته شده است یا چیزی به آن اضافه شده است، مانند آب سیب.

آیا می توان با آن وضو گرفت؟ «خیر» (۳)

تا الان درباره وضو صحبت کردیم. خداوند هم در قرآن درباره آن پیامی داده است که از داخل گلبرگ های این گل به دست می آید:

ص: ۱۲۰

۱- بهنام لطفی، احکام ده دقیقه ای، ره توشه تابستان، ۱۳۸۱، ص ۲۹.

۲- کمک کنید تا خود دانش آموزان به جواب برسند.

۳- نک: توضیح المسائل، قسمت شروط وضو.

اول به سؤال‌ها پاسخ دهید تا من آن را داخل گلبرگ‌ها بنویسم. سپس ترجمهٔ آیه را به دست آوریم.

سؤال‌ها:

۱. چه چیز تمیز است و نجس نیست؟ پاک (۶ و ۳ و ۸)

۲. به سرّ یا مطلب پوشیده و پنهان چه می‌گویند؟ راز (۴ و ۵ و ۱۰)

۳. وعدهٔ سوم غذایی چه نام دارد؟ شام (۱ و ۷ و ۲)

۴. چه کلمه‌ای به معنای بی‌نقش و نگار است؟ ساده (۱۲ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۱)

۵. اول و آخر زندگی چیست؟ زی (۹ و ۱۴)

حالا اگر حروف را به ترتیبِ خانه‌های جدول کنار هم قرار دهید، کلام خدا به دست می‌آید: «شما را پاکیزه سازد.» (۱)

بله، می‌توانیم با وضوی زیبایی که می‌گیریم، با پاکیزگی و زیبایی با خدای مهربان خویش صحبت کنیم.

در پایان برنامه، شعری زیبا تقدیم شما دسته گل‌های زیبا می‌کنم.

تیک و تیک و تیک

صبح شد بچه‌ها

با نام خدا

برخیزید از جا

برخیزید از جا

با لب خندان

سلام به بابا

سلام به مامان

شست و شوی دست

شست و شوی رو

با آب تمیز

بگیرید وضو

با نماز صبح

با شکر خدا

می شود شروع

روز خوب ما (۲)

۲.۳.۳. طرح درس شکر

موضوع: شکر

مقطع: ابتدایی، راهنمایی

اول هر کاری:

به نام خداوند رنگین کمان

خداوند بخشنده مهربان

بازی با کلمات: بحث این جلسه را با بازی با کلمات مشخص می کنیم. حاضرید؟ حواس همه جمعه؟ درضمن کسانی که بتوانند خوب جواب

ص: ۱۲۱

۱- و لکن یرید لیطهر کم (مائده، ۶).

۲- شعر از مصطفی رحمان دوست.

دهند، اسامی شان را برای مسابقه می نویسیم.

۱. آبی که اگر نجاست به آن برسد، نجس نمی شود؟ «کُر»

۲. آن چیست که اگر نباشد، شک ایجاد می شود؟ (ر) «شُکر»

[مربی در اینجا، مختصری درباره شک صحبت می کند.]

۳. شکر دارد، ولی مزه شیرینی ندارد؟ «تَشکر»

حالا متوجه شدید درباره چه چیزی می خواهیم صحبت کنیم؟ «تَشکر»

اگر کسی به شما هدیه ای بدهد، مثلاً سیبی بدهد، شما در جواب چه می گوید؟ می گوید: «مَشکرم»

وظیفه ما در برابر نعمت ها و کارهای نیک، تشکر است.

پدر و مادر چرا؟ «به دلیل تربیت نیکو و مواظبت از ما.»

تشکر از معلم چرا؟ «به دلیل آموزش دانش.»

خداوند عالم چرا؟ «به دلیل نعمت های فراوان.»

تشکر از خداوند به جهت نعمت هایی از قبیل اعضای بدن سالم. شما اگر به بیمارستان ها بروید، تازه می فهمید اگر هزار بار خداوند را شکر کنید، باز هم کم است.

[مربی از دانش آموزان سؤالی می پرسد.]

سؤال: حال این شکر گزاری و سپاس و تشکر، چگونه باید باشد؟

[مربی از سیبی استفاده کند که ترسیم کرده است: سیبی با رنگ قرمز و برگ هایی سبز و فانتزی.]

بله، ما دو نوع تشکر داریم:

۱. تشکر زبانی: همان لفظ تشکر و ممنون زبانی می شود. اگر بخواهیم خدا را شکر کنیم، سجده شکر انجام می دهیم و با زبان «شکراً لله» یا «الحمد لله» یا... می گوئیم.

معما: هر کس گفت امام هشتم □ امام چندم است؟ آفرین، از کجا فهمیدی امام هشتم است. معلوم می شود که حواستان جمع است.

امام رضا \square می فرمایند:

سجده کردن بعد از نماز واجب، سپاسگزاری به درگاه خداست در برابر توفیقی که برای ادای فریضه نماز به بنده عطا شد؛ بنابراین:

«هر کسی توفیق نماز خواندن ندارد.»

کوتاه ترین ذکر که در سجده شکر کافیت بیان شود، شکر الله است؛ آن هم سه مرتبه. [مربی شکر الله را زیبا و بزرگ روی تخته بنویسد.]

شکر مایه فزونی نعمت است. سجده شکر باعث می شود اگر نماز نقص و کمبودی داشته باشد، با این سجده شکر برطرف شده و نماز کامل شود. (۱)

۲. تشکر عملی: تنها تشکر زبانی کافی نیست و با عمل است که این شکرگزاری کامل می شود. مقام عمل از زبان بالاتر است. کسی شما را دوست دارد و به زبان می گوید و عملاً هم ثابت می کند. این دوست داشتن، ارزشمند است.

حالا سؤالی دیگر:

چگونه از خداوند عالم تشکر کنیم؟

ص: ۱۲۲

۱- هزارویک نکته درباره نماز، ص ۲۹۶.

با انجام دادن دستورهای خداوند که البته مهم ترین آن دستورها، نماز است. نماز تشکر از خداوند عالم است.

امام حسین \square حتی در روز عاشورا در معرکه جنگ از یاد خدا غافل نشدند و نماز را ادا کردند. این، تشکر عملی از خداوند است؛ اگرچه در همان حال، دشمن به سمت امام \square تیر پرتاب می کرد تا امام \square را به شهادت برساند.

درسی که از عاشورا می توان گرفت، اجرای دستور خداست. یعنی نماز در میان عبادات، مانند ستون است.

[مربی تصویری از خیمه ترسیم می کند تا توضیحات منطبق با تصویر باشد. علاوه براین، می شود در صورت امکان، از خود خیمه استفاده کرد. در فضاهای اردوگاهی، از این گونه امکانات به راحتی می توان برای آموزش بصری چنین مفاهیمی استفاده کرد.]

«نماز ستون دین است.» (۱)

اگر ستون این خیمه نباشد، دیگر خیمه ای در کار نیست. نماز هم این گونه است که اگر در دین نباشد، دین ناقص است. بنابراین در هیچ حالی نباید این شکرگزاری را فراموش کنیم و باید نماز را بر هر کاری مقدم کنیم. در حالات امام خمینی \square نگاه کنید. خانم فریده مصطفوی، دختر امام \square ، می گوید:

خاطره:

امام برای من تعریف کرد: یک بار که مأموران شاه مرا گرفته بودند و با ماشین از قم به تهران می بردند، در مسیر راه من گفتم: «نماز نخوانده ام. جایی نگه دارید برای وضو و نماز.»

مأموران شاه اجازه ندادند.

من گفتم: «شما مسلح هستید و من یک نفرم.»

ولی فایده ای نداشت. به ناچار گفتم: «اقلاً نگه دارید تا با تیمم نماز بخوانم.»

نگه داشتند؛ اما به من اجازه پیاده شدن ندادند. همان جا داخل ماشین تیمم کردم و پشت به قبله نماز خواندم؛ آن هم توی ماشین در حال حرکت. (۲)

ص: ۱۲۳

۱- پیامبر خدا \square می فرمایند: «الصلاة عَمُودُ دِينِكُمْ» (=نماز ستون دین شماست.) (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹، حدیث ۵؛ محاسن، ج ۱، ص ۴۴۶، حدیث ۱۰۳۴). همچنین لقمان در یکی از اندرزهای خود به پسرش، این مطلب را چنین تبیین می کند: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا مِثْلُ مِثْلَيْهَا فِي دِينِ اللَّهِ كَمِثْلِ عَمُودٍ فُسَيْطَاطٍ» (=ای پسر، نماز را برپا دار؛ چراکه مثل نماز نسبت به دین

خدا، مانند ستون خیمه است. اگر ستون خیمه، استوار و پایرجا باشد، طناب‌ها و میخ‌ها و سایه‌اش، استوار می‌ماند؛ ولی اگر ستون شکسته شد یا افتاد، میخ‌ها و طناب‌ها و سایه خیمه، فایده‌ای نخواهد داشت. (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۷).

۲- نک: معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و ستاد مرکزی اقامه نماز، اهتمام امام خمینی به نماز، خاطره مرضیه حدیده چی دباغ.

این امر نشان دهنده اهمیت نماز است.

داستان:

بحث ما درباره چه چیزی بود؟

[مربی دقیقاً مثل همین را روی تخته ترسیم کند.]

در تاریخ افراد زیادی داشته ایم که بر اثر ناشکری، دچار غرور شده اند؛ مثل قارون.

قارون که عموزاده حضرت موسی \square بود، می گفت: «این اموال و نعمت ها را به نیروی علم خودم اندوخته ام.» او این گونه از یاد خدا غافل شد. خدا او را با نعمت فراوان آزمایش کرد؛ اما او در این آزمایش مردود شده، عاقبت بدی نصیبش شد: خودش و خانه اش در زمین فرو رفتند.

حالا به این داستان گوش کنید:

پادشاهی طوطی زیبا و سخن گویی داشت. یک روز طوطی از پادشاه درخواست کرد اجازه دهد به مسافرت برود و از پدر و مادرش خبر بگیرد. پادشاه هم اجازه داد. طوطی رفت و بعد از مدتی از سفر برگشت، اما با یک سوغاتی. هرکس گفت آن سوغاتی چه بود؟ «سیب»

[مربی هم زمان با شروع داستان، کلمه شکر را به طوطی تبدیل کند.]

پادشاه ناراحت شد و گفت که در کاخ ما انواع میوه ها هست. طوطی گفت: «اما قربان، این هدیه پدر و مادرم است. آن ها از من تشکر کردند که به دیدن آنان رفتم و این سیب معجزه آسا را به من دادند و گفتند این سیب را هرکس بخورد، جوان می شود. پادشاه ظالم خوش حال شد و باعجله سیب را خورد.

حالا به نظر شما چه اتفاقی افتاد؟

پادشاه بر زمین افتاد و دل خود را گرفت و دستور داد جلاد سر طوطی را جدا کند. جلاد با شمشیر بُزان آمد.

[نقطه اوج داستان اینجاست. مربی تاج شاهنشاهی را می کشد.]

جلاد تا خواست سر طوطی را از بدن جدا کند، شاه مُرد و طوطی نجات پیدا کرد. شادی و خوش حالی همه جا را فرا گرفت که شاه ظالم از بین رفته است. همه از طوطی تشکر کرده، خدا را شکر کردند. طوطی متعجب بود که چرا پادشاه با خوردن سیب جان داد. فهمید شبی که در جنگل خوابیده بود، ماری خواست او را نیش بزند. آن مار اشتباهی سیب را داخل دهانش کرده بود و آن سیب به زهر آغشته شده بود. در نتیجه پادشاه ظالم با خوردنش جان داد و مردم به شکرانه از دنیا رفتن شاه، جشن بر پا کردند.

حالا يك سؤال: پادشاه دچار چه اشتباهی شد كه مُرد؟

اول اینکه سیب را نشسته خورد. اگر آن را می شست، اثر زهر از روی سیب از بین می رفت.

دوم اینکه بر اثر غرور و ناسپاسی، مثل خیلی دیگر از پادشاهان، سرانجام بدی به سراغش آمد.

[مربی هم زمان خنجری آغشته به خون را داخل تاج می کشد.]

درست مثل شاه ایران که بر اثر کجروی ها و ناسپاسی ها، عاقبت از کشور فرار کرد و در نهایتِ خواری مُرد. امیدوارم ما همه همیشه شاکر نعمت های خداوند باشیم. امام حسین ؑ دربارهٔ شکر می فرماید:

شکر نعمت گذشته، باعث افزایش نعمت های زودرس بعدی می شود.

حفظ نعمت انقلاب اسلامی و قدردانی از بنیان گذار آن بر ما واجب است. امام خمینی ؑ باعث پیشرفت و آسایش در مملکت ما شد. باید شکر گزار چنین موقعیتی باشیم. به امید تعجیل در فرج امام زمان (عج) و انقلاب جهانی آن حضرت. صلواتی عنایت فرمایید. (۱)

۳.۳.۳. طرح درس نماز

موضوع: نماز

ب-ه-ن-ام خداون-د رنگی-ن-ک-م--ان

خ-داون-د-ب-خ-ش-نده-م-ه-رب-ان

خدایی که از بوی گل بهتر است

و از نور و باران صمیمی تر است

سلام به همهٔ شما بچه های خوب و باصفا. آیا می توانید ضرب المثل زیر را کامل کنید؟

...برتر از گوهر آمد پدید. (۲)

جواب کلمه ای سه حرفی است. همهٔ مردم دوست دارند آن را به دست آورند؛ اما آن را به کسی می دهند که خواسته باشد و برایش زحمت بکشد و عرق بریزد. متوجه شدید؟ بیشتر راهنمایی می کنم. یکی از درس های شماست که مطمئن هستم آن را دوست دارید. از قدیم گفته اند: «فضل و... است مایهٔ مرد.» (۳)

[مربی آن قدر راهنمایی می کند تا بچه ها به کلمهٔ «هنر» برسند.]

هنر برتر از گوهر آمد پدید، یعنی چه؟

بله، مال دنیا و پول و طلا- و جواهر با خرج کردن تمام می شود؛ اما هنر با خرج کردن نه تنها تمام نمی شود، بلکه اضافه هم می شود.

هنرمند بر تجربه اش افزوده می شود.

خب عزیزانم، شما به چه هنرهایی علاقه دارید؟

[مربی پاسخ بچه ها را خوب گوش کرده، آن ها را تشویق می کند.]

مربی: یکی از هنرهای زیبا و پر طرف دار، هنر نقاشی است.

ص: ۱۲۵

۱- نشریه طلیعه، ش ۲، ۱۳۸۶، ص ۱.

۲- سخن زین درازی چه باید کشید ه-نر ب-رتراز گ-وهر آمد پ-دید (شعر از: فردوسی؛ ابراهیم شکورزاده بلوری، دوازده هزار مثل فارسی، ص ۱۰۴۲).

۳- فضل و هنر است مایه مرد (همان، ص ۷۴۵).

شما چقدر با هنرمندان این رشته آشنا هستید؟ چند نقاش معروف دنیا را می شناسید؟

[مربی اسامی چند تن از هنرمندان نقاش را بر روی تابلو می نویسد یا با راهنمایی کردن، از بچه ها می پرسد.]

۱. کمال الملک؛

۲. پیکاسو؛

۳. داوینچی؛

۴. ونگوگ؛

۵. فرشچیان؛

۶. حسین بهزاد.

خوب، یک نقاش دیگر را نگفتید. این نقاش خودم هستم! [مربی نام خود را می گوید.]

این چیست؟

بارک الله، قفل است. حتماً می پرسید قفل چی؟ این قفل مشکلات است. گرفتاری ها، پریشانی ها، خشم، دعوا، قهر و همه بدی ها.

عزیزانم قفل مشکلات چگونه باز می شود؟

چطور می توان قفل بدی ها را باز کرد و به سوی خوبی ها رفت؟

هر قفلی با مخصوص باز می شود.

برای رسیدن به کلید خوبی ها و باز کردن قفل بدی ها به چند سؤال من پاسخ دهید.

۱. بالاتر از آن رنگی نیست؟ «سیاه»

لطیفه:

به کلاغی گفتند: «اسمت چیست؟»

گفت: «طوطی»

گفتند: «پس چرا سیاهی؟»

گفت: «چون در زغال فروشی کار می‌کنم.»

۲. به صورت و رُخ گفته می‌شود؟ «چهره»

۳. موجود بدجنسی که کارش گول زدن آدم هاست؟ «شیطان»

۴. بیست و هشتمین حرف الفبای فارسی؟ «م» من و تو؟ «ما» از خزندگان است؟ «مار»

۵. آتش به عربی؟ «نار» صفت بچه‌های کوچک و دوست داشتنی؟ «ناز» اگر یک «م» بین «ن» و «ا» اضافه کنیم؟ «نماز»

با این چهار کلمه (سیاه، چهره، شیطان، نماز) جمله بسازید.

ص: ۱۲۶

[مربی به بچه ها فرصت دهد تا جملاتشان را بگویند. در همین اثنا، پای تابلو دایره های زیر را رسم کند و هرکس بهترین جمله را گفت، به او جایزه بدهد.]

نماز چهره شیطان را سیاه می کند.

بچه ها، شما با بزرگ ترین نقاش عالم آشنا شدید.

قال رسول الله ﷺ: الصلاة تسودُّ وجه الشيطان؛ (۱)

نماز چهره شیطان را سیاه می کند.

[مربی همراه بچه ها شعر زیر را بخواند:]

برو گمشو شیطونك

برو گمشو حیوونك

راه ما راه تو ن-یست

راه ما از تو جداست

راه ما راه خ-داس-ت

راه ت-و راه خطاست

نماز کلید قفل همه مشکلات است و ما را به سوی خوبی ها می برد و چهره شیطان را سیاه می کند.

به من بگویند حالا چقدر هنر نقاشی را دوست دارید؟ اگر قسمتی از نقاشی تان اشتباه شود، چه می کنید؟ از چه وسیله ای استفاده می کنید؟ «پاک کن»

نماز هم مثل پاک کن است.

امام علی ؑ می فرمایند: «خداوند نماز را برای پاک کردن انسان از کبر و غرور واجب کرده است.» (۲)

انسان برای نماز وضو می گیرد؛ ظاهرش را از آلودگی ها پاک می کند؛ لباس پاکیزه می پوشد؛ در مکان پاک می ایستد؛ رو به قبله یعنی خانه توحید می ایستد و صورت را از همه بر می گرداند و فقط رو به خدا می کند؛ آنگاه وقتی زنگ تلفن خدا به صدا درآمد، نماز خود را آغاز می کند. راستی تلفن خدا چیه؟

«اذان» اذان شعار توحیدی مسلمانان است. معنای آن اعلام یکتایی خداوند^ﷻ، رسالت پیامبر^ﷺ و ولایت حضرت علی^ﷺ است. آنگاه نماز را فقط برای خدا به پا می کنیم. نماز را با بسم الله، نام و یاد خدای مهربان آغاز می کنیم و از او در تمام کارها مدد می جوئیم و به او توکل می کنیم.

رکوع، خم شدن در برابر عظمت او و اظهار کوچکی در برابر خداست. در سجده، سر بر خاک می گذاریم؛ یعنی ای خدای مهربان، ما همگی از خاک آفریده شده ایم و روزی هم به خاک برمی گردیم.

خسته شدید؟

ص: ۱۲۷

۱- الفردوس، ج ۲، ص ۴۰۵، حدیث ۳۷۹۹؛ مولا علی^ﷺ نیز می فرمایند: «الصلاة حِصْنِ الرَّحْمَانِ وَ مَدْحَرَهُ الشَّيْطَانِ.» (=نماز، دژ خدای مهربان و وسیله دور کردن شیطان است) (غرر الحکم، حدیث ۲۲۱۲).

۲- نهج الفصاحه، باب الصلاة.

حکایت:

شخصی باعجله و شتاب نماز می خواند. پیرمردی با کفش محکم بر سرش کوبید که چرا نمازت را این قدر تند می خوانی. بیچاره نمازش را دوباره خواند.

پیرمرد گفت: «حالا- بگو بینم نماز اولت بهتر بود یا نماز دومت که با آرامش خواندی؟» گفت: «نماز اول، چون آن را برای خدا می خواندم؛ ولی نماز دوم را از ترس کفش شما خواندم.» (۱)

بچه ها هر کاری بهترین دارد، مثلاً:

ورزش □ قهرمانی

کنکور □ نفر اول

المپیك □ مدال طلا

نماز □ ؟

[مربی طرح زیر را می کشد و کم کم آن را کامل می کند.]

بهترین نماز آن است که در مسجد و با جماعت اقامه شود.

داستان طناب سفید:

پیرمرد دلش گرفته بود. نمی دانست ناراحتی اش را به چه کسی بگوید. فکر می کرد هیچ کس در دنیا نیست که بتواند کمکش کند. همسرش در حال پختن نان بود. رو به همسرش کرد و گفت:

«زن، به ظهر چقدر مانده؟» زن یک لحظه دست از کار کشید و سر به آسمان بلند کرد. خورشید به وسط آسمان رسیده بود. گفت: «چیزی به ظهر نمانده.» مرد آه سرد و بلندی کشید چوب دستی اش را از کنار دیوار برداشت و با آن، راه خود را به سوی چاه خانه باز کرد. مرغ و خروس ها که زمین را نوک می زدند، با دیدن چوب دستی پیرمرد به گوشه ای پریدند. عصایش به سنگ چین چاه در گوشه خانه برخورد. چوب دستی اش را به کنار دیوار تکیه داد. طناب چاه را به دست گرفت و سطل را به داخل چاه انداخت و مقداری آب بالا کشید.

صدای اذان در مدینه پیچید. دل پیرمرد لرزید. آستین هایش را با عجله بالا زد و آب بر صورت و دست های لاغرش ریخت و وضو گرفت. به همسرش گفت: «نمی دانم چرا هر وقت صدای اذان را می شنوم، به یاد حرف پیامبر □ می افتم.»

«کدام حرف؟»

«اوه اوه، مگر چند بار برایت نگفته ام؟ پیامبر ﷺ فرموده است هرگاه در نماز جماعت تعداد نمازگزاران از ده نفر بگذرد، اگر همه درختان قلم و همه دریاها مرکب و جن و انس نویسنده شوند، نمی توانند ثواب حتی یک رکعت آن را بنویسند.»

پیرمرد با خود فکر می کرد: «خوشا به حال کسانی که هروقت بخوانند، می توانند به مسجد بروند. من هم دوست دارم پشت سر رسول خدا(ص) نماز بخوانم؛ اما کسی نیست که دستم را بگیرد و مرا به مسجد ببرد.» بعد درحالی که قطرات اشک بر روی ریش های جوگندمی اش می چکید، با زحمت فراوان راه مسجد را در پیش گرفت.

ص: ۱۲۸

۱- اشتهاردی، داستان های شنیدنی.

وقتی به مسجد رسید، نماز شروع شده بود. اما انگار آن روز با روزهای دیگر فرق داشت. با خودش فکر کرد: «چطور ممکن است کسی نتواند راه حلی برای گرفتاری من پیدا کند؟ تا کی باید به نمازجماعت نرسم؟»

آنگاه در گوشه ای از مسجد، انتهای صف نماز ایستاد و تکبیره الاحرام را آهسته گفت. پیرمرد بعد از نماز، خود را به حلقه یاران پیامبر ﷺ رسانید. آن ها برای پیرمرد جا باز کردند. چوب دستی اش را روی حصیر مسجد، کنار پایش نهاد و نشست.

«السلام علیک یا رسول الله (ص) من ناینایم؛ اما گوش هایم تیز است. صدای اذان را که می شنوم، دلم برای آمدن به مسجد پر می کشد؛ اما به تنهایی نمی توانم به مسجد بیایم.» همه ساکت بودند. پیرمرد ادامه داد: «یک روز و دو روز که نیست.»

پیامبر (ص) با مهربانی پیرمرد را نزدیک خود خواند و جملاتی را آرام در گوشش زمزمه کرد. از آن پس مردم که به مسجد می رفتند، نگاهشان به طناب سفید بلندی می افتاد که از در خانه پیرمرد تا در مسجد کشیده شده بود.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.

۲. ابوالقاسمی، محمدجواد، امام و مأموم در جلوه گاه حضور، تهران: یاس کبود، چاپ عروج، ۱۳۷۸.

۳. احمدی، علی اصغر، کندوکاو، پاسخ به پرسش های نوجوانان، ویژه دانش آموزان دوره راهنمایی و دبیرستان، چ ۷، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۳.

۴. اداره کل دفتر مطالعات تربیتی، آشنایی با نظام نامه تربیتی جامعه المصطفی العالمیه، چ ۱، مشهد: ۱۳۸۷.

۵. اداره امور مبلغان معاونت فرهنگی تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، طلعه، ویژه مبلغان کودک و نوجوان، ش ۲.

۶. اسلام جو، احمد، صدای سخن عشق، مجموعه ای از حکمت ها و حکایت های نماز از زبان آیت الله بهجت ﷺ، چ ۱، قم: طوبای محبت، ۱۳۸۴.

۷. اشاره ها و نکته ها، بسته آموزشی ۱: بسته فرزندپروری، ده شماره، تهران: مؤسسه اشاره ها و نکته های زندگی، اعضای هیئت مدیره: فاطمه امینیان، فریده حمیدی، بهمن ابراهیمی، عباس فرهادی ثابت، مرتضی مجدفر.

۸. اشاره ها، بسته آموزشی ۳: مهارت های زندگی، ده شماره، تهران: مؤسسه فرهنگی آموزشی اشاره زندگی، اعضای هیئت مدیره: فاطمه امینیان، پرویز رزاقیان، حسن زارعیان، عباس فرهادی ثابت.

۹. افروز، غلام علی، روش های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، چ ۲، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۱.

۱۰. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، چ ۶، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۴.

۱۱. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، چ ۱۳، قم: ام اییها، ۱۳۷۹.

ص: ۱۲۹

۱۲. آموزگار، محمد، جلوه های معرفت، راه های ارائه اصطلاحات و مفاهیم قرآنی در راستای درونی کردن ارزش ها در نسل جوان، چ ۲، مشهد: ضریح آفتاب، ۱۳۸۰.
۱۳. باقرزاده بابلی، عبدالرحمان، داستان های آموزنده و شنیدنی از رفتار فرزندان با کودکان و تأثیر تربیتی آن، چ ۱، قم: دارالکتاب جزایری، ۱۳۸۰.
۱۴. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، کاوشی برای تدوین چارچوب نظری تربیت اسلامی، ج ۱، چ ۱۵، تهران: مدرسه برهان، ۱۳۸۵.
۱۵. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی، همگام با روان شناسی رشد، تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۷۸.
۱۶. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دوفصلنامه تربیت اسلامی، ش ۱، س ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۱۷. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دوفصلنامه تربیت اسلامی، ش ۳، س ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۱۸. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روان شناسی، ش ۲، س ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۱۹. ثابت، حافظ، تربیت جنسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱۳۸۷، □.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، چ ۳، قم: اسراء، ۱۳۷۷.
۲۱. حائری شیرازی، محمدصادق، مثل ها و پندها، ج ۲، چ ۱، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۶.
۲۲. حجتی، سیدمحمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۶.
۲۳. حسینی (ژرفا)، سیدابوالقاسم، مبانی هنری قصه های قرآن، چ ۱، قم: پارسایان، ۱۳۷۷.
۲۴. حسینی زاده، سیدعلی، سیره تربیتی پیامبر □ و اهل بیت □، ج ۱، چ ۶، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۲۵. حسینی زاده، سیدعلی، سیره تربیتی پیامبر □ و اهل بیت □، ج ۴، چ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۲۶. حسینی شاهرودی، سیدمرتضی، کوی نیک نامان، ج ۱، چ ۱، مشهد: آفتاب دانش، ۱۳۸۲.
۲۷. حیدری ابهری، غلام رضا، خداشناسی قرآنی کودکان، پاسخ به چهل پرسش کودکان و نوجوانان درباره خدا، چ ۴، قم: جمال، ۱۳۸۶.
۲۸. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر □ و اهل بیت □، ج ۲، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.

۲۹. دبیرخانه تبیین اندیشه های دفاعی امام خمینی □، سیری در اندیشه های دفاعی امام خمینی □، ج ۲، چ ۱، تهران: دفاع، ۱۳۷۸.

۳۰. دهنوی، حسین، نسیم مهر، پرسش و پاسخ تربیت کودک و نوجوان، گفت و گوی رادیویی، ج ۱، چ ۱۸، قم: خادم الرضا، □
۱۳۸۶.

۳۱. زرهانی، سیداحمد و عزیزالله تاجیک اسماعیلی، نگاهی به نقش های تربیتی خانه و مدرسه، چ ۵، تهران: انجمن اولیا و
مربیان، ۱۳۸۳.

۳۲. زرهانی، سیداحمد، منشور تربیتی لقمان، چ ۵، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱.

ص: ۱۳۰

۳۳. ستاد اقامه نماز خراسان، آهنگ رویش.

۳۴. سروش، محمدعلی، شعله های سرد، بررسی حسادت در قرآن و حدیث، چ ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵.

۳۵. سوقندی، محمدرضا، نماز در آینه تمثیل، ۱۱۴ مثل و نکته پیرامون نماز، چ ۲، مشهد: انصار، ۱۳۸۰.

۳۶. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، عربی به فارسی، چ ۲، تهران: اسلام، ۱۳۸۰.

۳۷. شجاعی، محمدصادق، دیدگاه های روان شناختی آیت الله مصباح یزدی، چ ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱۳۸۵، □.

۳۸. شیخ الاسلامی، جعفر، نور زندگی، مجموعه عملی اخلاقی برای کودکان و نوجوانان، چ ۲، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم، ۱۳۸۴.

۳۹. شیخ الاسلامی، جعفر، نور زندگی، مجموعه عملی اخلاقی برای کودکان و نوجوانان، چ ۳، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم، ۱۳۸۴.

۴۰. صافی، احمد، سیمای معلم؛ تکریم شخصیت، صلاحیت ها، مهارت ها، خاطرات و تجارب معلمان، چ ۳، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱.

۴۱. صافی گلپایگانی، جامع الاحکام، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت □.

۴۲. قائمی امیری، علی، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، چ ۶، تهران: امیری، ۱۳۷۶.

۴۳. عزیزی، عباس، جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، چ ۱ و ۲، قم: بلوغ، ۱۳۷۹.

۴۴. فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، گفتار فلسفی، چ ۲، چ ۱۰، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.

۴۵. قائمی امیری، علی، حدود آزادی در تربیت، چ ۲، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۳.

۴۶. قائمی مقدم، محمدرضا، روش های آسیب زا در تربیت از منظر اسلامی، چ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.

۴۷. قرائتی، عبدالعلی، منطق آموختن، چ ۲، تهران: نیما، ۱۳۵۱.

۴۸. کردستانی، ابوالقاسم، منتخب الاحادیث، گزیده ای از کلمات نورانی معصومین □ پیرامون مسائل مختلف، چ ۱، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۲.

۴۹. کریمی، عبدالعظیم، اثرات پنهان تربیت آسیب زا، چ ۸، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۴.

۵۰. کریمی، یوسف، روان‌شناسی تربیتی، چ ۲، تهران: ارسباران، ۱۳۸۱.

۵۱. گروه نویسندگان، خانواده و نماز، چ ۵، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۴.

۵۲. گریوانی، مسلم، خدایی که در این نزدیکی است، چگونه خدا را به فرزندان خود معرفی کنیم؟، چ ۱، مشهد: ضریح آفتاب، ۱۳۸۸.

۵۳. لودین، شهین، کاربرد دریچه‌های پنهان تربیت، چ ۱، تهران: واسع، ۱۳۸۳.

۵۴. ماهنامه آموزشی اطلاع‌رسانی کودک، ش ۵۶، دی ۱۳۸۸.

۵۵. مجتهدی، سیدمرتضی، اسرار موفقیت، ج ۱، چ ۳، قم: حاذق، ۱۳۷۹.

۵۶. محبی، سیدعبدالله و مسلم فتحی، رویکرد مقایسه‌ای به جدیدترین استفتائات آموزشی مدیریتی، چ ۱، تهران: عابد، ۱۳۸۴.

۵۷. محدثی، جواد، عشق برتر، راه‌های ایجاد محبت اهل بیت (ع) در کودکان و نوجوانان، چ ۴، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳.

۵۸. محسن قرائتی، آشنایی با نماز برای نوجوانان، به تدوین جواد محدثی، چ ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

۵۹. محسن قرائتی، پرتویی از نور، گزیده تفسیر نور، چ ۱، تهران: درس هایی از قرآن، ۱۳۸۸.

۶۰. محمدی، علی، شرح اصول فقه مرحوم مظفر، ج ۳، چ ۶، دارالفکر، ۱۳۸۰.

۶۱. محمدی ری شهری، محمد و عبدالهادی مسعودی، فرهنگ نامه ادب، به ترجمه حمیدرضا شیخی، چ ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵.

۶۲. محمدی ری شهری، محمد، الصَّلَاةُ فِي الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ، به ترجمه عبدالهادی مسعودی، چ ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۷.

۶۳. محمدی ری شهری، محمد، جشن تکلیف، یک دوره فشرده معارف اسلامی برای جوانان، چ ۲، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۵.

۶۴. محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه کودک، ویژه زوج های جوان و مربیان امور تربیتی، به ترجمه عباس پسندیده، چ ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵.

۶۵. مروج طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت □، چ ۹، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.

۶۶. مطهری، مرتضی، اسلام و تعلیم و تربیت.

۶۷. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی اداره علوم قرآن و حدیث آستان قدس رضوی، در چشمه سار زلال وحی، جزوه تربیت کودک، ش ۱۳.

۶۸. معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ره توشه راهیان نور، ویژه دانش آموزان ابتدایی، متون آموزشی طرح هجرت، ش ۷۰، چ ۱، آیه حیات، ۱۳۸۶.

۶۹. مقدس پور، علی، اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی □.

۷۰. منوچهری صفا، مرضیه و شاهین نوش آبادی، پنجره ای رو به آفتاب، ویژه نامه خاطره ها و تجربه های آموزش نماز و ترویج نماز دوره راهنمایی، چ ۲، تهران: علم و دانش، ۱۳۸۸.

۷۱. موسوی، سیدمحسن، ماه در آب، مثل های فارسی در آینه حدیث، به ترجمه حمید فرخیان، چ ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳.

۷۲. میرزایی سیجانی، حسین، شکوفایی در فراغت، چ ۲، مشهد: رضوی، ۱۳۸۸.

۷۳. نجفی، گودرز، راز نیایش، فواید طبی و درمانی نماز، چ ۱، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.

۷۴. نیک خو، مهدی، گلبرگ زندگی، بررسی جنبه های گوناگون رشد و تربیت کودک، چ ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۷۵. واحد برنامه ریزی و خدمات پژوهشی مرکز مشاوره حوزه علمیه خراسان، تنبیه و تشویق کودک، بایدها و نبایدها.

۷۶. واسطی، عبدالحمید، نگرش سیستمی به دین، بررسی هویت استراتژیک دین، مشهد: مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی، ۱۳۸۸.

۷۷. وحیدی، محمد، دانستنی های لازم از نماز، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸.

ص: ۱۳۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

